



فصلنامه علمی

سال یازدهم / شماره ۲۲ / پاییز ۱۴۰۲

ISSN: ۲۵۳۸-۶۱۹۰

EISSN: ۲۷۱۷-۴۰۸۵

صاحب امتیاز: جامعه المصطفیٰ العالمیه

محل انتشار: مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

مدیر مسئول: سید محمود کاویانی

سر دبیر: علی نقی فقیه‌هی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

حمید پارسا/ دانشیار فلسفه، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
مسعود جان بزرگی/ استاد روان شناسی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
فرح رامین/ استاد فلسفه و کلام اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم
عادل ساریخانی/ استاد حقوق جزا و جرم شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم
محمد مهدی صفورایی پاریزی/ دانشیار روان شناسی تربیتی، عضو هیئت علمی جامعه المصطفیٰ العالمیه
جمیل علم الهدی/ دانشیار علوم تربیتی و روان شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
محمد فاکر میبدی/ استاد تفسیر و علوم قرآن، عضو هیئت علمی جامعه المصطفیٰ العالمیه
علی نقی فقیه‌هی/ دانشیار روان شناسی تربیتی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم
حسین قمری گیوی/ استاد مشاوره، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی
محمد مهدی گرجیان عربی/ استاد عرفان اسلامی و علوم قرآن، عضو هیئت علمی دانشگاه باقر العلوم
محسن ملک افضلی/ استاد فقه و مبانی حقوق، عضو هیئت علمی جامعه المصطفیٰ العالمیه
محمد نریمانی/ استاد روان شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

مدیر داخلی: سارا شفیعی

کارشناس نشریه: هدی بنکدار آفرانی

ویراستار: زهرا شفیعی

مترجم چکیده: کمالبرزگر بفروری

صفحه بندی: خانه چاپ و گرافیک سحر

فصلنامه علمی «پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده» در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی ذیل به صورت تمام متن قابل دسترسی است.

www.isc.gov.ir

۱. پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

www.noormags.ir

۲. پایگاه مجلات تخصصی نور

www.magiran.com

۳. بانک اطلاعات نشریات کشور

www.sid.ir

۴. پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

<http://pzj.journals.miu.ac.ir>

پایگاه نشریه

pzj.journals@miu.ac.ir

پست الکترونیکی

این نشریه حاصل فعالیت مشترک جامعه المصطفیٰ العالمیه با انجمن علمی فقه و حقوق خانواده ایران است.

نشانی مجله: قم، پردیسان، ابتدای بلوار امامت، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی.

امور تحریریه: ۳۷۱۸۳۲۸۴-۲۵ کد پستی: ۶۴۴۶۲-۳۷۱۶۶

قیمت: ۷۰۰,۰۰۰ ریال

این نشریه، براساس نامه مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۱۶ به شماره
۳/۱۸/۱۹۴۹۷۷/کمسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم،
تحقیقات و فناوری)، از شماره ۲ حائز رتبه «علمی-پژوهشی» گردید.

رویکرد: موضوع «زن و خانواده» از دیرباز مورد بررسی، پرسش و ژرف نگری
اندیشمندان دینی و غیردینی بوده است و طرفداران هر اندیشه، با توجه
به شالوده معرفتی خود، نظام فکری مبتنی بر آن شالوده را ارائه می نمایند.
فصلنامه علمی «پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده» در پی آن است
که اندیشه های علمی دانش پژوهان و فرهیختگان را در حوزه زنان و
خانواده، مبتنی بر مبانی اسلامی و نقد شناسه های غیر دینی منتشر نماید
و به نشر مؤلفه های بنیان های فکری دین اسلام بپردازد.

داوران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفبا)
رضا احمدی، محمدرضا احمدی، خالد الغفوری
امین امیرحسینی، محمدجواد بحرینی، حسن تقیان
حامد رستمی نجف آبادی، داوود صفا، محمد مهدی صفورایی پاریزی
علی نقی فقیهی، فرج الله هدایت نیا، جعفر هوشیاری

دبیران تخصصی نشریه (به ترتیب حروف الفبا)
محمد جواد بحرینی، سارا شفیعی، داوود صفا، جعفر هوشیاری



راهنمای تدوین و نگارش مقالات فصلنامه علمی «پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده»

۱. مقاله دست‌آورد پژوهش علمی نگارنده بوده و مختصات روش شناختی و سامان یافته در ارائه موضوع مورد تحقیق بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.

۲. پذیرش مقاله برای چاپ به عهده هیئت تحریریه فصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن، اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت و کلیه مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده و یا نویسندگان آن خواهد بود.

۳. مقالات ارسالی حداقل در ۱۵ صفحه و حداکثر ۲۰ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) و با قلم لوتوس شماره ۱۲ در محیط word حروف چینی شده باشد و به پایگاه نشریه ارسال گردد.

۴. مقاله ارسالی باید دارای ساختار مقالات علمی و با رعایت شرایط ذیل باشد:

۱-۴. دارای عنوان، چکیده، (حداکثر ده سطر یا ۱۵۰ کلمه)، کلید واژگان (حداکثر ۷ کلید واژه)، مقدمه، روش پژوهش، نتایج، بحث و نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشد.

۲-۴. عنوان مقاله دقیق، علمی، متناسب با متن مقاله و با محتوایی رسا و مختصر باشد.

۳-۴. مقدمه مقاله محل طرح موضوع مقاله، اهمیت و ابعاد و پیشینه موضوع مورد پژوهش و بیان منظور نویسنده از طرح پژوهش باشد.

۴-۴. روش پژوهش شامل روش تحقیق، طرح تحقیق، جامعه و نمونه آماری و ابزار جمع‌آوری اطلاعات است. در بخش نتایج، نتایج حاصل از تحقیق و آزمون فرضیه ارائه شود.

۵-۴. در بخش بحث و نتیجه‌گیری، مقایسه دستاورد پژوهش با دیگر مطالعات ارائه شود و پیشنهادات کاربردی و محدودیت‌های مربوط به پژوهش نیز بیان گردد.

۶-۴. استناد دهی و تنظیم فهرست منابع به شیوه APA باشد:

رفرنس دهی به شیوه APA

الف) ارجاع به متون در داخل متن با یک نویسنده و یک کتاب

۱. اگر نام نویسنده داخل متن ذکر شود: فقط (سال انتشار) کنار نام نویسنده داخل پرانتز بیان می‌شود:

۲. اگر نام نویسنده و سال انتشار داخل متن ذکر شود در انتهای متن رفرنس آورده نمی‌شود.

۳. اگر نام نویسنده و سال انتشار در متن ذکر نشود، ارجاع داخل پرانتز و انتهای متن بیان می‌شود. (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار)

اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می‌شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه). اگر کتاب داری چند جلد باشد: (نام نویسنده، سال انتشار، ج/ص)

ب) ارجاع به متون با نویسنده نامشخص

۱. چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله داخل پرانتز همراه با سال انتشار نوشته می‌شود: (چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله، سال انتشار).

ج) تنظیمات فهرست منابع

۱. مقاله

• نام خانودگی، نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان مقاله، عنوان مجله، شماره نشریه (دوره انتشار)، شماره صفحه ابتدای مقاله - شماره صفحه انتهایی مقاله.

۲. کتاب

• نام خانودگی، نام نویسنده (سال انتشار)، نام کتاب، نام کامل مصحح یا مترجم، محل انتشار: انتشاراتی.

اگر نویسنده شرکعی باشد نوبت چاپ بعد از عنوان کتاب در پرانتز ذکر می‌شود:

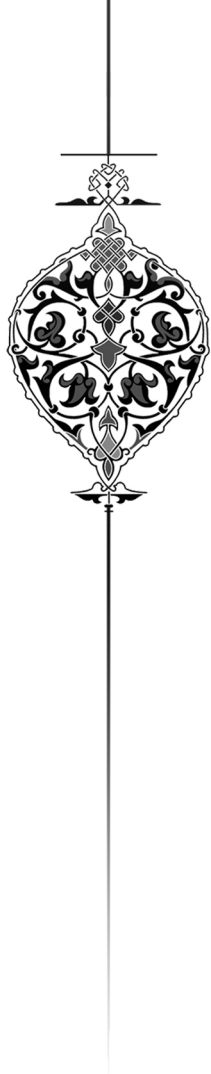
• نام خانودگی، نام نویسنده (سال انتشار)، نام کتاب (نوبت چاپ)، محل انتشار: انتشاراتی.

۳. ارجاع به کتبی که نویسنده مشخص ندارد مثل فرهنگ لغت:

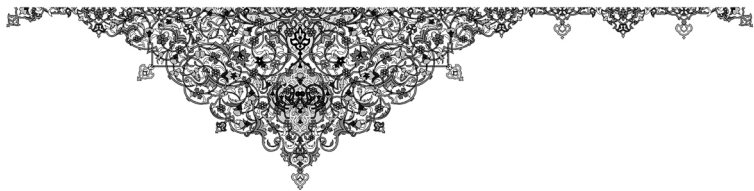
عنوان کتاب (نوبت چاپ)، (سال انتشار)، محل انتشار: انتشاراتی.

در این شماره می‌خوانیم

- تدوین مدل مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تحصیلی براساس الگوهای ارتباطی خانواده با نقش میانجی سبک‌های فرزندپروری / قاسم صالحی جلپه، علی نقی فقیهی..... ۹
- پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس انعطاف‌پذیری خانواده با نقش میانجی مرزهای خانواده/ حکیمه غفاری اصل گنجینه کتاب، محمد مهدی صفورایی پاریزی، سهراب عبدی زرین..... ۳۱
- پژوهشی فقهی در تکثیر نسل و نسبت آن با تحکیم خانواده / ناصر عاشوری، منصور غریب‌پور، سید مهدی جوکار..... ۵۵
- حضانت کودکان معلول در اسلام و حقوق بین‌الملل بشر / سید محسن قائمی خرق، محمد لری نژاد، سمیه آقایی نژاد..... ۷۵
- بازکاوی صحت هبه سکه و قابلیت رجوع از آن؛ یا تأکید بر آموزه‌های فقهی و نگاهی به رویه قضایی / امین سلیمان کلوانق..... ۹۹
- نقدی بر پنداره جواز فسخ نکاح به علت زناى زوج / محمد عربشاهی، محمود حق بجانب، جواد اکرامی رباط خاکستری..... ۱۱۷



مقالات





تدوین مدل مسئولیت پذیری و خودکارآمدی تحصیلی براساس الگوهای ارتباطی خانواده با نقش میانجی سبک های فرزندپروری

قاسم صالحی چلچله^۱، علی نقی فقیهی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل مسئولیت پذیری و خودکارآمدی تحصیلی بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده با اثر واسطه ای سبک های فرزندپروری ادراک شده در بین دانش آموزان به روش غیرآزمایشی از نوع همبستگی و تحلیل مسیر انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پسر متوسطه دوم مناطق ۱۴، ۱۳ و ۱۵ تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۰ بود که تعداد ۴۱۰ نفر از ایشان به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب و وارد پژوهش شدند. اطلاعات پژوهش با استفاده از پرسش نامه های مسئولیت پذیری روان شناختی کالیفرنیا، خودکارآمدی تحصیلی مورگان جینکز، ادراک از سبک های فرزندپروری مک لون و مررل و پرسش نامه تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی ریچی و فیتزپاتریک جمع آوری شد. نتایج نشان داد که مسئولیت پذیری دارای رابطه معنادار با سبک فرزندپروری مقتدرانه بود، ولی رابطه معنادار با سبک های سهل گیرانه و مستبدانه نداشت. همچنین، الگوهای ارتباطی گفت و شنود و همنوایی به طور غیرمستقیم با مسئولیت پذیری رابطه مثبت داشت. خودکارآمدی تحصیلی به طور غیرمستقیم با الگوی ارتباطی گفت و شنود و الگوی همنوایی و به طور مستقیم با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه مثبت داشت. در نهایت، رابطه مستقیم سبک فرزندپروری سهل گیرانه و سبک فرزندپروری مستبدانه با خودکارآمدی تحصیلی معنی دار نبود. براین اساس، الگوهای ارتباطی با نقش واسطه ای سبک های فرزندپروری ۳۸٪ از مسئولیت پذیری و ۲۵٪ از خودکارآمدی تحصیلی را تبیین می کند.

واژگان کلیدی: مدل مسئولیت پذیری، خودکارآمدی تحصیلی، سبک های فرزندپروری ادراک شده، الگوهای ارتباطی خانواده.

DOI: 10.22034/ijwf.2023.14985.2042

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

۱. کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه قم، قم، ایران.

Email: ssghasem2526@gmail.com

ORCID ID: 0009-3226-0001-0929

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی و روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: faghihi83@yahoo.com

ORCID ID: 0000-0003-0483-6051

Developing a Model of Academic Responsibility and Self-efficacy Based on Family Communication Patterns with the Mediating Role of Parenting Styles

Ghasem Salehi Chelchesh¹, Ali Naghi Faghihi²

The current study was conducted with the purpose of developing a model of academic responsibility and self-efficacy based on family communication patterns with the mediating effect of perceived parenting styles among students using a non-experimental method of correlation and path analysis. The statistical population included all secondary school male students of the 14th, 13th and 15th districts of Tehran in the academic year of 1400, and 410 of them were selected by multi-stage cluster sampling and entered the research. Research data were collected by using the questionnaires of California psychological responsibility, Morgan and Jinks' academic self-efficacy, McClun and Merrell's perceived parenting styles, and Ritchie and Fitzpatrick's revised questionnaire of communication patterns. The findings showed that responsibility had a significant relationship with authoritarian parenting style, but it did not have a significant relationship with permissive and authoritarian styles. Furthermore, communication patterns of dialogue and conformity had a positive relationship indirectly with responsibility. Academic self-efficacy had a positive relationship indirectly with the conversational communication and conformity patterns and directly with the authoritarian parenting style. In the end, the direct relationship between permissive parenting style and authoritarian parenting style with academic self-efficacy was not significant. Therefore, communication patterns with the mediating role of parenting styles justify 38% of responsibility and 25% of academic self-efficacy.

Keywords: responsibility model, academic self-efficacy, perceived parenting styles, family communication patterns.

DOI: 10.22034/ijwf.2023.14985.2042

Paper Type: Research

Data Received: 2023 / 01 / 02 **Data Revised:** 2023 / 03 / 19 **Data Accepted:** 2023 / 07 / 01

1. M.A. in Educational Psychology, University of Qom, Qom, Iran.

Email: ssghasem2526@gmail.com

ORCID ID: 0009-3226-0001-0929

2. Associate Professor, Department of Educational Sciences and Psychology, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Qom, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: faghihi83@yahoo.com

ORCID ID: 0000-0003-0483-6051

۱. مقدمه

رشد و شکوفایی در ابعاد مختلف زندگی، مستلزم داشتن نظام تعلیم و تربیتی است که بتوان نسلی تربیت کرد که ویژگی‌هایی داشته باشد که در ساختن سرنوشت جامعه مؤثر است. یکی از این ویژگی‌ها، مسئولیت‌پذیری^۱ است که از مهمترین ویژگی‌های انسانی است و پرورش آن نیز از مهمترین اهداف تعلیم و تربیت است؛ زیرا صفتی است که با بسیاری از صفات مثبت همبستگی دارد و زمینه رشد و پرورش دانش‌آموزان را فراهم می‌کند (عبداللهی و قدسی، ۱۳۹۷). قبول و پذیرش مسئولیت، نوعی ابراز شخصیت است و به وظیفه‌شناسی، پاسخ‌گو بودن و تعهد اشاره دارد. افراد براساس قبول مسئولیت، آرا و افکار خود را به دیگران ارائه می‌دهند (آلن و مینترم، ۲۰۱۰)^۲. گلاسر به نقل از وابلدینگ (۲۰۱۷) مسئولیت‌پذیری را به معنای قابلیت پذیرش، پاسخ‌گویی و به عهده گرفتن کاری که از کسی درخواست می‌شود و شخص حق دارد که آن را بپذیرد و یا رد کند، تعریف می‌کند. مسئولیت‌پذیری، انتخابی آگاهانه و بدون اجبار در تعیین رفتار خود و چگونگی رفتار با دیگران در مناسبات اجتماعی است (کارارس، و همکاران، ۲۰۲۱)^۳. مسئولیت‌پذیری به حس وظیفه‌شناس بودن، پاسخ‌گویی و تعهد اشاره دارد و ویژگی‌هایی مانند به تأخیر انداختن خواسته‌ها، تفکر قبل از عمل، سازمان‌دهی و اولویت‌بندی تکالیف، رعایت قوانین و هنجارها را شامل می‌شود (توگین، اوربانوویچ، ۲۰۱۸)^۴. خودکارآمدی تحصیلی^۵ ارتباط نزدیکی با مفهوم مسئولیت‌پذیری دارد. ازاین‌رو، بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده این دو متغیر به صورت هم‌زمان درک روشنی از عوامل تشکیل‌دهنده این دو مؤلفه ارائه می‌دهد. مفهوم خودکارآمدی از نظریه شناختی اجتماعی بندورا^۶ گرفته شده است و به باور فرد در مورد توانمندی‌ها و شایستگی‌های خود برای انجام موفقیت‌آمیز تکلیفی خاص اشاره دارد. به باورهای شخصی که به توانایی انجام یا یادگیری وظایف تحصیلی و عملکرد مرتبط به آن اشاره دارد، خودکارآمدی تحصیلی می‌گویند. خودکارآمدی تحصیلی، نوعی اعتماد به نفس فرد برای رسیدن به موفقیت

1. responsibility

2. Allen, A., & Mintrom, M.

3. Carreres- Ponsoda, F., & et al

4. Tauginienė, L., & Urbanovič, J.

5. Academic self- efficacy

6. Bandura

تحصیلی نیز می‌باشد (لینگ، هایین و یان‌هوا، ۲۰۲۰^۱). این موضوع، عامل مهم و تعیین‌کننده‌ای در عملکرد تحصیلی و رشد است که در ابعاد مختلف آموزش مورد توجه پژوهشگران حوزه تربیت و آموزش قرار گرفته است (تالسما، شوز، شوارتز و نوریس، ۲۰۱۸^۲).

دانش‌آموزانی که خودکارآمدی تحصیلی بالایی دارند نظرات انتقادی را چالش‌های جدیدی می‌دانند که به جای دفاع در برابر آنها خود را در موقعیت‌های مناسب‌تر قرار می‌دهند تا از فرصت‌های یادگیری ایجادشده از نظرات انتقادی استفاده کنند (آدامز، ویلسون، مانی، جی. پالمکران و ترس، ۲۰۲۰^۳). خودکارآمدی، متغیری چندبعدی است و باید در حوزه‌های مختلف ارزیابی شود. براین اساس، آنها سه حوزه خودکارآمدی تحصیلی، هیجانی و اجتماعی را مطرح کردند. از حوزه‌های خودکارآمدی آنچه در پژوهش حاضر مدنظر است خودکارآمدی تحصیلی است که بندورا (میس، گلینک و بورگ، ۲۰۰۶^۴) آن را اطمینان افراد از توانایی خود برای یادگیری و تسلط بر تکالیف و مهارت‌های جدید در حوزه تحصیلی و دروس مربوط توصیف کرده است. براساس آنچه درباره دو ویژگی مهم خودکارآمدی و مسئولیت‌پذیری گفته شد ضرورت شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده این عوامل دیده می‌شود. عوامل اجتماعی به‌ویژه فضای خانواده در شکل‌گیری این ویژگی‌ها مؤثر است.

پژوهش حاضر بر ارتباط در فضای خانواده تمرکز دارد. بونگ^۵ (۲۰۰۸) در پژوهش خود نشان داد که خودکارآمدی فرزندان از حمایت عاطفی و پذیرش والدین تأثیر می‌پذیرد. اهمیت ارتباط در بستر خانواده به اندازه‌ای است آن را سنگ زیربنای سلامت خانواده می‌دانند. الگوهای ارتباطی خانواده از دیدگاه فیتزپاتریک^۶ (۲۰۰۴) مشتمل بر دو بعد جهت‌گیری گفت‌و شنود^۷ و جهت‌گیری همنوایی^۸ است که در این مطالعه مورد نظر است. جهت‌گیری گفت‌و شنود به فضایی اشاره دارد که اعضای خانواده به تعاملات خودانگیزه با یکدیگر و مشارکت آزاد در موضوعات متنوع همراه با ارائه ایده‌های نو در خانواده ترغیب

1. Ling, L., Haiyin, G., & Yanhua, X.
2. Talsma, K., Schuz, B., Schwarzer, R., & Norris, K.
3. Adams, A. M., Wilson, H., Money, J., Palmer- Conn, S., & Fearn, J.
4. Meece, J. L., Glienne, B. B., & Burg, S.
5. Bong, M.
6. Fitzpatrick, M. A.
7. conversation - orientation
8. conformity- orientation

می‌شوند. منظور از جهت‌گیری هم‌نوایی، میزان تلاش خانواده برای یکسان‌سازی ارزش‌ها، باورها و گرایش‌هاست (کوئر و فیتز پاتریک، ۲۰۰۲). پژوهشگران در پژوهش‌های خود به تأثیر کارکرد خانواده و شیوه ارتباط بین اعضای خانواده با رفتارهای اجتماعی و مسئولیت‌پذیری پرداخته‌اند. بیرلند، بریویک و ولد^۲ (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که ارتباط صمیمانه والدین با فرزندان همراه با تشویق، احساس بهتر فرزندان به خود و مسئولیت‌پذیری بیشتر آنها را به دنبال دارد. لنزی، وینو، سانتینلو، نشون و ووت^۳ (۲۰۱۴)، کرین^۴ (۲۰۱۰)، محمدی مصیری و مرادی (۱۳۹۷)، محمدی، شیخ‌الاسلامی و فولادچنگ (۱۳۹۸)، طهرانی مقدم و شریعت باقری (۱۳۹۷)، سلیمی، بهرامی، طاهری، یونسی و حسین‌زاده (۱۳۹۳) در پژوهش‌های خود بر تأثیر عملکرد و ویژگی‌های خانواده بر بهبود مسئولیت‌پذیری فرزندان تأکید داشته‌اند.

پژوهش‌های انجام‌شده در مورد تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر خودکارآمدی لاین و کپریانو^۵ (۲۰۱۴)، بوهانگ، مارین، فیویش و داک^۶ (۲۰۰۶)، تجلی و اردلان (۱۳۸۹)، نیک‌نام و جوکار (۱۳۹۴)، دهقانی‌زاده و حسین چاری (۱۳۹۱)، هاشمی و اسکندری (۱۳۹۰)، عسکری، حجت‌خواه، و وحیدبیگی (۱۳۹۶)، نیک‌نام و جوکار (۱۳۹۴)، ملکی پیربازاری، نوری و صرامی (۱۳۹۰)، کاپارار، پاستورلی، رگالیا، اسکابینی و بندورا^۷ (۲۰۰۵) نشان داد که الگوهای ارتباطی خانواده با درک فرزندان از خود مرتبط بوده و در خانواده‌هایی که سطح ارتباطی باز و تصدیق‌کننده دارند نسبت به خانواده‌هایی که سبک کنترلی و طردکننده دارند فرزندان، خودکارآمدی بالاتری دارند. نکته مهم این است که سبک‌های ارتباطی در خانواده با تأثیر از کدام عوامل میانجی، اثر خود بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی را برجای می‌گذارند. روان‌شناسان رشد همواره به چگونگی تأثیر روش‌های تربیت والدین بر رشد کودک علاقه‌مند بوده‌اند. بامرید (۱۹۷۸) معروف‌ترین سبک‌های فرزندپروری خانواده را ارائه داده است. از نظر بامرید، سبک‌های فرزندپروری، سه سبک: مقتدرانه^۸، مستبدانه^۹ و سهل‌گیرانه^{۱۰} را شامل می‌شود.

1. Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A.
2. Birkeland, M. S., Breivik, K., & Wold, B.
3. Lenzi, M., Vieno, A., Santinello, M., Nation, M., & Voight, A.
4. Crain, W.
5. Lane. J., Lane, M. A., & Kyprianou, A.
6. Bohanek, J.G., Marin, K.A., Fivush, R., & Duke, M. P.
7. Caprara, G. V., Pastorelli, C., Regalia, C., Scabini, E., & Bandura, A.
8. Authoritative
9. Authoritarian
10. Permissive



والدین مقتدر از فرزندانشان رفتارهای سنجیده انتظار دارند. براین اساس برای آنها قوانین رفتاری مناسبی تعیین می‌کنند، فرزندانشان را تشویق می‌کنند تا مستقل باشند و در تعامل با آنها انعطاف لازم را دارند.

والدین مستبد برای حفظ اقتدار خود ارزش زیادی قائل می‌باشند و هرگونه اقدام ازسوی فرزندان که این موضوع را به چالش می‌کشد، سرکوب می‌کنند. والدین آسان‌گیر، قواعدی برای نظارت بر فرزندان ندارند و اجازه کافی برای ارائه هر رفتاری را به آنها می‌دهند (ماندارا^۱، ۲۰۰۳). خانواده‌هایی که با فرزندان خود در مورد مسائل مختلف گفت‌وگو و مشارکت دارند فرزندانشان توانایی حل مسئله، اعتماد به دیگران، ایمان به قدرت خود و حس استقلال بیشتری دارند. دگرگونی‌های سریع در جوامع انسانی به مرور زمان بر روی انسان‌ها و خانواده‌ها اثر گذاشته و خانواده‌ها سعی می‌کنند فرزندان خود را از همان اوایل کودکی برای ربودن گوی سبقت از همسالان خود آماده کنند (دنيس^۲، ۲۰۱۲). برخی پژوهش‌ها درباره ارتباط خودکارآمدی و سبک‌های فرزندپروری ازجمله پژوهش سیفی و بازارویچ قادراف (۱۳۹۷)، عشیری و خطیرپاشا (۱۳۹۵)، مرادی و ثنایی ذاکر (۱۳۹۵)، یوسف‌زاده، استحقاقی گرجی، حجتی و اعتمادی (۱۳۹۳)، سیفی (۱۳۹۴)، حسینی دولت‌آبادی، سعادت و قاسمی جوبنه (۱۳۹۲)، هوو، دوباس، گریس، ون در لان و اسمینک^۳ (۲۰۱۱)، توزنده جانی، توکلی‌زاده و لگزبان (۱۳۹۰) نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری، پیش‌بینی‌کننده خودکارآمدی است.

پژوهش خادم، علیزاده و پورعسکری (۱۳۹۷) در مورد مسئولیت‌پذیری نشان داد که سبک‌های فرزندپروری، پیش‌بینی‌کننده مسئولیت‌پذیری است. گاستلو، گاستلو و بریگز^۴ (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان دادند که تأثیر شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه بر افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی پسران و استقلال دختران، مثبت است. فرزندپروری سهل‌گیرانه با شایستگی کم‌تر در پسران و ابراز وجود کم‌تر در دختران همراه است. خانواده غفلت‌گرا با سطوح وسیعی از اختلال عملکرد در دختران و پسران روبه‌روست. براساس پژوهش ترنر، چاندلر و هفر^۵ (۲۰۰۹) سبک فرزندپروری مقتدرانه بر خودکارآمدی تحصیلی تأثیر می‌گذارد.

1. Mandara, J.

2. Dennis, C. L.

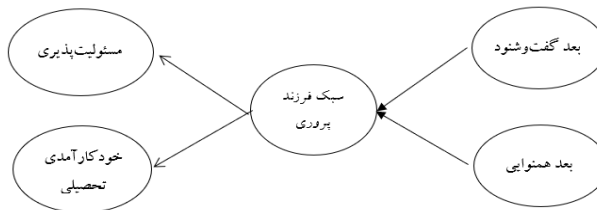
3. Hoeve, M., Dubas, J. S., Gerris, J. R., van der Laan, P. H., & Smeenk, W.

4. Guastello, D. D., Guastello, S. J., & Briggs, J. M.

5. Turner, A., Chandler, M., & Heffer, W.

برنشتین^۱ (۲۰۰۳) در مطالعه خود نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه با توسعه رفتار اجتماعی در نوجوانان مانند مسئولیت‌پذیری، قضاوت اخلاقی، خودتنظیمی، تسلط و انگیزه ارتباط دارد. براساس مطالعات پژوهشگر، تحقیق مشخصی یافت نشد که نقش الگوهای ارتباطی خانواده با اثر واسطه‌ای سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تحصیلی را بررسی کرده باشد. ازاین‌رو، این خلأ پژوهشی در پژوهش حاضر مورد توجه واقع شد و ازآنجا که اهمیت متغیرهای مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تحصیلی و اثرگذاری آنها در همه ابعاد زندگی مشهود است، پژوهش حاضر باهدف بررسی فرضیات ذیل انجام شد:

- الگوهای ارتباطی خانواده با نقش میانجی سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تأثیر معنادار دارد.
- الگوهای ارتباطی خانواده با نقش میانجی سبک فرزندپروری مقتدرانه بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تأثیر معنادار دارد.
- الگوهای ارتباطی خانواده با نقش میانجی سبک فرزندپروری مستبدانه بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تأثیر معنادار دارد.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش غیرآزمایشی از نوع همبستگی و با روش تحلیل مسیر، تحلیل شد.

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمام دانش آموزان پسر متوسطه اول مناطق ۱۳، ۱۴ و ۱۵ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۰ بود که تعداد حجم نمونه با روش مولر ۴۱۰ نفر در نظر گرفته شد که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای^۱ چندمرحله‌ای از جامعه آماری انتخاب و وارد پژوهش شدند.

۲-۳. ابزار پژوهش

۲-۳-۱. پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری کالیفرنیا

پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری کالیفرنیا که توسط هاریسون گاف در سال ۱۹۵۱ ساخته شد ۴۲ گویه دارد و باهدف سنجش میزان مسئولیت‌پذیری افراد بهنجار تهیه شده است. روش نمره‌گذاری این ابزار براساس مقیاس دوجبهی صحیح و غلط است. مگاری (۱۹۷۲) ضریب پایایی این ابزار را به روش بازآزمایی و همسانی درونی نشان داده است. آقایی (۱۳۹۴) روایی محتوایی و پایایی این ابزار را براساس آلفای کرونباخ محاسبه شده بالای ۰/۷ گزارش داده است. پایایی این ابزار در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۲ به دست آمد.

۲-۳-۲. خودکارآمدی تحصیلی مورگان جینکز

خودکارآمدی تحصیلی مورگان جینکز (۱۹۹۹) ۳۰ گویه در مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرت دارد که شامل سه خرده‌مقیاس استعداد، کوشش و بافت است. در پژوهش توسلی‌نیا (۱۳۹۵) روایی محتوایی و پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲ تأیید شد. پایایی این ابزار در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۴ به دست آمد.

۲-۳-۳. پرسش‌نامه تجدیدنظرشده الگوهای ارتباطی خانواده

پرسش‌نامه تجدیدنظرشده الگوهای ارتباطی خانواده (۱۹۹۰) توسط ریچی و فیتزپاتریک در سال ۱۹۹۰ ساخته شد. این مقیاس ۲۶ گویه در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت دارد که دو بعد جهت‌گیری گفت‌و شنود و هم‌نوایی را می‌سنجد. (مورکین، ۱۳۹۶) کوثرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) روایی محتوایی، ملاکی و سازه این پرسش‌نامه را مطلوب گزارش کردند. در ایران، پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۹ و ۰/۷۹ برای بعد گفت‌و شنود

و هم‌نوایی گزارش شد (سبزی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۴). کورش‌نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) در مطالعه خود، روایی این مقیاس را بررسی کردند و پایایی آن را با استفاده از بازآزمایی برابر با ۰/۸۴ و ۰/۷۸ و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ و ۰/۸۱ گزارش دادند. در پژوهش مرادی و چراغی (۱۳۹۳) ضریب آلفای کرونباخ برای بعد گفت‌و شنود و هم‌نوایی برابر با ۰/۸۵ و ۰/۷۳ محاسبه و روایی این ابزار با استفاده از روش تحلیل عاملی با مؤلفه‌های اصلی تأیید شد.

۲-۳-۴. پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری مکلون و مررل

پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری مکلون و مررل (۱۹۹۹) شامل ۱۸ گویه در مقیاس دووجهی است و سه مؤلفه سبک فرزندپروری سهل‌انگارانه، مقتدرانه و مستبدانه را می‌سنجد. مقیاس اندازه‌گیری در این آزمون، مقیاس اسمی است. برای اندازه‌گیری روایی محتوایی، پرسش‌نامه در اختیار ۱۵ نفر از صاحب‌نظران روان‌شناسی قرار گرفت که آنها در تمام سؤال‌ها بیش از ۷۵٪، نظرات کاملاً موافق و موافق داشتند. براساس نظرخواهی پژوهشگران از ما میرید، این پرسش‌نامه در زمینه سبک‌های فرزندپروری، روایی صوری خوبی دارد. نتایج سنجش پایایی این پرسش‌نامه به‌کوشش مکلون و مررل (۱۹۹۸) به‌روش بازآزمایی نشان داد که ۱۰۰٪ دانش‌آموزان، بخش یکسانی را در شکل بسته پاسخ این آزمون علامت زدند. در پژوهش حاضر برای محاسبه پایایی از روش بازآزمایی استفاده شد که نتایج تحلیل پایانی نشان داد ۹۰٪ آزمودنی‌ها بخش یکسانی را در دو فاصله زمانی علامت زدند (پورعلی، کدیور و همایونی، ۱۳۸۷).

۳. یافته‌های پژوهش

بررسی یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که نمونه آماری براساس سن، ۱۳۰ نفر پایه هفتم (۳۱/۸٪)، ۱۴۰ نفر پایه هفتم (۳۴/۱٪) و ۱۴۰ نفر پایه هفتم (۳۴/۱٪) بودند. براساس سن پدر، ۸۰ نفر از پدران زیر ۴۱ سال (۱۹/۵٪)، ۲۰۰ نفر از آنها بین ۴۱ تا ۵۰ سال (۴۸/۸٪) و ۱۳۰ نفر از پدران بالاتر از ۵۰ سال (۳۱/۷٪) داشتند. براساس سن مادر، ۱۰۵ نفر از مادران زیر ۴۱ سال (۲۵/۶٪)، ۲۳۰ نفر از آنها بین ۴۱ تا ۵۰ سال (۵۶/۱٪) و ۱۳۰ نفر از ایشان بالاتر از ۵۰ سال (۱۸/۳٪) داشتند. یافته‌های توصیفی نشان داد که میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه مسئولیت‌پذیری به‌ترتیب ۲۰/۴۲، ۳/۹۲، ۳۱، ۷ بود. خودکارآمدی تحصیلی

به ترتیب ۸۸/۸۸، ۸/۱۴، ۵۵، ۶۴، الگوی ارتباطی گفت و شنود به ترتیب ۱۹/۷۰، ۱۲/۹۸، ۱، ۶۰ و الگوی ارتباطی هم‌نوایی به ترتیب ۲۲/۵۷، ۹/۷۷، ۰، ۴۴ بود. سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه به ترتیب ۲/۶۰، ۱/۴۳، ۰، ۶، سبک فرزندپروری مقتدرانه به ترتیب ۴/۲۶، ۱/۶۹، ۰، ۶ و سبک فرزندپروری مستبدانه به ترتیب ۲/۵۱، ۱/۴۹، ۰، ۶ بود.

پس از بررسی وضعیت توصیفی نمونه، برای بررسی فرضیه‌ها ابتدا پیش‌فرض‌ها و سپس تحلیل معادلات ساختاری انجام شد. نرمال بودن داده‌ها براساس چولگی و کشیدگی متغیرهای مسئولیت‌پذیری (۰/۵۵ و ۰/۱۰)، خودکارآمدی تحصیلی (۰/۶۰ و ۰/۴۴)، الگوی‌های ارتباطی گفت و شنود (۰/۶۲ و ۰/۱۷)، هم‌نوایی (۰/۰۶ و ۰/۶۶)، سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه (۰/۲۵ و ۰/۱۷)، مقتدرانه (۰/۹۹ و ۰/۰۸)، مستبدانه (۰/۳۶ و ۰/۴۰) نشان داد که توزیع این متغیرها خارج از حالت نرمال نیست؛ زیرا در محدوده +۱ تا -۱ قرار داشت. درنهایت در این تحلیل در هیچ‌یک از مقادیر تحمل و آماره VIF محاسبه شده برای متغیرهای پژوهش، انحرافی از مفروضه هم‌خطی چندگانه مشاهده نشد که مقدار تحمل و عامل افزایش واریانس به ترتیب در سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه (۰/۹۳ و ۰/۰۶)، مقتدرانه (۰/۶۴ و ۰/۵۴)، مستبدانه (۰/۶۴ و ۰/۵۴) و الگوهای ارتباطی گفت و شنود (۰/۷۱، ۰/۳۹)، هم‌نوایی (۰/۶۱ و ۰/۶۲) نشان داده شد. پس از بررسی‌های صورت‌گرفته در بخش پیشین با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری در نرم‌افزار آموس، برازش مدل و فرضیه‌های پژوهش بررسی شد.

جدول ۱

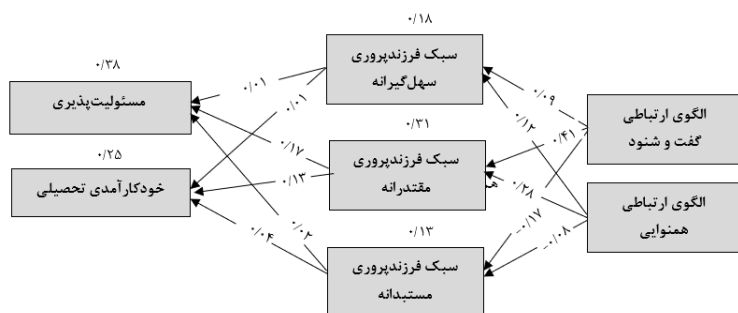
ضرایب استاندارد اثر مستقیم، اثر غیرمستقیم و اثر کل مدل و ضرایب تبیین

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	ضریب تبیین
مسئولیت‌پذیری				
الگوی ارتباطی گفت و شنود	-	۰/۲۹**	۰/۲۹**	۰/۲۸
الگوی ارتباطی هم‌نوایی	-	۰/۰۸*	۰/۰۸*	
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۰/۰۱	-	۰/۰۱	
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۱۷**	-	۰/۱۷**	
سبک فرزندپروری مستبدانه	۰/۰۲	-	۰/۰۲	
خودکارآمدی				۰/۲۵

الگوی ارتباطی گفت و شنود	-	۰/۴۴**	۰/۴۴**
الگوی ارتباطی هم نوایی	-	۰/۵۱**	۰/۵۱**
سبک فرزندپروری سهل گیرانه	۰/۰۱	-	۰/۰۱
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۱۳**	-	۰/۱۳**
سبک فرزندپروری مستبدانه	۰/۰۴	-	۰/۰۴
سبک فرزندپروری سهل گیرانه			
الگوی ارتباطی گفت و شنود	۰/۰۹*	-	۰/۰۹*
الگوی ارتباطی هم نوایی	۰/۱۲*	-	۰/۱۲*
سبک فرزندپروری مقتدرانه			
الگوی ارتباطی گفت و شنود	۰/۴۱**	-	۰/۴۱**
الگوی ارتباطی هم نوایی	۰/۲۸**	-	۰/۲۸**
سبک فرزندپروری مستبدانه			
الگوی ارتباطی گفت و شنود	-۰/۱۷**	-	-۰/۱۷**
الگوی ارتباطی هم نوایی	-۰/۰۸*	-	-۰/۰۸*

* = ۰/۰۵ و ** = ۰/۰۱

در مدل برازش یافته، ضریب تعیین مسئولیت پذیری براساس الگوی گفت و شنود و هم نوایی و همچنین سه سبک فرزندپروری: سهل گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه برابر با ۳۸٪، ضریب تعیین متغیر خودکارآمدی براساس دو الگوی ارتباطی گفت و شنود و هم نوایی و همچنین سه سبک فرزندپروری: سهل گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه برابر با ۲۵٪ بود. ضریب تعیین سبک فرزندپروری سهل گیرانه براساس دو الگوی ارتباطی برابر با ۱۸٪، ضریب تعیین سبک های فرزندپروری مقتدرانه براساس دو الگوی ارتباطی برابر با ۳۱٪ و ضریب تعیین سبک های فرزندپروری مستبدانه براساس دو الگوی ارتباطی برابر با ۱۳٪ بود.



شکل ۲: ضرایب استاندارد مستقیم، غیرمستقیم و کل در مدل برازش یافته



بررسی فرضیه نخست پژوهش مبنی بر نقش میانجی سبک فرزندپروری سهل گیرانه نشان داد که باوجود تأثیر معنادار دو سبک ارتباطی گفت و شنود و هم نوایی بر سبک فرزندپروری سهل گیرانه در سطح $0/05$ (برابر با $0/09$ و $0/12$) به دلیل عدم معناداری ضریب تأثیر استاندارد سبک فرزندپروری سهل گیرانه بر مسئولیت پذیری ($0/01$) و خودکارآمدی ($0/01$)، تأثیر سبک فرزندپروری سهل انگارانه بر مسئولیت پذیری و خودکارآمدی تحصیلی معنادار نیست. بنابراین، این فرضیه پذیرفته نشد.

بررسی فرضیه دوم پژوهش مبنی بر نقش میانجی سبک فرزندپروری مقتدرانه بر رابطه الگوهای ارتباطی با مسئولیت پذیری و خودکارآمدی نشان داد که باوجود تأثیر معنادار دو سبک ارتباطی گفت و شنود و هم نوایی بر سبک فرزندپروری مقتدرانه در سطح $0/01$ (برابر با $0/41$ و $0/28$) این سبک فرزندپروری، تأثیر معناداری بر مسئولیت پذیری در سطح $0/01$ (برابر با $0/17$) و هم خودکارآمدی تحصیلی (برابر با $0/13$) داشت. بنابراین، این فرضیه پذیرفته شد. بررسی فرضیه سوم پژوهش مبنی بر نقش میانجی سبک فرزندپروری مستبدانه نشان داد که باوجود تأثیر معنادار دو سبک ارتباطی گفت و شنود و هم نوایی بر سبک فرزندپروری مستبدانه در سطح $0/05$ و $0/01$ (برابر با $0/08$ و $0/17$) - به دلیل عدم معناداری ضریب تأثیر استاندارد سبک فرزندپروری مستبدانه بر مسئولیت پذیری ($0/02$) و خودکارآمدی ($0/04$)، تأثیر سبک فرزندپروری مستبدانه بر مسئولیت پذیری و خودکارآمدی تحصیلی معنادار نیست. بنابراین، این فرضیه پذیرفته نشد.

جدول ۲

شاخص های برازش محاسبه شده در مدل پژوهش

شاخص برازش مدل	مقدار شاخص	سطح مطلوب	وضعیت برازش
ریشه میانگین مجذورات تقریب	$0/06$	زیر $0/1$	مطلوب است
نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی	$2/49$	کمتر از ۵	مطلوب است
شاخص برازش تطبیقی	$0/99$	بالتر یا مساوی $0/9$	مطلوب است
شاخص برازش نرمال	$0/99$	بالتر یا مساوی $0/9$	مطلوب است
شاخص برازش این کری منتال	$0/96$	بالتر یا مساوی $0/9$	مطلوب است
شاخص برازش توکر - لوییس	$0/96$	بالتر یا مساوی $0/9$	مطلوب است
شاخص نیکویی برازش	$0/96$	بالتر یا مساوی $0/9$	مطلوب است

استفاده از شاخص‌های برازش زمانی کاربرد دارد که یک مدل به دست آمده در تحلیل، قضاوت شود؛ زیرا تأیید می‌کند که آیا یک مدل برازش یافته با واقعیت تناسب دارد یا نه. شاخص مربعات خطاهای تخمین به وفور مورد استفاده قرار می‌گیرد و بیشتر پژوهشگران بر این باورند که هرگاه این شاخص کوچک‌تر از $0/1$ باشد برازندگی مدل قابل تأیید می‌شود و چون مقدار این شاخص در پژوهش حاضر برابر با حدود $0/06$ به دست آمد برازش مدل تأیید شد. همچنین، اگر شاخص تقسیم‌خی دو بر درجه آزادی کمتر از 5 باشد برازش مدل تأیید می‌شود که در پژوهش حاضر برابر با $2/49$ بود. در نهایت، هنگامی که معیارهای شاخص برازش تطبیقی، شاخص برازش نرمال، شاخص برازش این‌کری منتال، شاخص برازش تاکر-لویس و شاخص نیکویی برازش بالاتر یا مساوی $0/9$ باشند برازندگی مناسب مدل تأیید می‌شود که در پژوهش حاضر به ترتیب برابر با $0/99$ ، $0/99$ ، $0/97$ ، $0/96$ و $0/96$ محاسبه شد و بدین ترتیب برازش مناسب مدل تأیید شد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی بر آن بود تا ارتباط بین الگوهای ارتباطی خانواده (الگوی ارتباطی با جهت‌گیری گفت‌و شنود و الگوی ارتباطی با جهت‌گیری هم‌نوایی) با مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تحصیلی به واسطه متغیر سبک‌های فرزندپروری (سبک سهل‌گیرانه، سبک مقتدرانه و سبک مستبدانه) بررسی شود. بر این اساس، مدل آزمون شده در پژوهش حاضر با داده‌ها برازش خوبی داشت و رد نشد. بررسی فرضیه نخست پژوهش حاضر مبنی بر نقش میانجی سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه در رابطه الگوهای ارتباطی با مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی نشان داد که با وجود تأثیر معنادار دو سبک ارتباطی گفت‌و شنود و هم‌نوایی بر سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه به دلیل عدم معناداری ضریب تأثیر استاندارد سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی، تأثیر سبک فرزندپروری سهل‌انگارانه بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تحصیلی معنادار نیست. بنابراین، این فرضیه پذیرفته نشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که سبک سهل‌انگارانه نسبت به سبک مقتدرانه، اثرگذاری کمتری داشته است. به همین دلیل نتوانست نقش معناداری در مدل پژوهش ایفا کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که در سبک فرزندپروری



سهل‌گیرانه، کنترل و نظارت بر فرزندان کم و پاسخ‌گویی به فرزندان زیاد است. این درحالی است که کنترل و نظارت اندک والدین بر کردار و رفتار فرزندان و تساهل و امکان عملی که برای آنها فراهم می‌شود همگی موجب آزادی عمل زیادی برای آنها شده و والدین مسئولیت همه امور را به عهده می‌گیرند. در این حالت، منطقی است که دانش‌آموزان در چنین خانواده‌هایی مسئولیت‌پذیری کمتری داشته باشند (اوکاگاکي و لامستر، ۲۰۰۵).

هم‌نوایی در قالب الگوی ارتباطی دیگر خانواده، مصداق و درجه‌ای از الگوی ارتباطی است که برای یکسان کردن نگرش، ارزش‌ها و عقاید بر اعضا فشار می‌آورد. در الگوی ارتباطی هم‌نوایی و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، والدین قاعده و معیار کمی در برخورد با فرزندانشان به کار می‌گیرند و کنترل و نظارت اندک والدین با تساهل همراه است و همواره خود را موظف در پاسخ دادن به درخواست‌ها و مطالبات فرزندان می‌دانند. (زرین جوی الوار، ۱۳۹۴) این یافته‌ها همسو با پژوهش‌های اوکاگاکي و لامستر (۲۰۰۵)، گارزا، کینورتی و واتس^۲ (۲۰۰۹)، فیتزپاتریک و کوئرر (۲۰۰۴) و پوررضاییان (۱۳۹۳) است. در پژوهش حاضر ارتباط بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و خودکارآمدی تحصیلی معنی‌دار نبود. در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه به دلیل محبت افراطی والدین به فرزندان و عهده‌دار شدن تمام امور آنها، فرصت هرگونه تجربه موفقیت‌آمیز در کارها از فرزند گرفته شده و عدم شکل‌گیری احساس خودکارآمدی در فرزندان را به دنبال دارد. در پژوهش حاضر، رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و خودکارآمدی تحصیلی مثبت و معنی‌دار بود.

بررسی فرضیه دوم پژوهش مبنی بر نقش میانجی سبک فرزندپروری مقتدرانه در رابطه الگوهای ارتباطی با مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی، نشان داد که باوجود تأثیر معنادار دو سبک ارتباطی گفت‌وشنود و هم‌نوایی بر سبک فرزندپروری مقتدرانه، سبک فرزندپروری مقتدرانه نیز تأثیر معناداری بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تحصیلی دارد. بنابراین، این فرضیه پذیرفته شد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که والدین با سبک فرزندپروری مقتدرانه به دلیل داشتن ویژگی‌هایی مانند تمایل به شنیدن نظرات و دیدگاه‌های فرزندان، عدم استفاده از تنبیه و تمرکز بر درک دلایل اعمال فرزندان، بحث و گفت‌وگو در مورد روند

1. Okagaki, L., & Bingham, G. E.

2. Garza, Y., Kinsworthy, S., & Watts, R. E.

تصمیم‌گیری و دادن فرصت برای گرفتن تصمیمات نهایی، داشتن انتظارات واقع‌گرایانه از فرزندان، تشویق و حمایت از فرزندان به انجام کارهای موردعلاقه خود و منطقی بودن در برآوردن درخواست‌های فرزندان می‌توانند زمینه‌ای را به وجود آورند که فرزندان، خودکارآمدی تحصیلی لازم را داشته باشند و مسئولیت امور زندگی و کارهای تحصیلی خود را برعهده بگیرند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که هدف الگوی ارتباطی هم‌نوایی، تلاش برای هماهنگی، اجتناب از تعارض، کشمکش و وابستگی اعضاست (فیتزپاتریک و کوثرنر، ۲۰۰۴) که بیش از هر سبک دیگر آن را می‌توان در سبک فرزندپروری مقتدرانه مشاهده کرد. یافته‌های حاصل از پژوهش از رابطه مثبت و معنی‌دار بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و مسئولیت‌پذیری حکایت دارد.

خانواده‌ای که سبک فرزندپروری مقتدرانه را در تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرد ترکیبی از کنترل، حمایت و علاقه‌مندی منطقی به همراه اعمال قوانین ثابت با نشان دادن پذیرش در سطح بالا دارد. (سایمونز و کانجر، ۲۰۰۷، به نقل از قربانی و امانی، ۱۳۹۴) یافته‌ها نشان داد که الگوی ارتباطی گفت‌وشنود و الگوی ارتباطی هم‌نوایی هر دو به طور مستقیم بر روی سبک فرزندپروری مقتدرانه اثر مثبت و سبک فرزندپروری مقتدرانه بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تأثیر مثبت دارد. برای تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که در جهت‌گیری گفت‌وشنود، خانواده و اعضای آن به شرکت آزادانه و راحت، بحث و تبادل نظر درباره طیف وسیعی از موضوعات تشویق می‌شوند. از این رو، ارتباط چنین الگویی بیشتر با خصوصیات خانواده با سبک فرزندپروری ادراک‌شده مقتدرانه دیده می‌شود. در این سبک فرزندپروری، بیشترین تعامل و گفت‌وگو بین اعضای خانواده است (گارزا و همکاران، ۲۰۰۹). نتایج نشان داد که الگوی ارتباطی جهت‌گیری هم‌نوایی با سبک‌های فرزندپروری بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان اثر غیرمستقیم معنی‌دار دارد. در خانواده‌هایی که نگاه ساختاری نظام خانواده سلسله‌مراتبی و به هم متصل است (به طور معمول خانواده‌ها با ساختارهای سنتی) ارتباط و تعامل درون خانواده اهمیت بیشتری از ارتباط با بیرون خانواده دارد. اعضا در چنین خانواده‌هایی اعتقاد دارند که برنامه افراد باید با اعضای دیگر خانواده هماهنگ باشد (فیتزپاتریک، کوثرنر، ۲۰۰۴). همین امر مسئولیت‌پذیری بیشتر را به دنبال





دارد؛ زیرا از نظر دانش آموز، مسئولیت پذیری باعث هماهنگی بیشتر با اعضای خانواده می‌شود و برای آنکه هم‌نوایی بیشتری را حفظ کند تعهدپذیری بیشتری در انجام امور مربوط به خود دارد. لنزی و همکاران (۲۰۱۴)، کرین (۲۰۱۲)، سفیری و چشمه (۱۳۹۰)، جوکار و رستمی (۱۳۹۳) نشان دادند که دانش‌آموزانی که در خانواده‌ها با الگوهای ارتباطی جهت‌گیری هم‌نوایی زندگی می‌کنند با تأکیدی که بر هماهنگی عقاید و نگرش‌ها دارند و از تعارض و کشمکش اعضا اجتناب می‌ورزند موجبات خودکارآمدی تحصیلی را فراهم می‌کنند.

بررسی فرضیه سوم پژوهش حاضر مبنی بر نقش میانجی سبک فرزندپروری مستبدانه در رابطه الگوهای ارتباطی با مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی نشان داد که با وجود تأثیر معنادار دو سبک ارتباطی گفت‌و شنود و هم‌نوایی بر سبک فرزندپروری مستبدانه در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ (برابر با ۰/۰۸ - و ۰/۱۷ -) به دلیل عدم معناداری ضریب تأثیر استاندارد سبک فرزندپروری مستبدانه بر مسئولیت‌پذیری (۰/۰۲) و خودکارآمدی (۰/۰۴) تأثیر سبک فرزندپروری مستبدانه بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تحصیلی معنادار نیست. بنابراین، این فرضیه پذیرفته نشد. در پژوهش حاضر رابطه بین سبک فرزندپروری مستبدانه و مسئولیت‌پذیری معنی‌دار نبود. برای تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که در شیوه اعمال قدرت والدین در خانه در سبک فرزندپروری مستبدانه چون بسیاری از تصمیمات بدون مشورت با دیگر اعضای خانواده گرفته می‌شود و ارتباطات روزمره بین والدین و فرزندان براساس اعمال زور و اجبار ازسوی والدین است ارائه پیام‌های یک‌طرفه و فاقد محتوای عاطفی در خانواده وجود دارد و خلأ هم‌نوایی موجب سرکوبی هرگونه تلاش ازسوی فرزندان برای به‌چالش کشیدن چنین استبدادی می‌شود. در چنین خانواده‌هایی کودکان مجاز نیستند با والدین بحث کنند و یا به‌طور مستقل تصمیم بگیرند (مهربان، کرمی، اسدزاده و ستوده اصل، ۱۳۹۸). این یافته‌ها با پژوهش‌های خادم و همکاران (۱۳۹۷)، بابایی و اسکو (۱۳۹۱)، گاستلو و همکاران (۲۰۱۴)، ترنر و همکاران (۲۰۰۹)، اوکاگاکا و لامستر (۲۰۰۵)، کاکایی و احمدی (۱۳۹۷)، بامرید (۱۹۹۱)، به‌نقل از برنز، (۲۰۰۶) و برنشتین (۲۰۰۵) هم‌سو می‌باشد.

در پژوهش حاضر رابطه بین سبک فرزندپروری مستبدانه و خودکارآمدی تحصیلی معنی‌دار نبود. برای تبیین این نتایج می‌توان گفت که والدین مستبد چون سعی می‌کنند

رفتارها و نگرش‌های فرزندان خود را براساس مجموعه‌ای خاص از معیارهای دشوارشده، کنترل و ارزیابی کنند و برای حفظ قدرت و جایگاه خود هرگونه تلاش ازجانب فرزندان خود را به چالش می‌کشند در نتیجه تلاشی برای ایجاد حس خودکارآمدی در آنها ندارند. این یافته‌ها با پژوهش سیفی و بازارویچ قادراف (۱۳۹۷)، عشیری و خطیرپاشا (۱۳۹۵)، پریشانی و عبدی زرین (۱۳۹۵)، مرادی و ثنایی ذاکر (۱۳۹۴)، یوسف‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، سیفی (۱۳۹۴)، حسینی دولت‌آبادی و همکاران (۱۳۹۲)، هوو و همکاران (۲۰۱۱)، ترنر و همکاران (۲۰۰۹) همسو می‌باشد و با پژوهش پارک و کیم^۱ (۲۰۱۰)، پونک، جانستون و چن^۲ (۲۰۱۰) ناهمسو است. باتوجه به نتایج حاصل، تدارک برنامه‌هایی برای آموزش و آگاه‌سازی خانواده‌ها در داشتن الگوهای ارتباطی مؤثر و شیوه فرزندپروری کارآمد برای افزایش مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان، مدارس می‌توانند با ایجاد روابط صمیمانه در بین دانش‌آموزان با یکدیگر و اولیای مدرسه در قالب برنامه‌های آموزش موردعلاقه آنها و تشکیل کارگروه‌های علمی، هنری و ورزشی برای تقویت الگوهای ارتباطی مؤثر در بین دانش‌آموزان گام‌های مؤثری برای افزایش مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تحصیلی آنها بردارند.

تکالیف دانش‌آموزان باید به‌گونه‌ای طراحی شود که بتواند مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تحصیلی را تقویت و کمبودهای محیط خانوادگی را جبران کند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که فقط در مدارس سه منطقه ۱۳، ۱۴ و ۱۵ شهر تهران انجام شد. در پژوهش حاضر به عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جنسیت و قومیت دانش‌آموزان توجهی نشد و باتوجه به تفاوت‌های موجود بین استان‌ها و شهرهای ایران قدرت تعمیم‌پذیری آن کاهش می‌یابد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود انجام پژوهش حاضر در نقاط دیگر شهر تهران و شهرهای دیگر به‌ویژه در حومه شهرها و محیط‌های روستایی و در بین هردو جنس دختر و پسر انجام شود تا گام مهمی برای اعتباربخشی به آن باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود باتوجه به تنوع فرهنگی، قومیتی و مذهبی در ایران و اختلاف وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده‌ها در پژوهش‌های آتی و در سایر پایه‌های تحصیلی نیز انجام شود.

1. Park, Y.S., & Kim, B. S. K.
2. Pong, S., Johnston, J., & Chen, V.



فهرست منابع

- آقای، کورش (۱۳۹۴). رابطه فرهنگ سازمانی و جوسازمانی با مسئولیت‌پذیری کارکنان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای شیراز. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت آموزشی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت*.
- پوررضاییان، هدی. و پوررضاییان، مهدی (۱۳۹۳). *نقش الگوی ارتباطی خانواده و سبک‌های فرزندپروری والدین در هویت والدین و سلامت روان شناختی نوجوانان*. کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، تهران.
- پورعلی، محمد.، کدیور، پروین. و همایونی، علیرضا (۱۳۸۷). ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری مادر و فرزندپروری ادراک شده با مکان کنترل و خود پنداره‌ی فرزندان. *نشریه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۱۰-۱۱۴، (۳)، ۱۱۰.
- تجلی، فاطمه.، اردلان، الهام (۱۳۸۹). رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با خودکارآمدی و سازگاری تحصیلی. *نشریه روان‌شناسی*، ۱۱۴(۱)، ۶۲-۷۸.
- توزنده جانی، حسن.، توکلی زاده، جهان شیر. و لگزیان، زهرا (۱۳۹۰). اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور. *نشریه افق دانش*، ۱۷(۲)، ۵۴-۶۴.
- توسلی‌نیا، سعید (۱۳۹۵). *بررسی اثربخشی فرآیند تماس با شیوه‌های افعال کاری بر خودگردانی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- جوکار، بهرام. و رستمی، راحله (۱۳۹۳). رابطه جهت‌گیری‌های ارتباطی خانواده و احساس تنهایی: بررسی نقش واسطه‌ای هویت معنوی. *نشریه مشاوره کاربردی*، ۴(۲)، ۱-۱۸.
- حسینی دولت‌آبادی، فاطمه.، سعادت، سجاد. و قاسمی جوبنه، رضا (۱۳۹۲). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان دبیرستانی. *نشریه پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، ۴(۲)، ۶۷-۸۸.
- خادم، کوثر.، علی‌زاده، حامد. و پورعسکری، هاجر (۱۳۹۷). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوجوانان. *همایش ملی روان‌شناسی و سلامت با محوریت خانواده و زندگی سالم*. شیراز.
- دهقانی‌زاده، حسین. و حسین چاری، محبوبه (۱۳۹۱). بررسی نقش ادراک جهت‌گیری هدف والدین و الگوی ارتباطی خانواده در جهت‌گیری هدف دانش‌آموزان. *نشریه خانواده‌پژوهی*، ۷(۲۸)، ۴۶۳-۴۷۷.
- زرین جوی الوار، مریم (۱۳۹۴). *بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با مسئولیت‌پذیری و رشد اجتماعی دانش‌آموزان پسر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- سفیری، خدیجه. و چشمی، اکرم (۱۳۹۰). مسئولیت‌پذیری نوجوان و رابطه آن با شیوه‌های جامعه‌پذیری در خانواده. *نشریه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ۱(۲)، ۱۰۳-۱۳۰.
- سلیمی، ابوالفضل.، بهرامی، فاضل.، طاهری، محمد.، یونسی، سید جلال. و حسین‌زاده، سمانه (۱۳۹۳). رابطه عملکرد خانواده و مسئولیت‌پذیری در نوجوانان دارای نقایص بینایی و مقایسه آن با نوجوانان عادی. *نشریه تحقیقات علوم رفتاری*، ۴(۳۸)، ۱۷-۲۷.
- سیفی، مرگان (۱۳۹۴). *بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی دانش‌آموزان*. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران.
- سیفی، مرگان. و بازارویج قادراف، قادر (۱۳۹۷). نقش میانجی‌گری خودکارآمدی تحصیلی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *نشریه پژوهش در نظام‌های آموزش*، ۵(۱۲)، ۱۲۸۰-۱۲۹۲.
- طهرانی مقدم، حامد. و شریعت باقری، محمدمهدی (۱۳۹۷). ارتباط عملکرد خانواده با مسئولیت‌پذیری و رضای نیازهای روانی پایه دانش‌آموزان پسر دبیرستانی. *نشریه خانواده‌پژوهی*، ۱۴(۵۴)، ۲۲۱-۲۳۵.
- عبداللهی، معصومه. و قدسی، پروانه (۱۳۹۷). مقایسه تاب‌آوری و مسئولیت‌پذیری نوجوانان بزهکار و غیربزهکار. *نشریه دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۱(۶۱)، ۳۵۸-۳۶۴.
- عسکری، سعید.، حجت‌خواه، سید محسن. و وحیدبیگی، مختار (۱۳۹۶). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، نهایه‌خواهی و حمایت اجتماعی با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه. *نشریه روان‌شناختی*، ۱۴(۵۶)، ۱۴-۳۴.
- عشیری، فاطمه. و خطیرپاشا، کیومرث (۱۳۹۵). *رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و خودکارآمدی دانش‌آموزان پایه ششم شهرستان نکا ۱۳۹۵*. سومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی. تهران.

۲۰. قربانی، آزاد، و امانی، احمد (۱۳۹۴). تبیین مدل نظری برای سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های دل‌بستگی و خودمتمایزسازی زوجین. *نشریه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۶(۲۱)، ۶۷-۸۵.
۲۱. کاکایی، فهیمه، و احمدی، محمدسعید (۱۳۹۷). رابطه شیوه‌های فرزندپروری با خوش‌بینی، امیدواری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *نشریه رویش روان‌شناسی*، ۷(۱۲)، ۳۸۵-۳۹۶.
۲۲. محمدی مصیری، فرهاد، و مرادی، خدیجه (۱۳۹۷). بررسی کارکرد خانواده و اختلال اضطراب اجتماعی: نقش میانجی‌های باورهای ناکارآمد و مهارت‌های اجتماعی. *نشریه مشاوره کاربردی*، ۸(۱)، ۱۰۱-۱۱۴.
۲۳. محمدی، سید عبدالله، شیخ‌الاسلامی، راضیه، و فولادچنگ، محبوبه (۱۳۹۸). مسئولیت‌پذیری در بزرگسالی در حال ظهور: نقش الگوهای ارتباطی خانواده و ابعاد هویت. *نشریه مشاوره کاربردی*، ۹(۲)، ۱-۲۲.
۲۴. مرادی، علی، و وثائلی‌ذاکر، باقر (۱۳۹۵). نقش سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های هویت‌درپیش‌بینی خودکارآمدی فرزندان. *همایش بین‌المللی افق‌های نوین در علوم تربیتی، روان‌شناسی و آسیب‌های اجتماعی*. تهران.
۲۵. ملکی‌پیربازاری، معصومه، نوری، ربابه، و صرامی، غلامرضا (۱۳۹۰). حمایت اجتماعی و علائم افسردگی، نقش واسطه‌ای خودکارآمدی. *نشریه روان‌شناسی معاصر*، ۶(۲)، ۲۵-۴۸.
۲۶. مهربان، سید علی، کرمی، ابوالفضل، اسدزاده، حسن، و ستوده اصل، نعمت (۱۳۹۸). تدوین مدل ساختاری برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی ازطریق سبک‌های فرزندپروری و باورهای معرفت‌شناختی در دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم شهر تهران. *نشریه علمی-پژوهشی رهپافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۲(۳۸)، ۲۰۹-۲۳۶.
۲۷. نیکنام، ندا، و جوکار، بهرام (۱۳۹۴). پیش‌بینی ابعاد خودکار براساس جهت‌گیری ارتباطات خانوادگی و ساختار کلاس. *نشریه مطالعات آموزش و یادگیری*، ۷(۱)، ۲۵-۴۸.
۲۸. هاشمی، لادن، و اسکندری، حمیده (۱۳۹۰). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با سرسختی و خودکارآمدی تحصیلی نوجوانان. *دومین همایش ملی روان‌شناسی- روان‌شناسی خانواده*. مرودشت.
۲۹. یوسف‌زاده، ایمان، استحقاقی‌گرچی، معصومه، جتیی، علی، و اعتمادی، احمد (۱۳۹۳). بررسی خودکارآمدی و خوش‌بینی در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی و ارتباط آن با سبک فرزندپروری مادران. *نشریه زن و مطالعات خانواده*، ۷(۲۶)، ۱۲۳-۱۳۸.

30. Adams, A. M., Wilson, H., Money, J., Palmer- Conn, S., & Fearn, J. (2020). Student engagement with feedback and attainment: the role of academic self- efficacy. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 45 (2), 1-13.
31. Allen, A., & Mintrom, M. (2010). *Responsibility and School Governance*. Educational Policy Originally Published Online.
32. Birkeland, M. S., Breivik, K., & Wold, B. (2013). Peer acceptance protects global self- esteem from negative effects of low closeness to parents during adolescence and early adulthood. *Journal of Youth and Adolescence*, 10, 929- 937.
33. Bohanek, J.G., Marin, K.A., Fivush, R., & Duke, M. P. (2006). Family narrative interaction and children's sense of self. *Family Process*, 45, 39- 54.
34. Bong, M. (2008). Effect of Parent- Child Relationship and Classroom Goal Structure on motivation, Help- Seeking avoid and cheating. *The Journal of Experimental Education*, 76 (2), 191- 217.
35. Bornstein, M. H. (2003). Positive parenting and positive development in children. *Handbook of applied developmental science: Promoting positive child, adolescent, and family development through research. policies, and programs*, 1, 187-209.
36. Caprara, G. V., Pastorelli, C., Regalia, C., Scabini, E., & Bandura, A. (2005). Impact of adolescents' filial self- efficacy on quality of family functioning and satisfaction. *Journal of Research on Adolescence*, 15 (71), 1- 12.
37. Carreres- Ponsoda, F., Escartí, A., Jimenez- Olmedo, J. M., & Cortell- Tormo, J. M. (2021). Effects of a teaching personal and social responsibility model intervention in competitive youth sport. *Frontiers in psychology*, 12,(1), 1-12. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.624018>

38. Crain, W. (2010). *Theories of development: concepts and application* (4ed). London: prentice- Hall.
39. Dennis, C. L. (2003). Peer support within a health care context: a concept analysis. *International journal of nursing studies*, 40(3), 321- 332.
40. Fitzpatrick, M. A. (2004). The family communication patterns theory: Observations on its development and application. *The journal of Family Communication*, 4, 167- 179.
41. Garza, Y., Kinsworthy, S., & Watts, R. E. (2009). Child- parent relationship training as experienced by Hispanic parents: Aphenomenological study. *International Journal of play therapy*, 18(4), 217- 228.
42. Guastello, D. D., Guastello, S. J., & Briggs, J. M. (2014). Parenting style and generativity measured in college students and their parents. *Sage Open*, 4(1), 2158244013518053.
43. Hoeve, M., Dubas, J. S., Gerris, J. R., van der Laan, P. H., & Smeenk, W. (2011). Maternal and paternal parenting styles: Unique and combined links to adolescent and early adult delinquency. *Journal of adolescence*, 34(5), 813- 827.
44. Koerner, A. F., & fitzpatrick, M. A. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: The role of conversation or ientation and conformity orientation. *Communication Year book*, 26, 37- 69.
45. Lane, J., Lane, M. A., & Kyprianou, A. (2014). Self – efficacy, self- esteem and their umpact on Academic performance. *Journal Social and Behavior and personality*, 8(13), 247- 256.
46. Lenzi, M., Vieno, A., Santinello, M., Nation, M., & Voight, A. (2014). Therole played by the family in shaping early and middle adolescent civicresponsibility. *The Journal of Early Adolescence*, 34(2), 251- 278.
47. Ling, L., Haiyin, G., & Yanhua, X. (2020). The mediating and buffering effect of academic self- efficacy on the relationship between smartphone addiction and academic procrastination. *Computers & Education*, 159, 104001.
48. Mandara, J. (2003). The typological approach in child andfamily psychology: A review of theory, methods, and research. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 6, 129- 146.
49. Meece, J. L., Glienke, B. B., & Burg, S. (2006). Gender and motivation. *Journal of Psychology*, 44(12), 351- 373.
50. Okagaki, L., & Bingham, G. E. (2005). *Parents' Social Cognitions and Their Parenting Behaviors*. London: Routledge
51. Park, Y.S., & Kim, B. S. K. (2010). Acculturation, enculturation, parental adherence to Asian-American college students. *Asian American Journal of Psychology*, 1(1), 67- 79.
52. Pong, S., Johnston, J., & Chen, V. (2010). Authoritarian parenting and Asian adolescent school performance: Insights from the US and Taiwan. *International Journal of Behavioral Development*, 34(1), 62- 72.
53. Talsma, K., Schuz, B., Schwarzer, R., & Norris, K. (2018). I believe, therefore I achieve: A meta- analytic cross- lagged panel analysis of self- efficacy and academic performance. *Learning and Individual Differences*, 61, 136–150.
54. Tauginienė, L., & Urbanovič, J. (2018). Social Responsibility in Transition of Stakeholders: From the School to the University. *Stakeholders, Governance and Responsibility (Developments in Corporate Governance and Responsibility*, 14,

143- 163.

55. Turner, A., Chandler, M., & Heffer, W. (2009). The influence of parenting styles, achievement motivation and self- efficacy on academic performance in college students. *Journal of College Student Development*, 50(3), 337- 346.



پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس انعطاف‌پذیری خانواده با نقش میانجی مرزهای خانواده

حکیمه غفاری اصل گنجینه‌کتاب^{۱*}، محمدمهدی صفورایی پاریزی^۲، سهراب عبدی زرین^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس انعطاف‌پذیری خانواده با نقش میانجی مرزهای خانواده به‌روش پیمایشی از نوع همبستگی انجام شد. بدین‌منظور ۳۶۶ نفر از زوجین منطقه ۱۹ شهر تهران باروش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و وارد پژوهش شدند. اطلاعات پژوهش بااستفاده از پرسش‌نامه رضایت زناشویی با رویکرد اسلامی، مقیاس ارزیابی انسجام و انعطاف‌پذیری خانوادگی و پرسش‌نامه مرزهای خانواده جمع‌آوری و داده‌ها بااستفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شد. برای طبقه‌بندی، پردازش، تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد. ارزیابی مدل فرضی پژوهش بااستفاده از شاخص‌های برازندگی نشان داد که مدل فرضی با مدل اندازه‌گیری برازش دارد ($RMSEA=0/07$, $NFI=0/92$, $CFI=0/95$). نتایج نشان داد که رابطه انعطاف‌پذیری خانواده با واسطه‌گری مرزهای خانواده بر رضایت زناشویی در سطح $P<0/05$ معنادار است و مرزهای خانواده در رابطه بین انعطاف‌پذیری خانواده با رضایت زناشویی زوجین نقش میانجی ایفا می‌کند. براین‌اساس برای بهبود رضایت زناشویی، مداخله در انعطاف‌پذیری خانواده و مرزهای خانواده در زوجین اهمیت ویژه‌ای دارد.

واژگان کلیدی: انعطاف‌پذیری خانواده، مرزهای خانواده، رضایت زناشویی، انسجام خانواده، رابطه زوجین.

1DOI: 10.22034/ijwf.2023.15759.2081

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲
۱. دانشجوی دکتری گروه مشاوره، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Email: hakimehghaffari9@gmail.com ORCID ID: 0009-0000-8821-3787

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: safurayi@gmail.com ORCID ID: 0000-0002-0522-2310

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران.

Email: S.Abdizarrin@gmail.com ORCID ID: 0000-0002-6909-8646

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری حکیمه غفاری اصل گنجینه‌کتاب از گروه مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم می‌باشد که با حمایت علمی این دانشگاه انجام شده است.

Predicting Marital Satisfaction Based on Family Flexibility with the Mediating Role of Family Boundaries

Hakimeh Ghafariasl Ganjineh Ketab^{1*}, Mohammad Mahdi Safouraei Parizi², Sohrab Abdi Zarin³

The current study was conducted with the purpose of predicting marital satisfaction based on family flexibility with the mediating role of family boundaries by using a correlational survey method. To this end, 366 couples from the 19th district of Tehran were selected by sampling. The research data were collected by means of the marital satisfaction questionnaire with an Islamic approach, the family cohesion and flexibility assessment scale, and the family boundaries questionnaire, and the data were analyzed by applying structural equation modeling. SPSS software and AMOS software were used to classify, process and analyze data. The evaluation of the hypothetical research model using fit indices showed that the hypothetical model fits the measurement model (CFI=0.95, NFI=0.92, RMSEA=0.07). The results showed that regarding the relationship of family flexibility with the mediation of family boundaries, marital satisfaction is significant at the $P<0.05$ level and family boundaries play a mediating role in the relationship between family flexibility and couples' marital satisfaction. Therefore, to improve marital satisfaction, intervention in family flexibility and family boundaries in couples are particularly significant.

Keywords: family flexibility, family boundaries, marital satisfaction, family cohesion, couple relationship.

DOI: 10.22034/ijwf.2023.15759.2081

Paper Type: Research

Data Received: 2023 / 04 / 24 Data Revised: 2023 / 09 / 04 Data Accepted: 2023 / 09 / 13

1. Ph.D. Student in Counseling, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Email: hakimehghaffari9@gmail.com

ORCIDID: 0009-0000-8821-3787

2. Associate Professor, Department of Psychology, Humanities-Islamic Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: safurayi@gmail.com

ORCID ID: 0000-0002-0522-2310

3. Associate Professor, Department of Educational Sciences and Psychology, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Qom, Qom, Iran.

Email: S.Abdizarrin@gmail.com

ORCID ID: 0000-0002-6909-8646

* This article was extracted from Hakimeh Ghafariasl Ketab Ganjineh's Ph.D. thesis of the Department of Counseling of the Islamic Azad University (Qom Branch) with the scientific support of this university.

۱. مقدمه

خانواده یکی از مهمترین نهادهای هر جامعه است که نیازهای عاطفی، مادی و معنوی زوجین در آن برآورده می‌شود. (آدامزیک^۱، ۲۰۱۹) خانواده‌های سالم ضامن سعادت جامعه هستند و برای داشتن جامعه سالم باید سلامت خانواده تضمین شود (قیاسی، عبدالمهی و حسینیان، ۲۰۲۳). یکی از عوامل مهم در مورد سلامت اعضای خانواده و کیفیت زندگی، رضایت زناشویی^۲ است (دونگ، دونگ و چن، ۲۰۲۴). رضایت زناشویی شامل تعاملات متقابل افراد متأهل و ارزیابی ذهنی از تمام تجربیات عاطفی و شناختی در ازدواج است (چلیک، چلیک، یاوز و سولر،^۵ ۲۰۲۲). رضایت زناشویی مفهومی است که نشان دهنده واکنش‌ها و عواطف ناشی از ازدواج بین دو نفر است؛ یعنی آنها چه احساسی دارند و چگونه نسبت به یکدیگر رفتار می‌کنند (علی و سالم، ۲۰۲۳). رضایت می‌تواند از عوامل زیادی مانند تحصیلات فرد، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، عشق، تعهد، طول مدت ازدواج، روابط جنسی، حضور فرزندان و تقسیم کار تأثیر بگیرد (چوهان و سخار، ۲۰۲۳). زوج‌هایی که رضایت زناشویی بالاتری دارند سطح استرس پایین‌تر، شادی بیشتر و توانایی بالاتری برای رویارویی با شرایط نامطلوب زندگی نشان می‌دهند (موزاس-آلونسو، اولیور و براستگویی، ۲۰۲۲). رضایت زناشویی پیش‌بینی‌کننده خوبی برای بهزیستی و کیفیت زندگی در میان‌سالان است (نوز، مارتینز، لیال، پیچورو، فریرا و آیالا-نوز، ۲۰۲۲).

برای رسیدن به هدف بهبود رابطه بین زوجین و ارتقای رضایت زناشویی، محققان و نظریه‌پردازان، نظریه‌ها و رویکردهای گوناگونی را در طی دوره‌های مختلف ارائه کرده‌اند. (قنبری‌پناه و شریف‌مصطفی، ۲۰۱۹) یکی از این رویکردها توجه به انعطاف‌پذیری خانواده^{۱۱} است که نقش بسیار مؤثری در این زمینه دارد (آرین و فرنام، ۱۴۰۱). انعطاف‌پذیری خانواده میزان تغییر رهبری در خانواده را تعیین می‌کند و مفاهیم خاصی مانند کنترل نظم، مذاکره آرام،

1. Adamczyk, K.
2. Ghiasi, S., Abdollahi, A., & Hosseini, S.
3. Marital Satisfaction
4. Dong, S., Dong, Q., & Chen, H.
5. Çelik, E., Çelik, B., Yavas, Ş., & Süler, M.
6. Ali, F., & Saleem, N.
7. Chauhan, S., & Sekher, T. V.
8. Mozas- Alonso, M., Oliver, J., & Berástegui, A.
9. Nunes, C., Martins, C., Leal, A., Pechorro, P., Ferreira, L. I., & Ayala- Nunes, L.
10. Ghanbari Panah, A., & Sharif Mustafa, M.
11. family flexibility





روابط، نقش‌ها و قوانین ارتباطی را شامل می‌شود (اولسون و دفراین، ۲۰۰۶). زوج‌های متعادل و سیستم‌های خانواده ساختاریافته و انعطاف‌پذیر تمایل دارند در طول زمان، بهترین عملکرد را داشته باشند و ساختار روابط را به سمت رهبری و مذاکره تاحدودی دموکراتیک سوق دهند (ناصرشریعتی، ۲۰۱۴). محیط‌های خانوادگی منسجم و انعطاف‌پذیر در سازگاری روان‌شناختی (پارا، اولیوا و رینا، ۲۰۱۵)، روابط بین‌فردی رضایت‌بخش (لئو و ماو، ۲۰۱۱) و تنظیم عواطف (سگال، ۲۰۱۵)، نقش چشم‌گیری دارند. منافی و دهشیری (۱۳۹۸) نشان دادند که در خانواده‌های منسجم و انعطاف‌پذیر، اعضای خانواده مجهز به ابزارهای تنظیم مجدد یا متعادل کردن عواطف می‌شوند که این ابزارها در هدایت موفق زندگی روزمره و برقراری روابط صمیمانه با دیگران به آنها کمک می‌کند.

آنچه در تحقیقات صورت‌گرفته در مورد رضایت زناشویی از آن غفلت شده است اهمیت متغیر میانجی است که در قالب یک تنظیم‌کننده می‌تواند بر اثرات دیگر متغیرها بر متغیر وابسته تأثیر بگذارد. (سبزیان، قدم‌پور و میردریگوند، ۱۳۹۷) بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که مرزهای خانواده^۱ از مؤلفه‌هایی است که با هردو مؤلفه رضایت زناشویی (نورتون و باپتست، ۲۰۱۴) و انعطاف‌پذیری خانواده (آلان، ۲۰۰۸) ارتباط دارد. مرزها خطوط فرضی روان‌شناختی است که افراد را از نظر روانی از هم تفکیک می‌کند و در خدمت حفظ و پیش‌برد، تمایز و یکپارچگی کل خانواده و تک‌تک اعضای آن قرار دارد (هوشیاری، صفورایی پاریزی، جزایری و تقیان، ۱۴۰۰ ه.ق). مرزهای خانواده به جنبه‌های ارتباطی اعضای خانواده اشاره می‌کند و اموری مانند روابط کلامی و غیرکلامی، مسئولیت‌ها، توقعات متقابل و قواعد ارتباطی اعضای خانواده، مقررات، کیفیت و کمیت عضویت در خانواده و زیرمنظومه‌های آن را شامل می‌شود. مرزها همان انتظارات متقابل و مقرراتی است که اعضا نسبت به یکدیگر و نسبت به بیرون از خانواده دارند. وجود مرزها باعث تقسیم نقش‌ها براساس مسئولیت‌ها و حقوق می‌شود. مرزها شرایط ارتباط

1. Olson, D. H., & Defrain, J.

2. Nasershariati, M.

3. Parra, A., Oliva, A., & Reina, M. D. C.

4. Liu, W., & Mao, J. J.

5. Siegel, D. J.

6. Boundaries of the Family

7. Norton, A. M., & Baptist, J.

8. Allan, G.

براساس احترام متقابل را تسهیل می‌کنند (هوشیاری، شکوری و حسینی کوهساری، ۱۳۹۹).

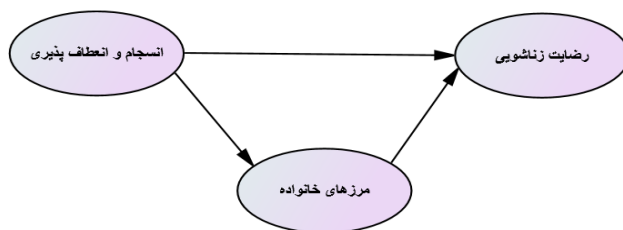
براساس گفته مینوچین (۱۹۷۴، به نقل از کیانی چلمردی، اسدی، شیرعلی پور و فتحتی، ۱۳۹۹) عملکرد ایده‌آل خانواده زمانی رخ می‌دهد که مرزها مشخص باشند و تعادلی بین استقلال و اتحاد برقرار باشد. مرزها باید به اندازه کافی قوی باشند تا از رشد سالم سیستم حمایت کنند. آلان (۲۰۰۸) معتقد است در یک خانواده منسجم و منعطف، روابط بین فردی دوستانه است و مرزهای روشنی بین اعضای خانواده وجود دارد. نظریه پردازان ساخت‌نگر بر کلیت نظام خانواده، تأثیر سازمان مرتبه‌ای خانواده و کارکرد به هم پیوسته زیرنظام‌های آن تأکید دارند و این امور را تعیین‌کننده اصلی کیفیت بهزیستی اعضا می‌دانند (صفورایی پاریزی و فامیل دردشتی، ۱۴۰۱). مهمترین زیرنظام خانواده، زیرنظام همسری است که از یک زن و مرد تشکیل می‌شود (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵). در رویکرد ساخت‌نگر، فرض بر این است که وجود مرزهای معین، مشخص، تصریح شده و توافق شده میان همسران که زیرمجموعه مرزهای سالم قرار می‌گیرد کنش‌وری مطلوب را موجب می‌شود و خانواده را در رسیدن به اهداف آن و تحقق رضایت‌مندی اعضا هدایت می‌کند. مرزهای ناسالم موجب اختلال در کنش‌وری خانواده و نارضایتی اعضا می‌شود (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵). مرزهای ناسالم، فاقد ویژگی‌های پیش‌گفته بوده و بیانگر آشفتگی، ابهام، خشکی، نفوذناپذیری و انعطاف‌ناپذیری نامناسب در الگوهای ارتباطی است. این مرزها یا چنان باز است که استقلال، خودمختاری و فردیت اعضا را از بین می‌برد یا چنان خشک و بسته است که امکان وابستگی متقابل تعامل اعضا و توان انطباق نظام با تغییرات مراحل گذار را از آن سلب می‌کند (صفورایی پاریزی و فامیل دردشتی، ۱۴۰۱).

نتایج پروندی، عارفی و مرادی (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که مرزهای ارتباطی خانواده با رضایت زناشویی رابطه معنی‌داری دارد. پرولوسکی و رایت^۱ (۲۰۲۱) در پژوهش خود نشان دادند که همبستگی مثبت بین انعطاف‌پذیری خانواده و حمایت ادراک شده همسر در فرزندپروری و رضایت زناشویی وجود دارد. صفورایی پاریزی و فامیل دردشتی (۱۴۰۱) در مطالعه خود نشان دادند که سامان‌دهی مرزهای خانواده با محوریت افزایش رضایت زناشویی با کاهش طلاق عاطفی همراه است. چراغی مظاهری، موتابی، پناغی، صادقی،



1. Perlowski, K. M., & Wright, L. E.

سلمانی (۱۳۹۴) نیز سطح رضایت از زندگی زوجین را براساس کیفیت مرزگذاری و ارتباطشان با دو خانواده اصلی سنجیده و کیفیت این رابطه را بر سطح رضایت زناشویی مؤثر دانسته‌اند. ملکی‌ها، عابدی، باغبان، جوهری، و فاتحی‌زاده (۱۳۹۲) تعارض مدیریت کار- خانه (مرزهای درونی و بیرونی) را بر سطح رضایت زناشویی همسران مؤثر دانسته‌اند. بررسی پیشینه پژوهشی نشان داد که تاکنون پژوهش مدونی در مورد نقش میانجی‌گر مرزهای خانواده در رابطه بین رضایت زناشویی و انعطاف‌پذیری خانواده انجام نشده است. از این رو، درک روابط علی بین متغیرها کمک می‌کند تا بتوان راه کارهای اساسی را برای بهبود و ارتقای رضایت از زندگی زناشویی تدوین و طراحی کرد. با توجه به اثرات و لطمات جبران‌ناپذیر نارضایتی زناشویی بر خانواده و فرزندان، اهمیت حفظ کانون گرم خانواده و پیشگیری از فروپاشی آن و اهمیت بسیار زیاد مرزهای خانواده در سلامت و بهزیستی اعضای آن که می‌تواند انسجام، موفقیت، تعادل و پیشرفت خانواده را تا حدی پیش‌بینی کن، پژوهش حاضر باهدف پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس انعطاف‌پذیری خانواده با نقش میانجی مرزهای خانواده انجام شد.



شکل ۱: مدل فرضی پژوهش

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف پژوهشی بنیادی است و به روش غیرآزمایشی از نوع همبستگی انجام شد. داده‌ها با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شد. برای طبقه‌بندی، پردازش، تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد.

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زوجین منطقه ۱۹ شهر تهران در سال ۱۴۰۰ ه.ق- ۱۴۰۱ بود که تعداد ۳۶۶ نفر از ایشان به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و وارد پژوهش شدند. کلین^۱ (۲۰۱۵) معتقد است در مدل‌یابی معادلات ساختاری برای هر متغیر ۱۰ یا ۲۰ نمونه لازم است، اما حداقل حجم نمونه به تعداد ۲۰۰ قابل دفاع است. در تحلیل عاملی تأییدی حداقل حجم نمونه براساس عامل‌ها تعیین می‌شود نه متغیرها. اگر از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شود حدود ۲۰ نمونه برای هر عامل (متغیر نهفته) لازم است (جکسون^۲، ۲۰۰۳). در پژوهش حاضر ۱۸ متغیر آشکار وجود داشت که حجم نمونه برای هر متغیر حداقل ۲۰ نفر در نظر گرفته شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل داشتن رضایت آگاهانه از حضور در پژوهش، داشتن سواد حداقل دیپلم و توانایی پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌های پژوهش و عدم اقدام به طلاق بود. ملاک‌های خروج از پژوهش شامل عدم رضایت از ادامه فرایند پژوهش و بروز اشکال در هریک از ملاک‌های ورودی بود.

۲-۳. ابزار پژوهش

۲-۳-۱. پرسش‌نامه رضایت زناشویی با رویکرد اسلامی

پرسش‌نامه رضایت زناشویی با رویکرد اسلامی توسط جدیری و همکاران (۱۳۹۶) ساخته شده است و شامل دو بخش شخصیتی و مهارت‌های زناشویی با پنجاه گویه می‌باشد. بخش مهارت‌های زناشویی شامل شش عامل ارتباط کلامی و غیرکلامی مثبت، ارتباط کلامی و غیرکلامی منفی، ارتباط جنسی، پای‌بندی مذهبی، رفت‌وآمد فامیلی و مدیریت مالی است. آلفای کرونباخ برای این بخش پرسش‌نامه برابر ۰/۷۸ است. بخش شخصیتی نیز شامل سه عامل روان‌آزده‌خویی، همراه یا موافق و بدبین یا پارانویاگونه است. آلفای کرونباخ برای این بخش از پرسش‌نامه برابر با ۰/۹۰ است. نتایج تحلیل عوامل نیز روایی و ساختار عاملی مناسبی را برای آن نشان داده است (جدیری، و همکاران، ۱۳۹۶).





۲-۳-۲. مقیاس ارزیابی انسجام و انعطاف‌پذیری خانوادگی^۱

این مقیاس توسط السون و گورال^۲ (۲۰۰۶) طراحی شده و دارای ۴۲ گویه است که با استفاده از ۶ خرده‌مقیاس فرعی، ۲ خرده‌مقیاس اصلی انسجام و انعطاف‌پذیری خانوادگی را به‌طور کامل و جامع می‌سنجد. این خرده‌مقیاس‌ها هم جنبه‌های متوازن (سالم) و هم جنبه‌های نامتوازن (مشکل‌دار) کارکرد خانواده را ارزیابی می‌کنند. خرده‌مقیاس‌های انسجام و انعطاف‌پذیری متوازن دو خرده‌مقیاس متوازن IV-FACES است و خرده‌مقیاس‌های به‌هم تنیده، گسسته، آشفته و نامنعطف، خرده‌مقیاس‌های نامتوازن جدید IV-FACES می‌باشد. سه خرده‌مقیاس گسسته، انسجام متوازن و به‌هم تنیده بعد انسجام و سه خرده‌مقیاس نامنعطف، انعطاف‌پذیری متوازن و آشفته بعد انعطاف‌پذیری را ارزیابی می‌کنند. (اولسون و گورال، ۲۰۰۶) مظاهری، حبیبی و عاشوری در سال (۱۳۹۲) ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده را بررسی کردند. میزان برازش مدل مورد بررسی مناسب بود. آلفای کرونباخ (و ضریب پایایی بازآزمایی) مقیاس تعاملات خانوادگی برای پدران، مادران و فرزندان به ترتیب ۰/۸۸، (۰/۶۸)، ۰/۸۷، (۰/۵۹)، ۰/۸۹، (۰/۵۷) و آلفای کرونباخ (و ضریب پایایی بازآزمایی) نمره کل مقیاس رضایت خانوادگی برای پدران، مادران و فرزندان به ترتیب ۰/۹۰، (۰/۷۶)، ۰/۸۸، (۰/۶۸)، ۰/۸۹، (۰/۵۷) به‌دست آمد.

۲-۳-۳. پرسش‌نامه مرزهای خانواده

پرسش‌نامه مرزهای خانواده در سال ۱۴۰۰ هـ.ق توسط هوشیاری و همکاران براساس آموزه‌های اسلامی ساخته و ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی شد. این پرسش‌نامه ۱۶۴ گویه در طیف چهاردرجه‌ای لیکرت دارد که ۵ مرز مرتبه اول، ۱۵ مرز مرتبه دوم و ۶۴ مرز مرتبه سوم دارد. مرزهای مرتبه اول عبارتند از: مرزهای عام، مرزهای درونی زوجینی، مرزهای درونی والدینی، مرزهای درونی خواهران-برادران و مرزهای برونی خویشاوندی. روایی ابزار باروش تحلیل عاملی تأیید و پایایی آن باروش آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۷۵ و برای مرزهای عام، ۰/۸۸۴، برای مرزهای زوجینی، ۰/۹۲ و برای مرزهای والدینی، ۰/۹۲۵ و برای مرزهای خواهران-برادران، ۰/۷۸۹ و برای مرزهای بیرونی ۰/۷۶۱ محاسبه شد. برای

1. Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scales

2. Olson, D. H., & Gorall, D. M.

بررسی روایی سازه و برآورد پارامترهای گویه‌ها، پرسش‌نامه ۱۶۴ گویه‌ای بر روی نمونه ۵۰۸ نفری از جامعه آماری اجرا شد. نتایج تحلیل عاملی، تأییدکننده روایی سازه پرسش‌نامه و مرزهای خانواده بود و تمام شاخص‌ها نشان‌دهنده برازش مناسب مدل تحلیل عاملی تأییدی پرسش‌نامه مرزهای خانواده می‌باشد. برای شاهی بر روایی سازه، میانگین نمره دو گروه از پاسخ‌گویان باهم مقایسه شد. نتایج نشان داد به صورت معنی‌داری میانگین نمره مرزهای خانواده در گروه پاسخ‌گویان با اختلال خانواده کمتر از میانگین نمره در خانواده‌های عادی است و پرسش‌نامه به خوبی توانسته بین دو گروه خانواده‌های عادی و با اختلال خانوادگی تفکیک قائل شود. (هوشیاری، و همکاران، ۱۴۰۰هـ.ق)

۳. یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر ۲۴۳ نفر (۶۶/۴٪) زن و ۱۲۳ نفر (۳۳/۶٪) مرد شرکت داشتند. میانگین سن افراد نمونه ۴۱/۸۱ سال و انحراف معیار سن، ۵/۹۸ بود.

جدول ۱

شاخص‌های مرکزی و پراکندگی برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کولموگروف اسمیرنوف	
			آماره	معناداری
انسجام	۲۱/۶	۲/۸۶	۰/۰۷۳	۰/۲۰۰
انعطاف‌پذیری متعادل	۲۱/۴	۲/۸۹	۰/۰۷۷	۰/۲۰۰
گسستگی عاطفی	۱۴/۱	۳/۰۶	۰/۰۹۶	۰/۰۵۱
به هم تنیده	۱۷/۲	۲/۷۷	۰/۰۹۱	۰/۰۷۳
نامتعطف	۱۸/۵	۲/۳۶	۰/۰۸۳	۰/۳۱۸
آشفستگی	۱۳/۴	۳/۳۱	۰/۰۸۵	۰/۴۳۵
انسجام و انعطاف‌پذیری	۱۱۹/۸	۹/۵۲	۰/۰۶	۰/۲۰۰
مرزهای عام	۱۲۷/۶	۱۰/۴۴	۰/۰۵۳	۰/۲۰۰
مرزهای زوجین	۲۱۹/۹	۱۸/۲۸	۰/۰۷۳	۰/۰۷۳
مرزهای والدینی	۱۱۴/۰	۱۱/۲۰	۰/۰۷۲	۰/۰۶۳
مرزهای خواهران- برادران	۳۷/۵	۳/۹۰	۰/۰۷۴	۰/۰۸۳
مرزهای بیرونی	۴۵/۹	۵/۳۰	۰/۱۷۸	۰/۲۰۰
مرزهای خانواده	۵۴۴/۹	۴۰/۱۲	۰/۲۲۲	۰/۱۷۵
ارتباط جنسی	۲۵/۶	۵/۰۸	۰/۱۹۹	۰/۲۰۰





ارتباط کلامی و غیرکلامی منفی	۱۸/۸	۴/۳۵	۰/۱۸۹	۰/۲۰۰
ارتباط کلامی و غیرکلامی مثبت	۱۰/۴	۳/۸۹	۰/۲۳۰	۰/۱۴۳
رفت و آمد فامیلی	۱۱/۳	۲/۸۴	۰/۱۰۸	۰/۲۰۰
پایبندی مذهبی	۱۱/۲	۱/۳۴	۰/۱۰۴	۰/۲۰۰
مدیریت امور مالی	۹/۷	۲/۲۲	۰/۲۴۱	۰/۱۰۲
روان آزردہ خویی	۳۰/۱	۷/۲۰	۰/۱۸۱	۰/۲۰۰
همراه یا موافق	۲۴/۱	۴/۱۸	۰/۲۱۵	۰/۲۰۰
بدبین	۱۴/۵	۲/۱۲	۰/۲۵۰	۰/۰۷۷
رضایت زناشویی	۱۵۵/۸	۲۲/۸۶	۰/۱۵۳	۰/۲۰۰

n= ۳۶۶

در جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد و نتیجه آزمون کلموگروف- اسمیرنوف برای بررسی فرض نرمالیتی متغیرهای مورد استفاده در پژوهش ارائه شده است. نتایج جدول ۱ نشان می دهد هیچ یک از متغیرهای پژوهش انحراف مهمی از توزیع بهنجار ندارند ($P < 0/05$). بنابراین، می توان توزیع داده ها را بهنجار دانست. از عامل تورم واریانس (VIF) برای رابطه خطی بین متغیرهای پیشبین استفاده شد که مقادیر آن برای هریک از متغیرها کوچک تر از ۱۰ بود. همچنین آماره تحمل (Tolerance) پژوهش حاضر به طور تقریبی ۰/۲ را نشان داد. برای شناسایی داده های پرت تک متغیری از جداول فراوانی استفاده شد که داده پرتی شناسایی نشد.

جدول ۲

ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	انسجام و انعطاف پذیری	مرزهای خانواده	رضایت زناشویی
انسجام و انعطاف پذیری	۱		
مرزهای خانواده	۰/۴۹۵**	۱	
رضایت زناشویی	۰/۴۲۱**	۰/۶۱۵**	۱
			$p < 0/001$

در جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ارائه شده است. با توجه به نتایج جدول ۲ بین انعطاف پذیری و مرزهای خانواده با رضایت زناشویی در سطح ۰/۰۱ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر اینکه آیا

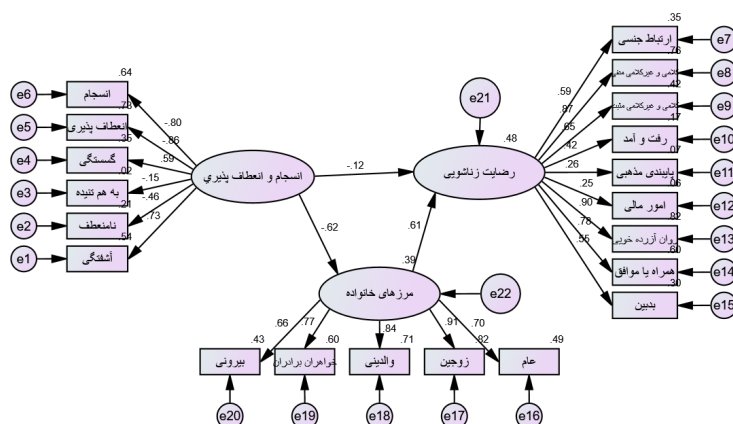
مدل تبیین رضایت زناشویی باتوجه انعطاف پذیری و نقش میانجی مرزهای خانواده با داده‌های تجربی برازش دارد؟ از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار ایموس نسخه ۲۶ استفاده شد.

جدول ۳

شاخص‌های برازش در مدل

شاخص‌های برازش مدل	GFI	AGFI	NFI	CFI	RMSEA
مقدار به دست آمده	۰/۹۲	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۰۶
حد قابل پذیرش	کمتر از ۳	بالاتر از ۰/۹	بالاتر از ۰/۹	بالاتر از ۰/۹	کمتر از ۰/۱

در جدول ۳ مهمترین شاخص‌های برازش گزارش شده است. باتوجه به مشخصه‌های نکویی برازش که در جدول ۳ گزارش شده است برازش مدل پیش‌بینی رضایت زناشویی در سطح به نسبت خوبی است و مدل مفهومی ارائه شده از نظر شاخص‌های برازش مدل، چارچوب مناسبی را برای بررسی رضایت زناشویی ارائه می‌دهد.



شکل ۲: الگوی آزمون شده همراه با ضرایب استاندارد مسیره‌ها

شکل ۲ الگوی آزمون شده پژوهش حاضر همراه با ضرایب استاندارد مسیره‌ها را نشان می‌دهد. همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود وجود رابطه، حاکی از اثر مستقیم و غیرمستقیم انعطاف‌پذیری بر رضایت زناشویی است.

جدول ۴

ضرایب مسیرهای مستقیم انعطاف‌پذیری و مرزهای خانواده بر رضایت زناشویی

مسیرهای مستقیم	ضریب بتا (	خطای معیار (S.E)	نسبت بحرانی (C.R)	معناداری
انعطاف‌پذیری ← مرزهای خانواده	- ۰/۵۸۱	۰/۳۱۱	- ۶/۰۸۷	۰/۰۰۱
انعطاف‌پذیری ← رضایت زناشویی	- ۰/۱۶۸	۰/۱۰۷	- ۲/۲۴۳	۰/۰۲۵
مرزهای خانواده ← رضایت زناشویی	۰/۵۶۴	۰/۰۵۵	۴/۵۲۶	۰/۰۰۱

در جدول ۴ اثرات مستقیم متغیرها گزارش شده است. باتوجه به جدول ۴ مسیرهای مستقیم بین انعطاف‌پذیری با رضایت زناشویی ($p(0/025)$) و مرزهای خانواده ($p(0/001)$) معنادار است. برای بررسی اثر متغیر میانجی مرزهای خانواده در رابطه بین انعطاف‌پذیری و رضایت زناشویی از آزمون بوت استروپ در برنامه ماکرو استفاده شد. بوت استروپ توزیع نمونه‌گیری برآورد پارامترها و خطای معیار مربوط به آن را ارزیابی می‌کند. چنین ارزیابی برای تعیین مقاوم بودن پارامترها تحت مفروضه‌های نرمال بودن چندمتغیره یا بد تدوین شدن مدل، مقایسه مدل‌های جایگزین و مقایسه روش‌های برآورد مفید است. باتوجه به اینکه آزمون بوت استروپ توان آماری بیشتری دارد استفاده از این روش را در مطالعه حاضر توجیه می‌کند.

جدول ۵

نتایج بوت استروپ بین کارکردهای اجرایی بر رضایت زناشویی با نقش میانجی مرزهای خانواده

مسیر غیرمستقیم	ضریب مسیر	بوت	سطح اطمینان ۰/۹۵	
			حد پایین	حد بالا
انعطاف‌پذیری ← مرزهای خانواده ← رضایت زناشویی	۰/۰۹۷	۰/۰۱۵	۰/۰۶۷	۰/۱۲۸

نتایج بوت استروپ در جدول ۵ بیان شده است. در این روش چنانچه حد بالا و پایین این آزمون هردو مثبت یا هردو منفی باشند و صفر مابین این دو حد قرار نگیرد مسیر علی غیرمستقیم معنی دار خواهد بود. این قاعده در مورد انعطاف‌پذیری بر رضایت زناشویی با نقش میانجی مرزهای خانواده صدق کرد. بنابراین، می‌توان گفت که مرزهای خانواده در رابطه بین انعطاف‌پذیری با رضایت زناشویی زوجین نقش میانجی داشته است.



۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف تدوین مدل رضایت زناشویی براساس انعطاف‌پذیری خانواده با نقش میانجی مرزهای خانواده در زوجین انجام شد. نتایج نشان داد که انعطاف‌پذیری خانواده با مرزهای خانواده رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. این یافته با نتایج پژوهش کیانی و عارفی (۱۳۹۴)، آهنگرکانی، زاده‌محمدی، حیدری و طالبی (۱۳۹۳)، فرهنگد و رضوانی (۱۳۹۸)، قنبری پناه و شریف مصطفی (۲۰۲۱) همسوسست. در تبیین این نتایج با الهام از نظریه ساختاری مینوچین می‌توان گفت که براساس نظر مینوچین ساختار و مرزهای خانواده مجموعه نامشهودی از خواسته‌ها و ضوابط کارکردی است که شیوه تعامل اعضای خانواده با یکدیگر را سازمان می‌دهد و معرف مجموعه‌ای از قواعد عملیاتی است که خانواده برای تحقق بخشیدن به کارکردهای مهم خود آنها را وضع کرده است. ساختار سازمانی زیربنایی خانواده (الگوهای تعاملی پایدار و نظم‌دهنده آن) و انعطاف‌پذیری آن در پاسخ به شرایط متغیر در سراسر چرخه زندگی خانوادگی است که باعث ظهور الگوهای کارساز یا بدکار می‌شود (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۹).

به نظر مینوچین (۱۹۸۴، به نقل از کیانی و عارفی، ۱۳۹۴) خانواده در همان حالی که از چرخه‌های زندگی خود درحال گذر است، تلاش می‌کند تعادل ظریف میان ثبات و تغییر را حفظ کند. هرچند که خانواده کارکرد سالم‌تری داشته باشد در طی دوره‌های انتقالی خانوادگی نسبت به تغییر گشوده‌تر است و بیشتر مایل است که متناسب با شرایط تغییر، ساختار خود را اصلاح کند. در خانواده‌های با ساخت بدکار، مشکلات زمانی به وجود می‌آیند که خانواده به نقطه انتقالی برسد که فاقد انعطاف کافی برای انطباق با شرایط درحال تغییر باشد. بنابراین، باتوجه به همپوشی معنایی دو مفهوم ساختار و مرزهای خانواده در نظریه مینوچین و انعطاف‌پذیری خانواده در مدل اولسون می‌توان چنین نتیجه گرفت که خانواده‌هایی که خود را با شرایط محیطی متغیر یا موقعیت‌های جدید وفق می‌دهند و تداوم خود را نیز حفظ می‌کنند و همچنین در برخورد با تعارض و فشارهای روانی، توانایی بازسازی قواعد تبادلی خانواده را دارند و به جای استفاده از قواعد کهنه، قواعدی را جایگزین می‌کنند





که با واقعیت‌های کنونی خانواده ارتباط بیشتری دارد، عملکرد بهتری نیز دارند (اولسون و دفراین، ۲۰۰۶). خانواده‌هایی که عملکرد خوبی در حوزه انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده دارند به دلیل پروراندن حس خودمختاری فردی در اعضا، شرکت دادن اعضای خانواده در تصمیم‌گیری‌های اساسی خانواده، داشتن قوانین منعطف در خانواده و پذیرا بودن نسبت به تغییرات زندگی، به وجود آوردن احساس مسئولیت متقابل و تعهد عاطفی بین اعضای خانواده، همیشه شرایط مساعدی برای به دست آوردن خصوصیات مثبت مانند مدیریت بحران، مهارت حل مسئله، خودکارآمدی، جرئت ابراز عقیده و اعتماد به نفس را در اعضای خانواده فراهم می‌آورند. کسب این توانمندی‌ها اعضای خانواده را قادر می‌کند با تکیه بر این مهارت‌ها و در سایه شبکه حمایتی خانواده، حدود فیزیکی و روانی منسجمی داشته باشند (اولسون^۱، ۲۰۰۰).

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری خانواده با رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی‌داری دارد. این یافته با نتایج پژوهش سلیمی، محسن‌زاده و نظری (۱۳۹۵)، منافعی و دهشیری (۱۳۹۸)، پردار، مرادی، احمدیان و ثنایی ذاکر (۱۴۰۰ هـ.ق)، جیانگ و همکاران^۲ (۲۰۱۵) و اصل‌دهقان، رضاییان فرجی و حسینیان (۱۳۹۷) همسوست. این یافته می‌تواند براساس مدل ترکیبی اولسون تبیین شود. بعد انسجام خانواده یکی از ابعاد محوری مدل ترکیبی اولسون است و در قالب دلبستگی عاطفی که اعضای خانواده به یکدیگر دارند، تعریف می‌شود (اولسون^۳، ۲۰۱۱). این بعد بر این مسئله تمرکز دارد که سیستم خانواده چگونه قادر است بین باهم بودن اعضای خانواده در مقابل جدا بودن آنها تعادل ایجاد کند (اولسون، ۲۰۰۰). انسجام بالا در خانواده یعنی، پیوند عاطفی، تعهد و همدلی میان اعضای خانواده بالاست و اینکه آنها به علایق و ارزش‌های یکدیگر حساس بوده و به آنها اهمیت می‌دهند (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۵). براساس این مدل، انسجام خانواده سطوح متفاوتی دارد که سطوح میانی یا متعادل آن به دلیل به وجود آوردن تعهد عاطفی ماندگار بین اعضا در کنار ایجاد اعتماد متقابل میان زوجین و حس استقلال فردی سبب کارکرد بهینه خانواده و به دنبال

1. Olson, D. H.
2. Jiang, H., & et al
3. Olson, D.

آن رضایت زناشویی می‌شود. در بعد انعطاف‌پذیری هم که در قالب کیفیت رهبری و ساختار خانواده، رابطه نقش و قواعد ارتباطات و مذاکرات در خانواده تعریف می‌شود (اولسون، ۲۰۱۱) تمرکز بر این مسئله است که چگونه سیستم خانواده می‌تواند میان ثبات در مقابل تغییر تعادل ایجاد کند (اولسون، ۲۰۰۰).

این بعد هم سطوح متفاوتی دارد که سطوح مرکزی یا متعادل آن به دلیل ایجاد ساختار باثبات و مناسب در خانواده از نظر رهبری، قواعد، نقش‌ها، نظم و انضباط مذاکرات در خانواده به همراه بازبودن نسبت به تغییر در مواقع ضروری باعث کارکرد مطلوب خانواده و رضایت زناشویی می‌شود. از سوی دیگر وقتی زوجین انسجام بالایی داشته باشند میزان پوزش خواستن و درخواست عفو و نیز بخشش و گذشت در میان زوجین بالاست، پس وقتی زوجین مرتکب رفتاری می‌شوند که باعث دلخوری دیگری شود باتکیه بر دلبستگی عاطفی که میان آنها وجود دارد، زوجی که باعث ناراحتی شده است، پوزش می‌خواهد و زوج دیگر هم براساس این دلبستگی و حس همدلی و عشقی که به طرف مقابل خود دارد همسرش را می‌بخشد و همین، دور مثبتی از محبت کردن و تقویت رابطه را به وجود می‌آورد که موجب رضایت زناشویی زوجین می‌شود. (سلیمی، و همکاران، ۱۳۹۵) پیستوله، رابرتز و چاپمن^۱ (۲۰۱۰) عنوان کردند که انسجام و انعطاف خانواده بر الگوهای ارتباطی افراد تأثیر می‌گذارد. برای مثال می‌توان به توانایی ایجاد روابط صمیمی، ظرفیت برای حمایت عاطفی و روانی از اطرافیان، برقراری روابط اجتماعی گسترده و فراهم کردن راه حل در زمان‌های مواجهه با مشکلات اشاره کرد. بنابراین، اگر انسجام و انعطاف خانواده در سطح مطلوب باشد موارد فوق‌الذکر به نحو احسن انجام می‌شود و خانواده منبع بسیار قوی برای شکل‌گیری الگوهای ارتباطی مناسب بین زوجین تبدیل می‌شود.

در تبیین دیگر می‌توان گفت که در خانواده‌هایی که اعضا با هم صمیمی هستند، به هم احساس نزدیکی می‌کنند، به یکدیگر کمک و با هم مشورت می‌کنند. این افراد در روابط اجتماعی صمیمیت بیشتری نشان می‌دهند و به مؤلفه‌هایی مانند احساس نزدیکی، کمک و حمایت اهمیت بیشتری می‌دهند. در خانواده‌هایی که مشکلات کارکردی

1. Pistole, M. C., Roberts, A., & Chapman, M. L.





متعددی دارند اعضا روابط اجتماعی سالمی را تجربه نخواهند کرد. (منافی و دهشیری، ۱۳۹۸) در خانواده‌های انعطاف‌پذیر، نقش‌ها، قوانین و سلسله‌مراتب افراد، انعطاف‌پذیری مطلوبی دارد. بنابراین، هنگام رویارویی با موضوعات مختلف در گستره زیادی از مسائل، گفت‌وگو صورت می‌گیرد و اعضای خانواده باهم به حل مسئله می‌پردازند و زوجین می‌آموزند که چگونه مسائل را مستقلانه حل کنند و چگونه در برابر آنها انعطاف نشان دهند. بنابراین، ممکن است حس استقلال، قدرت سازگاری و رضایت زناشویی بیشتری داشته باشند (اصل دهقان، و همکاران، ۱۳۹۷).

از دیگر نتایج پژوهش حاضر این است که مرزهای خانواده با رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی‌دار دارد. این یافته با نتایج پژوهش شاهسوار و کجویی (۱۳۹۸)، تقیان و قاسمی مروج (۱۳۹۹)، هوشیاری و همکاران (۱۳۹۹)، روسو، اولیر-مالتر، کوسک و اوهانا^۱ (۲۰۱۸) همسوست. در تبیین این یافته می‌توان گفت که یکی از مهمترین اهداف تشکیل خانواده رسیدن به آرامش است و بنای خانواده در صورتی مایه آرامش اعضای آن می‌شود که حفاظت از کارآمدی آن مانند اصل تشکیل آن مورد توجه سیستم خانواده قرار گیرد (صفورایی‌پاریزی، ۱۳۸۸).

تمام خانواده‌ها ساختاری شامل خرده‌سیستم‌ها، مرزها، قواعد و نقش‌ها دارند و برای حفظ کارآمدی آن، تنظیم و کنترل ابعاد این ساختار لازم است. توجه به مرزهای خانواده اهمیت زیادی دارد و بهنجار بودن مرزهای خانواده به صورت طبیعی با کارآمدی خانواده و رضایت از زندگی ارتباط دارد؛ زیرا تعاملات قانونمند اعضای خانواده باعث حفظ ساختار، عدم ورود و دخالت سایرین، پیوستگی و مشارکت بیشتر اعضای خانواده، حفظ و تقویت فردیت اعضا و کل سیستم خانواده و توانمندی اعضا در حل بحران‌های داخلی خانواده می‌شود که در نهایت برآیند کلی آن، کارآمدی بیشتر فردی و خانوادگی و رضایت زناشویی خواهد بود. (شاهسوار و کجویی، ۱۳۹۸) براساس یافته‌های روان‌شناختی، کارکردهای مرز در خانواده عبارتند از: تمایز سیستم و زیرمنظومه‌ها، تعیین قوانین حاکم بر تعاملات، ایجاد ساختار سلسله‌مراتبی، تعیین گستره مسئولیت‌های فردی و انتظارات متقابل، ایجاد

1. Russo, M., Ollier- Malaterre, A., Kossek, E. E., & Ohana, M.

فضای اختصاصی روانی و فیزیکی برای افراد و بازداشتن دیگران از ورود به آن حریم‌ها. براین اساس، مرزهای خانواده باتکیه بر این کارکردها می‌تواند بر تقویت عملکرد و کارکرد خانواده و رضایت از زندگی اعضای خانواده تأثیر بگذارد (هوشیاری، و همکاران، ۱۴۰۰ ه.ق). اگر تعامل با زیرمنظومه‌های بزرگ‌تری مانند خانواده گسترده و دوستان براساس قواعد موجود در مرزهای بیرونی خانواده باشد مانع بروز مشکلات فردی و خانوادگی، تسهیل نقش‌آفرینی اعضای خانواده، دریافت حمایت‌های اجتماعی و در نهایت موجب کارآمدی خانواده و ارتقای رضایت زناشویی می‌شود (شاهسوار و کچویی، ۱۳۹۸).

یافته مهم به دست آمده از مدل پژوهش حاضر بیانگر این بود که مرزهای خانواده در رابطه بین انعطاف‌پذیری خانواده با رضایت زناشویی زوجین نقش میانجی ایفا می‌کند؛ یعنی علاوه بر اینکه مرزهای خانواده به طور مستقیم بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد به صورت غیرمستقیم هم نقش مهم خود را مابین دو متغیر مستقل و وابسته ایفا می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که زوجین با مرزهای عام مشخص از الگوهای ارتباطی سازنده‌ای در روابط زناشویی خود استفاده می‌کنند، در صورت بروز مشکل و تعارض در روابط زناشویی به راحتی درباره مسائل و تعارضات خود گفت‌وگو می‌کنند و به دنبال راه حل آن برمی‌آیند و از واکنش‌های غیرمنطقی، پرخاشگری و... اجتناب می‌کنند. هرکدام از زوجین سعی می‌کنند در مورد مشکل خود حرف بزنند، احساساتشان را نسبت به هم ابراز کنند و یکدیگر را درک کنند و در نتیجه رضایت زناشویی بهتری را تجربه می‌کنند. (معصومی، رضاییان و حسینیان، ۱۳۹۶) خانواده‌های غیرسالم به دلیل نقص در الگوهای ارتباطی در تعاملات درونی بین اعضا و واضح نبودن مرزها مشکلات جدی دارند که این مشکلات موجب گفت‌وشنود محدود بین آنها شده و در نتیجه می‌تواند بر رابطه و رضایت زناشویی زوجین تأثیر منفی داشته باشد. در خانواده‌های سالم، کفایت الگوهای ارتباطی متنوع و مؤثر و واضح و روشن بودن مرزها، زمینه و شرایط مطلوبی برای تأمین و اجابت احساس‌ها و نیازهای زوجین فراهم می‌کند که موجب تسهیل ابراز خود، افکار و احساسات و در نتیجه باعث بهبود و ارتقای رابطه زناشویی رضایت‌بخش در زوجین می‌شود. از این رو، به نظر می‌رسد استفاده زوجین از الگوهای ارتباطی غیرمؤثر در روابط بین خود و نداشتن مرزهای عام مشخص





می‌تواند یقین، درک و فهم صحیح زوجین را در زمینه احساس‌ها و نیازهای یکدیگر کاهش داده و رضایت زناشویی آنها را پایین بیاورد (مام‌صالحی، و همکاران، ۱۳۹۹).

وجود تعهد در رابطه (یکی از شاخصه‌های مرزهای درونی زوجین) باعث شکل‌گیری اعتماد و اطمینان می‌شود. احساس تعهد نسبت به همسر نیز موجبات توجه به خواسته‌های وی، صرف وقت و توجه را فراهم می‌کند. در خانواده‌های متعهد، اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می‌کنند، بلکه در رشد و تعالی هریک از اعضای آن تلاش می‌کنند. (هریس، ۲۰۰۶) تعهد به زوجین اجازه می‌دهد تا به‌طور مؤثری در برابر خواسته‌های یکدیگر انعطاف داشته باشند و رضایت‌مندی بیشتری را در رابطه تجربه کنند (هدایتی دانا و صابری، ۱۳۹۳). کسیکه میزان صمیمیت (یکی دیگر از شاخصه‌های مرزهای درونی زوجین) بالاتری را تجربه می‌کند، قادر است خود را به شیوه‌ای مطلوب‌تر در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. زوج‌هایی که صمیمیت بیشتری دارند، ممکن است انسجام و انعطاف بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند (پاتریک، سلز، گیوردانو و فولرز، ۲۰۰۷).

رابطه بین والدین و فرزندان که از آن بانام مرز درونی والدینی یاد می‌شود، می‌تواند بر رضایت زناشویی تأثیر بگذارد. (پارپایی، امیری و عارفی، ۱۴۰۰ هـ.ق) در خانواده‌هایی که انعطاف‌پذیری پایین باشد استبداد حاکم است، زوجین با یکدیگر همکاری مناسب ندارد، فرزندان به اطاعت بی‌چون وچرا ملزم هستند، در تصمیم‌گیری‌های خانواده نقش کمتری دارند یا مورد توجه قرار نمی‌گیرند، ممکن است مستقل عمل کنند، اما توانایی تصمیم‌گیری مستقلانه ندارند، مضطرب و وابستگی بیشتری به دیگران دارند. به نظر می‌رسد در خانواده‌هایی که انعطاف‌پذیری پایین است افراد خانواده به هم وابسته می‌شوند و حدود و مرزهای خانواده مبهم می‌شود. وقتی میزان انعطاف‌پذیری خانواده بالاست فرزندان و والدین توانایی بیشتری برای رویارویی با مشکلات مختلف دارند و می‌توانند به شیوه‌های گوناگون مشکلات را در قالب قواعد و مرزهای خانواده حل کنند (پردار، و همکاران، ۱۴۰۰ هـ.ش). والدینی که

1. Harris, V. W.

2. Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R.

سبک فرزندپروری مقتدر دارند با داشتن رابطه گرم و حمایتی از فرزندان و ایجاد سطح مناسبی از پاسخ‌گویی، فضا را برای آموختن رفتارهای بین فردی مساعد می‌کنند (کرشمر، والبرو آلدینکل، ۲۰۱۷). براساس نظریه یادگیری اجتماعی، پدر و مادرانی که رابطه بهینه‌ای با فرزندان خود دارند مانند یک الگوی عملی و تجربی، روابط بین فردی مطلوب را به فرزندان خود یاد می‌دهند. فرزندان با مشاهده رفتارهای والدین در تشویق رفتارهای تعاملی مطلوب و یا تنبیه رفتارهای نامطلوب، شیوه‌های برقراری روابط بین فردی، تشریک مساعی با دیگران و راهبردهای حل مسئله را یاد می‌گیرند و در روابط بین شخصی انسجام و انعطاف بیشتری دارند و با یادگیری این رفتارهای مثبت و سازنده نقش مؤثری در رضایت زناشویی دارند (بشارت و کامران، ۱۳۹۶).

کامگوجی (۱۹۹۶، به نقل از چراغی، بی‌غم، ضبیح‌زاده، نیک‌برجام و توسلی، ۱۴۰۱) کارکرد مرز در خانواده را شبیه به کارکرد غشای سلول‌ها می‌داند. از نظر وی، مرزها باید در حدی محکم باشند که از یکپارچگی افراد و زیرسیستم‌ها حفاظت کنند. مرزها باید در حدی نفوذپذیر باشند که امکان ارتباط بین افراد و زیرسیستم‌ها را فراهم کند. مرز با مفاهیمی مانند مالکیت اطلاعات، کنترل سطحی از اطلاعات که به اشتراک گذاشته می‌شود و میزان نفوذپذیری دیگران بر اطلاعات مرتبط است (پترونو، ۲۰۰۲). از این رو، روان‌شناسان معتقدند که داشتن مرزهای واضح برای سلامت جسم و روان انسان ضروری است. از نظر آنها مرزهای مشخص و منعطف با عزت نفس و احساس ارزش‌مندی در افراد مرتبط است (مک‌فرسن و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین، به نظر می‌رسد در خانواده‌هایی که انسجام و انعطاف بیشتری دارند مرزهای واضح و مشخصی بین اعضای خانواده به‌ویژه بین خواهران و برادران وجود دارد که این عامل، عملکرد مطلوب خانواده و رضایت زناشویی را به دنبال دارد (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵). در مورد مرزهای بیرونی که بیشتر با مرزهای تعاملات با خانواده اصلی و خویشاوندان مشخص می‌شود، می‌توان گفت که وقتی هریک از زوجین فقط به خانواده اصلی‌اش احساس تعلق دارد و وفاداری نسبت به خانواده اصلی بر وفاداری نسبت به همسرش غلبه دارد (دوکومون

1. Kretschmer, T., Vollebergh, W., & Oldehinkel, A. J.
2. Petronio, S.
3. McPherson, K. E. S., & et al





نژی و شوئری، ۲۰۰۳) مشکلات زیادی در روابط بین اجزای سیستم و شکل‌گیری دو جبهه مقابل به وجود می‌آید. در این حالت هریک از همسران در اتحاد با خانواده خود و در مقابل همسر و خانواده همسرش قرار دارد. رفتارهایی مانند طرفداری از خانواده اصلی، ترجیح به ملاقات خانواده اصلی در غیاب همسر از تظاهرات چنین وضعیتی است. از طرفی، با توجه به اهمیت مفهوم خانواده در فرهنگ ایرانی و وجود احساسات قوی نسبت به خانواده اصلی در بین ایرانیان، عجیب نیست که یکی از روش‌های تخلیه خشم در همسران هنگام بروز مشاجرات جدی، متهم کردن خانواده‌های یکدیگر، پیش کشیدن بحث آنها در مشاجرات و اهانت به آنها باشد (چراغی، و همکاران، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد که این مسئله با تأثیر منفی بر روی انسجام و انعطاف خانواده با کاهش میزان رضایت زناشویی همراه است.

پژوهش حاضر نیز مانند سایر تحقیقات با محدودیت‌هایی مواجه بود. نتایج پژوهش محدود به زوجین شهر تهران است. بنابراین، باید در تعمیم آن به جوامع و شهرهای دیگر جانب احتیاط رعایت شود. علاوه بر آن، مقطعی بودن پژوهش و استفاده از پرسش‌نامه‌های خودگزارشی برای سنجش سازه‌ها نیز از دیگر محدودیت‌های تحقیق حاضر بود. شاید در یک طرح طولی و استفاده از دیگر روش‌ها مثل مصاحبه و مشاهده رفتاری، بتوان روابط همبستگی و علی بین این متغیرها را بهتر بررسی کرد. همچنین با توجه به نقش و اثر انعطاف‌پذیری خانواده و مرزهای خانواده در زندگی زناشویی افراد، انتظار می‌رود مشاوران و درمانگران حوزه خانواده با بسط و ارائه راهکارهای درمانی برای افزایش انعطاف‌پذیری خانواده و بهبود مرزهای خانواده در راستای ارتقای رضایت زناشویی و حفظ بنیاد خانواده قدم مؤثری بردارند.

در پایان نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از تمامی افرادی که در این پژوهش شرکت نموده و نویسندگان را در انجام این مهم همراهی کرده‌اند تشکر و قدردانی نماید.

فهرست منابع

۱. آیین، نجمه، و فرنام، علی (۱۴۰۱ ه. ش). رابطه بین ملاک‌های همسرگزینی با احساس مثبت به همسر: نقش میانجی احساس انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده. *نشریه علوم اجتماعی*، ۱۹ (۱)، ۲۱۹-۲۴۹.
۲. اصل دهقان، فاطمه، رضاییان فرجی، حمید، و حسینیان، سیمین (۱۳۹۷). نقش انعطاف‌پذیری خانواده و تمایز یافتگی مادران در خودکارآمدی نوجوانان. *نشریه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۳ (۴۵)، ۵۵-۷۳.
۳. آهنگرانی، محمد، زاده محمدی، علی، حیدری، محمود، و طالبی، مریم (۱۳۹۳). بررسی رابطه ارزش‌های ازدواج و جهت‌گیری مذهبی با ساختار خانواده در زوجین شهرستان بابل. *نشریه تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۲ (۱)، ۴۴-۵۷.
۴. بشارت، محمدعلی، و کامران، میترا (۱۳۹۶). نقش واسطه‌ای مشکلات بین شخصی در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی. *نشریه روان‌شناسی خانواده*، ۴ (۱)، ۳-۱۶.
۵. پارپایی، رزیتا، امیری، حسن، و عارفی، مختار (۱۴۰۰ ه. ش). الگوی علی رضایتمندی زوجین براساس مؤلفه‌های ویژگی شخصیتی با میانجی ارتباط مادر فرزند. *نشریه خانواده و بهداشت*، ۱۱ (۴)، ۲۷-۳۹.
۶. پردار، چیان، مرادی، امید، احمدیان، حمزه، و ثنایی‌ذاکر، باقر (۱۴۰۰ ه. ق). نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در مدل ساختاری سرسختی خانواده براساس انعطاف‌پذیری خانواده. *نشریه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۲ (۹)، ۶۶۹-۶۹۴.
۷. پروندی، علی، عارفی، مختار، و مرادی، اسما (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین در پیش‌بینی رضایت زناشویی. *نشریه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۲ (۱)، ۵۴-۶۵.
۸. تقییان، حسن، و قاسمی مروج، مهدی (۱۳۹۹). پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس تمایز یافتگی زوجین با نقش میانجی مرزهای زوجینی خانواده. *نشریه پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی*، ۳ (۱)، ۳۸-۲۱.
۹. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۵). اثر خانواده درمانگری سیستمی معنوی بر رضایت زناشویی و کنش‌وری خانواده (الگوی مهر و قدرت). *نشریه پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۴ (۶)، ۹-۳۸.
۱۰. جدیری، جعفر، فتحی آشتیانی، علی، موتابی، فرشته، و حسن‌آبادی، حمیدرضا (۱۳۹۶). اثربخشی زوج‌درمانی با رویکرد اسلامی بر رضایت زناشویی. *نشریه مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۱ (۲۰)، ۷-۳۷.
۱۱. چراغی، مونا، بی‌غم، زهرا، ذبیح‌زاده، عباس، نیک‌فرجام، محمدرضا، و توسلی، سجاد (۱۴۰۱). معنای مرز در روابط بین‌فردی برای ایرانیان: پژوهشی با روش تحلیل تناظر. *نشریه علمی-پژوهشی راهبرد فرهنگ*، ۱۵ (۵۸)، ۹۹-۱۲۵.
۱۲. چراغی، مونا، مظاهری، محمدعلی، موتابی، فرشته، پناغی، لیلی، صادقی، منصوره‌السادات، و سلمانی، خدیجه (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس کیفیت ارتباط همسران با دو خانواده اصلی. *نشریه علمی-پژوهشی راهبرد فرهنگ*، ۸ (۳۱)، ۹۹-۱۲۵.
۱۳. سبزیان، سعیده، قدم‌پور، عزت‌اله، و میردردی‌کوند، فضل‌الله (۱۳۹۷). ارائه مدل علی ادراک از جو عاطفی و انعطاف‌پذیری خانواده با تقلب تحصیلی: نقش میانجیگری خودکارآمدی تحصیلی. *نشریه مددکاری اجتماعی*، ۷ (۳)، ۳۲-۴۳.
۱۴. سلیمی، هادی، محسن‌زاده، فرشاد، و نظری، علی محمد (۱۳۹۵). پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس انسجام خانوادگی، زمان باهم بودن و منابع مالی در معلمان زن. *نشریه زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*، ۷ (۳)، ۱۷۵-۱۹۱.
۱۵. شاهسوار، محبوبه، و کوچویی، فرزانه (۱۳۹۸). پیش‌بینی کارآمدی خانواده براساس مرزهای بیرونی خانواده و خردمندی زوجین. *نشریه پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی*، ۲ (۲)، ۳۵-۵۴.
۱۶. صفورایی یاریزی، محمد مهدی (۱۳۸۸). ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه سنجش کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام. *نشریه روان‌شناسی و دین*، ۱۵ (۲۸)، ۸۵-۱۰۸.
۱۷. صفورایی یاریزی، محمد مهدی، و فامیل دردشتی، احمدرضا (۱۴۰۱ ه. ش). نقش واسطه‌ای رضایت زناشویی در رابطه بین مرزهای خانواده و طلاق عاطفی. *نشریه پژوهشنامه روان‌شناسی اسلامی*، ۸ (۱۷)، ۱۱۱-۱۲۹.
۱۸. فرهنگ، مهناز، و رضوانی، زهره (۱۳۹۸). نقش ساختار خانواده بر عملکرد آن در خانواده‌های تک‌همسری و چندهمسری. *نشریه جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*، ۳۰ (۳)، ۱۳۴-۱۵۴.
۱۹. کیانی چلمردی، احمدرضا، اسدی، مسعود، شیرعلی‌پور، اصغر، و فتحی، الهام (۱۳۹۹). پرسش‌نامه مرزهای ارتباطی خانواده (RBQ): ساخت و هنجاریابی. *نشریه روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه*، ۹ (۴)، ۲۰-۳۳.
۲۰. کیانی، نرگس، و عارفی، مختار (۱۳۹۴). مدل تحلیل مسیر روابط میان انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده،





- تاب‌آوری و سلامت روانی دانشجویان. نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، (۳)۵، ۲۲-۴۹.
۲۱. مام صالحی حسین، مرادی امید، عارفی، مختار، و یاراحمدی، یحیی (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای الگوهای ارتباطی در رابطه بین تمایز یافتگی خود و رضایت جنسی زوجین. نشریه روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۲۶(۲)، ۱۵۴-۱۶۹.
۲۲. معصومی، سمیرا، رضاییان، حمید، و حسینیان، سیمین (۱۳۹۶). پیش‌بینی رضایت جنسی براساس الگوهای ارتباطی زوجین. نشریه مطالعات زن و خانواده، ۱۵(۱)، ۷۹-۱۰۱.
۲۳. ملکپها، مرضیه، عابدی، محمدرضا، باغبان، ایران، جوهری، عباس، و فاتحی‌زاده، مریم (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی آموزش مدیریت تعارض کار- خانواده بر رضایت زناشویی زنان شاغل دانشگاه اصفهان. نشریه دست‌آوردهای روان‌شناختی، ۲۰(۲)، ۱۶۱-۱۷۸.
۲۴. منافی، فاطمه، و دهشیری، غلامرضا (۱۳۹۸). نقش انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و تنظیم عواطف در پیش‌بینی صمیمیت اجتماعی دانشجویان دختر. نشریه رویش روان‌شناسی، ۹(۸)، ۲۱۶-۲۰۹.
۲۵. هدایتی دانا، سوسن، و صابری، هائیده (۱۳۹۳). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل، تعهد) و اضطراب. نشریه خانواده‌پژوهی، ۱۰(۴)، ۵۱۱-۵۲۷.
۲۶. هوشیاری، جعفر، شکوری، حسن، و حسینی کوهساری، سید مجید (۱۳۹۹). حدود و مرزهای روان‌شناختی خانواده با تأکید بر آیات مشتمل بر واژه حدود الله. نشریه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۷(۱۳)، ۷-۳۰.
۲۷. هوشیاری، جعفر، صفورایی پاریزی، محمدمهدی، جزایری، سید حمید، و تقیان، حسن (۱۴۰۰ ه.ش). ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه سنجش مرزهای روان‌شناختی خانواده براساس قرآن کریم. نشریه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۵(۲۸)، ۷-۲۹.
28. Adamczyk, K. (2019). Marital and love attitudes as predictors of Polish young adults' relationship status. *Current Issues in Personality Psychology*, 7(4), 298- 312.
29. Ali, F., & Saleem, N. (2022). RELATIONSHIP BETWEEN CONFLICT RESOLUTION STYLES AND MARITAL SATISFACTION AMONG MARRIED ACADEMICIANS. *Gomal University Journal of Research*, 38(3), 300- 318.
30. Allan, G. (2008). Flexibility, friendship, and family. *Personal relationships*, 15(1), 1- 16.
31. Çelik, E., Çelik, B., Yavas, Ş., & Süler, M. (2022). Investigation of Marital Satisfaction in terms of Proactive Personality, Meaning in Life, Offense- Specific Forgiveness. *International Journal of Psychology and Educational Studies*, 9(1), 1- 11.
32. Chauhan, S., & Sekher, T. V. (2023). Early marriage and marital satisfaction among young married men in rural Uttar Pradesh, India. *BMC Research Notes*, 16(1), 6.
33. Dong, S., Dong, Q., & Chen, H. (2022). Mothers' parenting stress, depression, marital conflict, and marital satisfaction: The moderating effect of fathers' empathy tendency. *Journal of affective disorders*, 299, 682- 690.
34. Ducommun- Nagy, C., & Schwoeri, L. D. (2003). *Contextual Therapy. Textbook of Family and Couple Therapy, Clinical Applications*. Arlington: American Psychiatric Publishing.
35. Ghanbari Panah, A., & Sharif Mustaffa, M. (2019). A model of family functioning based on cohesion, flexibility and communication across family life cycle in married women. International. *Journal of Psychology (IPA)*, 13(2), 195- 228.
36. Ghiasi, S., Abdollahi, A., & Hosseinian, S. (2023). Mediating Role of Marital Intimacy in the Relationship between Love Attitudes and Marital Satisfaction among Married Women and Men in Songor, Kermanshah Province of Iran. *Int. J. Adv. Stu. Hum. Soc. Sci*, 12 (2), 114- 122.
37. Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2009). *Revolution and evolution of family therapy and family psychology, Family psychology*. Malden, MA: Wiley.
38. Harris, V. W. (2006). Context and interaction: A comparison of individuals across various income levels. *Science Context*, 17(4), 48- 52.



39. Jackson, D. L. (2003). Revisiting sample size and number of parameter estimates: Some support for the N: q hypothesis. *Structural equation modeling*, 10(1), 128- 141.
40. Jiang, H., Wang, L., Zhang, Q., Liu, D. X., Ding, J., Lei, Z.,... & Pan, F. (2015). Family functioning, marital satisfaction and social support in hemodialysis patients and their spouses. *Stress and Health*, 31(2), 166- 174.
41. Kline, R. B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling*. New York: Guilford publications.
42. Kretschmer, T., Vollebergh, W., & Oldehinkel, A. J. (2017). Parent-child positivity and romantic relationships in emerging adulthood: Congruence, compensation, and the role of social skills. *International Journal of Behavioral Development*, 41, 198-210
43. Liu, W., & Mao, J. J. (2011). The Development and Prospects of Research on Adolescents' Romantic Relationship. *Advances in Psychological Science*, 19(7), 10-11.
44. McPherson, K. E. S., Kerr, E., McGee, A., Morgan, F. M., Cheater, J. McLean., & Egan, J. (2014). The Association between Social Capital and Mental Health and Behavioral Problems in Children and Adolescents: an Integrative Systematic Review. *BMC Psychology*. 2(1), 7-10.
45. Mozas- Alonso, M., Oliver, J., & Berástegui, A. (2022). Differentiation of self and its relationship with marital satisfaction and parenting styles in a Spanish sample of adolescents' parents. *Plos one*, 17(3), e0265436.
46. Nasershariati, M. (2022). The Effectiveness of Image Relationship Therapy on Cohesion - Family Flexibility and Happiness of Couples with Emotional Divorce. *Journal of Family Relations Studies*, 2(4), 22- 31.
47. Norton, A. M., & Baptist, J. (2014). Couple boundaries for social networking in middle adulthood: Associations of trust and satisfaction. *Cyber psychology. Journal of Psychosocial Research on Cyberspace*, 8(4), 58- 64.
48. Nunes, C., Martins, C., Leal, A., Pechorro, P., Ferreira, L. I., & Ayala- Nunes, L. (2022). The ENRICH Marital Satisfaction (EMS) Scale: A Psychometric Study in a Sample of Portuguese Parents. *Social Sciences*, 11(3), 107- 110.
49. Olson, D. (2011). FACES IV and the circumplex model: Validation study. *Journal of marital and family therapy*, 37(1), 64- 80.
50. Olson, D. H. (2000). Circumplex model of marital and family systems. *Journal of family therapy*, 22(2), 144- 167.
51. Olson, D. H., & Defrain, J. (2006). *Marriage and families*. New York: Mc Graw Hill.
52. Olson, D. H., & Gorall, D. M. (2006). *Faces IV and the Circumplex model*. Minneapolis, MN: Life Innovations.
53. Parra, A., Oliva, A., & Reina, M. D. C. (2015). Family relationships from adolescence to emerging adulthood: A longitudinal study. *Journal of Family Issues*, 36(14), 2002- 2020.
54. Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15, 359- 367
55. Perlowski, K. M., & Wright, L. E. (2021). The influence of perceived job flexibility and spousal support on the marital satisfaction of parents of children with special needs. *Community, Work & Family*, 24(1), 1- 19.
56. Petronio, S. (2002). *Boundaries of Privacy: Dialectics of Disclosure*. New York: SUNY Press

57. Pistole, M. C., Roberts, A., & Chapman, M. L. (2010). Attachment, relationship maintenance, and stress in long distance and geographically close romantic relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 27(4), 535- 552.
58. Russo, M., Ollier- Malaterre, A., Kossek, E. E., & Ohana, M. (2018). Boundary management permeability and relationship satisfaction in dual- earner couples: The asymmetrical gender effect. *Frontiers in Psychology*, 9, 1723- 1730.
59. Siegel, D. J. (2015). *The developing mind: How relationships and the brain interact to shape who we are*. New York: Guilford Publications.



پژوهشی فقهی در تکثیر نسل و نسبت آن با تحکیم خانواده

ناصر عاشوری^{۱*}، منصور غریب پور^۲، سید مهدی جوکار^۳

چکیده

فرزندآوری و نقش آن در تحکیم خانواده یکی از مسائل مهم در جوامع اسلامی است. فقها و اندیشمندان اسلامی در مورد تکثیر نسل نظرات مختلفی ارائه کرده اند و هرکدام سعی دارند با استفاده از ادله فقهی، نظر خود را اثبات و آثار آن در نظام خانواده را پیاده کنند. پژوهش حاضر به روش تحلیلی-اسنادی و باهدف نقش فرزندآوری و تکثیر نسل بر تحکیم خانواده با تکیه بر آرای فقها درباره جمعیت و نقد آراء این حوزه انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که از بین آرای اندیشمندان اسلامی درباره جمعیت، نظریه تکثیر نسل و فرزندآوری، مطلوب شرع در شرایط عادی و وجوب بالكفایه در مواقع ضروری است. دیدگاه های فقهی دیگر درباره جمعیت، بدون توجه به ادله فقهی-قرآنی-روایی و آثار تکثیر نسل بر تحکیم نظام خانواده تفسیر شده است.

واژگان کلیدی: مبانی فقهی جمعیت، تکثیر نسل، فرزندآوری، تحکیم خانواده، تکثیر نسل.

1DOI: 10.22034/ijwf.2023.15871.2088

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳
۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
Email: naserashoori65@gmail.com ORCID ID: 0000-0002-2487-7988
۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: ma.gharibpoor@gmail.com ORCID ID: 0000-0003-0544-2388
۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
Email: m.jokar@yu.ac.ir
* این مقاله حاصل رساله دکتری ناصر عاشوری است که با حمایت علمی دانشگاه یاسوج انجام شده است.

Jurisprudential Research on the Multiplication of Generations and Its Relationship with Family Consolidation

Naser Ashouri¹, Mansour Gharibpour², Seyed Mahdi Jokar³

Having children and its role in strengthening the family is one of the important issues in Islamic societies. Islamic jurists and thinkers have given different opinions about the multiplication of generations. Additionally, each of them tries to prove their opinion by using jurisprudential evidence and implement its effects in the family system. The current research was done according to analytical-documentary method and aimed at the role of having children and multiplying the generation on family consolidation, relying on the opinions of jurists about the population and criticizing the opinions of this field. The results showed that among the opinions of Islamic thinkers regarding the population, the theory of reproduction and child bearing is desirable in normal circumstances and sufficiently obligatory in times of need. Other jurisprudential views about the population have been interpreted without paying attention to jurisprudential-Quranic-narrative evidence and the effects of the multiplication of generations on the consolidation of the family system.

Keywords: jurisprudential fundamentals of population, generation reproduction, child bearing, family consolidation, generation reproduction.

DOI: 10.22034/ijwf.2023.15871.2088

Paper Type: Research

Data Received: 2023 / 05 / 10 Data Revised: 2023 / 06 / 05 Data Accepted: 2023 / 06 / 13

1 .Ph.D. Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Yasuj University, Yasuj, Iran.

Email: naserashoori65@gmail.com

ORCID ID: 0000-0002-2487-7988

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Yasuj University, Yasuj, Iran. (Corresponding Author)

Email: ma.gharibpoor@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Yasuj University, Yasuj, Iran.

Email: m.jokar@yu.ac.ir

ORCID ID: 0000-0002-1478-4905

* This article was extracted from Naser Ashouri's Ph.D. thesis with the scientific support of Yasuj university.

۱. مقدمه

نهاد خانواده، رکن اصیل اجتماع بشری است تا آنجا که سعادت و شقاوت ملل، مرهون رشد و ضلالت خانواده است. تمام دستاوردهای بشر در سایه خانواده‌های مستحکم، امن و سالم پدید آمده است. شرط پویایی جامعه و رسیدن به آرمان‌های خود، سلامت و پایداری نهاد خانواده است. قرآن، عالی‌ترین نسخه زندگی برای رسیدن انسان به حیات طیبه بوده و آیاتی درمورد تحکیم خانواده نازل شده است. در برخی از سوره‌های قرآن مانند سوره‌های انسان، تحریم، نساء و... خداوند مسائل خانواده و راهکارهای تحکیم خانواده را بیان می‌کند. در اسلام منظور از خانواده مجموع والدین و فرزندان است و هرکدام در به تعالی رساندن این بنای مقدس سهم ویژه‌ای دارند. از فرزند در خانواده تعبیری مانند کمک‌کار والدین (ر.ک.، اسراء: ۶)، هدیه و نعمت خداوند متعال (ر.ک.، آل عمران: ۱۴؛ مؤمنون: ۵۵) و نور دیده (ر.ک.، فرقان: ۷۴) نام برده شده است. در آیه ۱۱ سوره شوری آمده است: «جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ». باتوجه به این آیه، تکثیر نسل و بقای انسان از اهداف تشکیل خانواده است. بیشتر مفسرین شیعی و اهل سنت، تکثیر نسل را از اهداف و حکمت‌های تشکیل خانواده می‌دانند (مراغی، بی‌تا؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق).

رجوع به این آیات، رهگشای انسان در رسیدن به تحکیم خانواده است. در سیره معصومین (علیهم‌السلام) درباره خانواده نقل‌های فراوانی است که خود دال بر اهمیت این بنای مقدس است. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «مَا بَنَى فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنَ التَّوْبَةِ» در اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند نیست (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۳/۱۴). در آموزه‌های دین اسلام، خانواده نهادی محبوب، مقدس، بالارزش است (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۲۲۲/۶)، همچنین خانواده نهادی برای رسیدن به آرامش (ر.ک.، روم: ۲۲)، محل سرور و رشد مادی (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۱۷/۴) و عالی‌ترین مکان تربیت فرزند (ر.ک.، سالاری، ۱۳۸۶) است.

نگاه اسلام به خانواده نگاهی معنوی است. الگوی اسلامی خانواده در اسلام تفاوت زیادی با خانواده در نظام غرب دارد. سعادت یک جامعه و کشور در گرو خانواده محکم است. اگر خانواده سست شود عمر جامعه روبه افول است. جامعه‌ای که بنیان خانواده در آن متزلزل است در معرض نابودی و فناست (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های عقد، ۱۳۷۹/۱۲/۲۱).





در احادیث، توصیه‌های فراوانی به ازدواج و فرزندآوری شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ازدواج را سنت خود می‌داند و فرزند را چون گل خوش بو معرفی کرده است (کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۵/۳۲۹). ارزش فرزند در اسلام آن قدر مهم است که حتی سقط شده آن نیز والدین را سعادتمند می‌کند. در حدیثی آمده است که فرزند سقط شده تا پدر و مادرش وارد بهشت نشوند، وارد بهشت نمی‌شود. (ر.ک.، ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۳۸۳) خداوند متعال در آیه ۸۶ سوره اعراف می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُكُمْ؛ به یاد آرید زمانی را که عده قلیلی بودید و خدا بر عده شما افزود». در این آیه خداوند از لفظ کثیر در مقابل قلیل در قالب یک منت و لطف بر بشر استفاده کرده است و در مقابل این منت می‌خواهد که شکرگزار باشند. از تعبیر کثیر در این آیه برمی‌آید که گاهی افزونی جمعیت (با نظم و برنامه) می‌تواند یک ارزش باشد. در آیه ۴۹ سوره شوری خداوند از فرزندان به هدیه الهی تعبیر می‌کند: «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُخْلِقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنِائًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكُورَ؛ تنها خدا راست ملک آسمان‌ها و زمین، هرچه بخواهد می‌آفریند، به هرکه خواهد فرزندان اناث (دختر) و به هرکه خواهد فرزندان ذکور (پسر) عطا می‌کند». هردو کلمه «يَهَبُ» را به کار برده است تا بفهماند پسر و دختر، هردو هدیه الهی هستند (فرائی، ۱۳۸۳). موهبت فرزند به اندازه‌ای است که حتی پیامبران الهی در برخی مواقع از خداوند متعال طلب فرزند می‌کردند.

باتوجه به مطالب مطرح شده، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که مبانی و ادله فقهی مطلوبیت تکثیر جمعیت چیست و ازمنظر فقه تربیتی، فرزندآوری چه ارتباطی با تحکیم خانواده دارد. این مسئله باتوجه به نظریات، کتب و پژوهش‌هایی که در گذشته در مورد تحدید جمعیت و تنظیم خانواده نوشته شده است و مشکلات و آسیب‌های نظام خانواده در نبود فرزند و یا تک فرزند بودن اهمیت ویژه‌ای دارد. علاوه براین، حاکمیت اسلامی نیز باید برنامه‌های جمعیتی طبق فقه اسلامی به منظور اتخاذ تصمیم صحیح لحاظ کند.

۱-۲. چارچوب نظری پژوهش

خانواده متشکل از افرادی است که با پیوند زناشویی یا پذیرش فرزند در نقش والدین و برادر و خواهر در ارتباط متقابل هستند، فرهنگ مشترک دارند و در واحد خاصی زندگی می‌کنند (قنادان، ۱۳۷۵). در خانواده افراد از راه خون، ازدواج و فرزندخواندگی با یکدیگر ارتباط دارند. یکی



از اهداف اصلی خانواده، تولید مثل است. در آیاتی از قرآن نیز به کلمه اهل به معنای خانواده اشاره شده است (ر.ک.، نساء: ۹۲؛ مائده: ۸۹). در اصطلاح، خانواده نهادی اجتماعی است که براساس ازدواج حاصل می‌شود. مهمترین محل تلاقی ویژگی‌های زنانه و مردانه، نهاد خانواده است. نیازهای روحی و عاطفی انسان‌ها و ایثار و از خودگذشتگی در خانواده شکل می‌گیرد. خانواده محل رشد و تعالی، بروز استعدادها و حلقه ارتباط انسان با جامعه است (کمالی، ۱۳۸۹). مقصود از تحکیم خانواده در اصطلاح اسلامی، حفظ حقوق اعضا، حاکمیت اخلاق و رعایت اصل اعتدال همه افراد است. (حسینی، ۱۳۸۳) در قرآن، سکون و آرامش اعضا از اهداف تشکیل خانواده بیان شده است (ر.ک.، روم: ۲۱). همه رفتارها در محیط خانواده باید در راستای آرامش باشد. تحکیم یعنی، اقداماتی که با آن، سکون انسان به کمال می‌رسد. انگیزه تحکیم خانواده در فرهنگ‌های مختلف با هم متفاوت است، برای مثال برخی فقط در تحکیم خانواده به انگیزه جنسی و صیانت ذات اشاره دارند و معتقدند هدف اصلی از تشکیل نهاد خانواده رفع نیازهای جنسی است. برخی علاوه بر این دو، انگیزه اجتماعی را نیز از عوامل تحکیم می‌دانند (سیاسی، ۱۳۵۴/۱، ۳۸۶). در نقد این سخن باید گفت از نظر اسلام اگرچه ازدواج راهی درست برای رفع غریزه جنسی است، ولی هدف اصلی نبوده و به تنهایی کافی نیست و باید به عوامل نیز دیگر توجه کرد. منظور از تحکیم، تداوم روابط و حاکمیت اخلاق تا پایان زندگی است و ممکن است در دورانی از زندگی مثل دوران پیری غریزه جنسی نقشی نداشته باشد و یا کم‌رنگ شود. نگاه اسلام به تحکیم خانواده نگاه تعالی، رشد و کمال است.

۲-۱. تکثیر نسل

قائلین به تکثیر جمعیت در مقابل قائلین به تحدید جمعیت معتقدند که جمعیت زیاد باعث شکوه و عظمت مسلمین می‌شود و جامعه مسلمین از نظر امنیت، اقتصاد و سیاست رشد می‌کند. همچنین باعث استحکام بنیان خانواده می‌گردد. تکثیر جمعیت فقط از نظر کمیت مهم نیست، بلکه کمیت و کیفیت جمعیت با هم ارزش دارد. در کشور چین با جمعیت زیاد از آنجاکه به موازات کمیت، کیفیت نیز رشد کرده است امروزه در ردیف کشورهای توسعه یافته است. مهمترین ادله فقهی که می‌توان تکثیر و مطلوبیت جمعیت را از آنها استنباط کرد عبارتند از:

۲-۱-۱. آیات تأییدکننده تکثیر نسل

برخی آیات صراحت در ازدیاد نسل دارند و برخی دیگر به طور ضمنی با تقبیح کردن اموری که تحدید نسل نتیجه آن است به ازدیاد نسل ترغیب می‌کنند.

اول) منع فرزندکشی به دلیل ناداری: در آیاتی مانند آیات ۱۴۰ و ۱۵۱ سوره انعام و آیه ۳۱ سوره اسراء: ۳۱ خداوند متعال انسان‌ها را از اینکه به دلیل فقر، فرزندان خود را بکشند، نهی کرده است و قتل فرزندان را گناه و خطایی بزرگ می‌داند. فرزندکشی، گناه و جنایت است حال چه پسر باشد و چه دختر و از آن، حرمت قتل به صورت مطلق دریافت می‌شود. در عصر جاهلیت فرزندکشی میان اعراب جاهلی رواج داشت. فرزندکشی گناهان زیادی مانند سوءظن به رزاقیت خداوند متعال و دخالت آدمی در تقدیر خداوند متعال را به دنبال دارد. کسانی که در جامعه کنونی با انواع روش‌ها مثل سقط جنین، روش‌های مرسوم ضد بارداری و... اقدام به فرزندکشی می‌کنند مرتکب سوءظن به خداوند در رزاقیت و دخالت در شئون الهی شده‌اند. خداوند متعال در آیاتی، رزق و روزی را از آن خود می‌داند و به هرکس می‌خواهد، می‌بخشد. آیه ۶ سوره هود می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا». همچنین آیه ۲۲ سوره ذاریات می‌فرماید: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ» و در آیه ۶۲ سوره عنکبوت آمده است: «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ». مدعیان کثرت فرزند معتقدند که تحدید نسل نوعی سوءظن به رزاقیت خداوند متعال است. بنابراین، این آیات دال بر افزایش نسل در قرآن کریم است.

دوم) تشویق به ازدواج: در برخی از آیات قرآن مثل آیه ۳۲ سوره نور آمده است: «مردانی که زن ندارند و زنانی که شوهر ندارند را به نکاح درآورید». در آیه سوم سوره نساء نیز آمده است: «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ». اگرچه این آیات صراحت در تکثیر جمعیت ندارد، اما از آن دلالت التزام فرزندآوری و تکثیر نسل دریافت می‌شود. از جمله فوائد ازدواج از منظر قرآن تکثیر نسل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۱۵/۱۵). همچنین در آیه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أُنْثَىٰ سِتْنُمْ وَقَدْ مَوَّاهُ لَأَنْفُسِكُمْ» (بقره: ۲۲۳) خداوند متعال مردان را در حکم کشاورزی می‌داند که در مزرعه و کشتزار خود یعنی، زنان می‌تواند هر نوع کشتی بکارند و به طور یقین این کشت ثمره‌ای به نام فرزند خواهد داشت (طبرسی، ۱۳۷۲/۲، ۵۶۴/۵). خداوند زن را کشتزار می‌نامد نه فقط

محلّی برای ارضای غریزه جنسی. از کلمه «حرث» که در آیات فوق تکرار شده است اهمیت فرزندآوری دریافت می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۱/۱۸۷). خداوند در آیه ۱۱ سوره شوری می‌فرماید: «تحت عنوان فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ». خداوند در این آیه با واژه «يَذُرُّكُمْ» اشاره به تکثیر انسان می‌کند. اگرچه این کلمه در مورد سایر حیوانات نیز به کار می‌رود، اما خداوند آن را برای ارزش والای انسان در دو کلمه بیان کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ۱۴/۱۲۳). باتوجه به این آیه تکثیر نسل اقدام پسندیده‌ای است و هر اقدام مخالف با آن ممنوع است.

سوم) نهی از سقط جنین: در آیتانی از قرآن مانند آیه ۱۵۱ سوره انعام و آیه ۳۱ سوره اسراء، خداوند حکم اولیه سقط جنین را غیرمشروع و قتل معرفی می‌کند، البته این حرمت غیر از موارد جوازی است که در فقه بیان شده و احکام جواز ثانویه است. در روایت صحیحی ابی عبیده آمده است: «شخصی از امام باقر (ع) می‌پرسد که اگر زنی دارویی بخورد که سقط جنین انجام دهد چه حکمی دارد؟ امام (ع) در جواب می‌گوید که دیه دارد و زن دیه را نمی‌برد و باید به پدر بدهد؛ چون زن قاتل است». در این روایت، عبارت قاتل دال بر حرمت این عمل است (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۸/۱۲۷). با قرار دادن آیات و روایات در کنار یکدیگر مشخص می‌شود که سقط جنین نوعی قتل خفی است. به‌طورکلی آنچه از ادله حرمت سقط جنین برداشت می‌شود حرمت مطلق سقط جنین است. سقط جنین عوارض روحی-روانی زیادی نیز برای مادر دارد. نتایج پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که افسردگی عارضه شایع در میان مادرانی است که تجربه سقط جنین عمدی دارند و پیش‌زمینه بسیاری از بیماری‌ها در این مادران به‌شمار می‌رود و استرس و اضطراب فراگیری آنها را پس از این حادثه احاطه می‌کند (علوی‌نژاد، ۱۳۸۶). احتمال خودکشی مادرانی که به‌صورت عمدی تجربه سقط جنین دارند، بیش از سایرین است. این مسئله به عذاب وجدان ناشی از این اقدام بازمی‌گردد. به‌آرامش رسیدن این افراد در چنین شرایطی بسیار سخت است. در نتیجه باتوجه به این عوارض، ایفای نقش مادری با مشکل مواجه می‌شود و این خود آغاز سستی در خانواده است. به‌طورکلی و با دلالت التزام از مفاد مبانی حرمت سقط جنین می‌توان دریافت که اسلام، فرزندآوری را به‌صورت ویژه در برنامه‌های تبلیغی خود دارد.

در مقابل قائلین به تکثیر جمعیت، برخی مخالف تکثیر جمعیت هستند. مخالفان مسئله تکثیر جمعیت در راستای اثبات نظر خود به آیه ۲۳۳ سوره بقره استناد کرده‌اند: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ؛ و مادران باید دوسال کامل فرزندان خود را شیر دهند، البته آن کسی که می‌خواهد فرزند را شیر تمام دهد و به عهده صاحب فرزند است؛ (یعنی پدر) که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهد. هیچ‌کس را تکلیف جز به اندازه طاقت نکنند، نه مادر باید در نگهداری فرزند به زحمت و زیان افتد و نه پدر بیش از حد متعارف برای کودک متضرر شود». قائلین به تحدید جمعیت معتقدند که مدت شیردهی دوسال است و در این مدت، بارداری در زنان شیرده نسبت به کسانی که کمتر به فرزندان خود شیر می‌دهند یا از غذاهای جایگزین استفاده می‌کنند، کمتر است. شیردادن باعث متوقف شدن تخمک‌گذاری و برهم زدن نظم قاعدگی در زنان می‌شود و بارداری اتفاق نمی‌افتد. در ادامه این آیه تکلیف مالایطاق ممنوع شده و آمده است که اگر والدین در این مدت بخواهند بچه‌دار شوند در رنج و سختی افتادن والدین است که خود مصداق تکلیف مالایطاق است و اینکه والدین نباید در نگهداری بچه‌ها به زحمت و رنج بیفتند و بچه‌ها بیشتر از توان پدر و مادر باشند. در واقع عدم رنج با فرزند کمتر میسر می‌شود. براین اساس، از این آیه تحدید جمعیت قابل استنباط است. در جواب این استدلال می‌توان گفت که شیردهی دلیل بر کمی فرزند نیست؛ زیرا به‌طور عملی در میان زنان اتفاق افتاده است که در دوران شیردهی صاحب فرزند شده‌اند و حتی در زمان بسیار کمی بعد از زایمان، خون حیض می‌بینند و این بر آمادگی رحم برای فرزندآوری دلالت دارد. بنابراین، دوره دوساله شیردهی به معنای مخالفت با فرزند نیست.

یکی از ادله طرفداران تکثیر جمعیت استناد به روایاتی است که صحیح السند است.

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الصَّقَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ

مَعْرُوفٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَزَوَّجُوا الْأَنْبَكَارَ فَإِنَّهُمْ أَطْيَبُ شَيْءٍ أَفْوَهاً وَأَدْرُ شَيْءٍ أَخْلَافاً وَأَفْتَحُ شَيْءٍ أَرْحَاماً أَمَا عَلِمْتُمْ أَنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسَّقَطِ؛ رسول خدا ﷺ فرمود: با دختران باکره ازدواج کنید؛ زیرا آنها از نظر بوی دهان خوش‌بو تر و از نظر شیردهی پرشیرتر و از نظر رحم فراخ‌ترند. آیا نمی‌دانید که من در روز قیامت به فزونی شما بر امت‌ها حتی به جنین سقط‌شده افتخار می‌کنم؟». (صدوق، ۱۳۹۸)

اولین راوی این حدیث ابن‌الولید است که نجاشی و شیخ طوسی او را تأیید کرده‌اند (ر.ک. نجاشی، ۱۳۶۵؛ طوسی، ۱۳۷۳). محمدبن حسن صفار، راوی بعدی این حدیث است که در کتب رجالی در مورد مدح یا ذم او سخنی گفته نشده است. عباس بن معروف، راوی دیگر این حدیث می‌باشد که مورد تأیید شیخ طوسی است (ر.ک.، طوسی، ۱۳۷۳). حسن بن محبوب از دیگر راویان این حدیث است که علمای رجال او را و الامقام و از اصحاب اجماع می‌دانند (ر.ک.، کشی، ۱۳۶۳). علی بن رئاب از دیگر راویان این حدیث و مورد تأیید شیخ طوسی است (ر.ک.، طوسی، ۱۳۷۳، ۲۶۴). در مورد عبدالاعلی مولى آل سام نیز باید گفت که مورد تأیید علامه حلی، کشی و ابن‌داود است (ر.ک.، ابن‌داود، ۱۳۴۲؛ حلی، ۱۳۸۱؛ کشی، ۱۳۶۳). از آنجاکه در مورد محمدبن حسن صفار نیز ذمی وارد نشده، می‌توان گفت که این روایت صحیح است.

- بررسی دلالتی روایت فوق: این حدیث با برشماری ویژگی‌های ارجح زنان برای انتخاب در قالب همسر بر مطلوبیت ازدیاد فرزند دلالت دارد و ازدواج را راهی برای فزونی جمعیت مؤمنین معرفی می‌کند. دلالت این احادیث بر پسندیده بودن فرزندآوری بسیار روشن است و می‌توان آنها را یکی از بهترین مشوق‌های ازدیاد جمعیت در میان مسلمانان در نظر گرفت.

دوم) روایت بیان شده در تفاخر به جمعیت مسلمان در قیامت

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَكْثَرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرُ بِكُمْ الْأُمَمَ غدا؛ رسول خدا ﷺ فرمود: بر تعداد فرزندان بیافزاید تا در روز قیامت به فزونی شما بر امت‌ها تفاخر کنم». (ابن‌داود، ۱۳۴۲)

بررسی سندی روایت فوق: از نظر سندی باید گفت آنها که از احمدبن محمد نقل کرده‌اند، مورد تأیید می‌باشند خواه احمدبن محمد باشد یا احمدبن محمدبن عیسی قمی یا احمدبن محمدبن خالد برقی که همگی مورد تأیید است. (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق.



۱۴۷/۳۰ قاسم بن یحیی بن حسین بن راشد یکی دیگر از راویان این حدیث است؛ اگرچه ابن غضائری او را تضعیف کرده است (ر.ک.، ابن غضائری، ۱۳۶۴/۱، ۸۶). آیت الله خویی در دوره معاصر به دو دلیل او را مورد وثوق قرار داده است: نخست، به این دلیل که در سند کامل الزیارة ابن قولویه از او نام برده شده است و دوم اینکه، در سند زیارت امام حسین علیه السلام از او نام برده شده و به نقل از شیخ صدوق این زیارت صحیح است (خویی، بی تا، ۵۶/۱۴). دیگر راوی این حدیث، حسن بن راشد است که علامه حلی و شیخ طوسی او را موثق دانسته اند (ر.ک.، طوسی، ۱۳۷۳). آخرین راوی، محمد بن مسلم از اصحاب اجماع و مورد تأیید بسیاری از علماست (ر.ک.، کشی، ۱۳۶۳). بنابراین، این حدیث از احادیث صحیح است.

بررسی دلالی روایت فوق: پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث فوق به طور مستقیم و صریح امر به ازدیاد فرزندآوری کرده که دلالت آن بر مطلوبیت این موضوع و استحبابش روشن است.

سوم) روایات بیان شده مورد نهی از ازدواج با زنان

«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مُحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ إِنَّ لِي ابْنَةً عَمَّ قَدْ رَضِيتُ جَمَاهَا وَ حُسْنَهَا وَ دِينَهَا وَ لِكَتِّهَا عَاقِرٌ فَقَالَ لَا تَزَوِّجَهَا إِنَّ يَوْسُفَ بْنَ يَعْقُوبَ لَنِي أَخَاهُ فَقَالَ يَا أَخِي كَيْفَ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَزَوِّجَ النِّسَاءَ بَعْدِي فَقَالَ إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي وَ قَالَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَأَفْعَلْ قَالَ فَجَاءَ رَجُلٌ مِنَ الْغَدِ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ تَزَوِّجْ سَوْءَاءً وَ لَوْ دَأَّ فَإِنِّي مُكَاثِّرٌ بِكُمْ الْأَمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا السَّوَاءُ قَالَ الْقَبِيحَةُ؛ فردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! من دخترعمویی دارم که از زیبایی، خوش اخلاقی و دینش راضی شده‌ام، ولی نازاست. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: با او ازدواج نکن؛ زیرا یوسف بن یعقوب وقتی با برادرش ملاقات کرد، گفت: برادر جان! چگونه توانستی پس از من، ازدواج کنی؟ عرض کرد که پدرم به من دستور داد و فرمود: اگر می‌توانی فرزندانی داشته باشی که بر روی زمین با تسبیح الهی سنگینی کنند، این کار را بکن. امام صادق علیه السلام فرمود: فردای آن روز نیز مردی خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و همان سؤال را پرسید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: با زن سوءاء فرزندآور ازدواج کن؛ زیرا من در روز قیامت به شما بر سایر امت‌ها افتخار می‌کنم. راوی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که مراد از سوءاء چیست؟

فرمود: زن زشت‌رو». (کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق. ۵/۳۳۳)

بررسی سندی روایت فوق: «عدة من اصحابنا» که در صدر حدیث فوق است همان طور که در حدیث قبل بررسی شد مورد تأیید علمای رجال است. احمد بن محمد نیز در حدیث قبل بررسی شد و مورد تأیید قرار گرفت. حسن بن محبوب نیز مورد تأیید است و در روایت قبل بررسی شد. راوی دیگر این حدیث، عبدالله بن سنان است که رجال شناسان بزرگی مانند کشی و شیخ طوسی او را تأیید کرده اند (ر.ک.، طوسی، ۱۴۲۰؛ کشی، ۱۳۶۳). بنابراین، سند این روایت نیز صحیح است.

بررسی دلالتی روایت فوق: این حدیث از جوانب مختلف مثل امر کردن به ازدواج با دخترانی که زایا هستند، تفاخر به دیگر امم به دلیل فراوانی جمعیت مسلمان در قیامت، مطلوبیت زیاد بودن افراد تسبیح کننده، ترجیح ازدواج با زنی که جمال زیبا ندارد، ولی زایاست نسبت به زن زیبای نازا بر مطلوبیت و فراوانی فرزندآوری دلالت می کند.

۲-۱-۴. نقد استدلال به روایات فرزندآوری

درمقابل احادیثی که بر مطلوبیت فرزندآوری دلالت دارند احادیثی نیز نقل شده اند که مضامین آنها مخالف با مطلوبیت فرزندآوری است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی فرمود: «الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ، وَ قِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ؛ همانا فقر، موت بزرگ است و کم بودن عاقله، خود یکی از دو چیز است که زندگی به وسیله آنها آسان می شود» (مجلسی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۹۸/۱۰)، پس چطور با این دسته از روایات می توان ادعای مطلوبیت فرزندآوری کرد.

بررسی سندی روایت فوق: در مورد سند این روایت برخی از رجال یون خدشه وارد کرده اند. (خرازی، ۱۳۷۹) این روایت با سه سند از شیخ صدوق نقل شده است. در میان اسناد این سند دو نمونه به دلیل راویان توثیق نشده اند. در میان راویان حدیث، افراد مجهولی مانند قاسم بن یحیی، محمد بن هارون و عبدالله بن موسی یقطینی هستند که فقط یکی از آنها مورد وثوق است و دو نفر دیگر ضعیف هستند (محمدی، اکبرنژاد و رضایی، ۱۳۹۶).

بررسی دلالتی روایت فوق: از نظر دلالت می توان گفت که لفظ عیال، مطلق است و فرزندان و همسر را شامل می شود و فقط به معنای مطلق فرزندان نیست. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ۴۸۸/۱۱) بنابراین، این حدیث با احادیثی که بر مطلوبیت فرزند دلالت می کند، مقید می شود و می توان گفت که هر نوع عیالی را شامل نمی شود، بلکه فقط کمی همسر یکی از



راحتی‌هاست و حتی در صورت پذیرش نظر مخالفین مبنی بر اینکه عیال به معنی فرزندان است، باز هم می‌توان گفت که روایات فوق بیشتر جنبه شخصی دارد. دوم اینکه تشویق به کمی فرزند و همسر از این روایت استنباط نمی‌شود. در واقع این حدیث بیان می‌کند که زیادی عیال سخت است و این با مستحب بودن فرزندآوری و تلاش برای تحکیم خانواده منافات ندارد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «الْكَأَدُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حِلٍّ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی که از راه حلال برای امرار معاش زن و فرزند تلاش می‌کند همانند مجاهد راه خداست» (مجلسی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۷۲/۱۰۱؛ خرازی، ۱۳۷۰). از این حدیث، مطلوبیت جلوگیری از فرزندآوری استنباط نمی‌شود و فقط بیان یک واقعیت است و تسلی خاطری است برای کسانی که فرزندان کمی دارند و از آن رنج می‌برند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۱۳/۱۵۴).

۲-۲. قواعد فقهی تکثیر نسل

۲-۲-۱. قاعده درء المفسد اولی من جلب المنافع

قاعده «درء مفسد اولی من جلب المصالح» از قواعد فقهی پرکاربرد و از فروعات قاعده کلی «لاضرر و لا ضرار» است. هر چند این قاعده بیشتر نزد اهل سنت مطرح شده است، در کتب فقهی و اصولی فقه‌های فریقین به کرات به آن استناد شده است. از آنجاکه مقصود احکام شریعت محافظت از مصالح فردی و اجتماعی است و قاعده «درء المفسد اولی من جلب المصالح» از قواعد مرتبط با مصالح و مفسد است ارتباط وثیق این قاعده با نظریه مقاصد شریعت در حمایت از رعایت مصالح و دفع مفسد می‌تواند برای پاسخ‌گویی به مشکلات جدید، راهکاری مهم باشد. (حسینی سیستانی، ۱۳۹۶) در دوران امر بین مصلحت راجح و مفسده مرجوح، مصلحت راجح معتبر است، ولی اگر مسئله برعکس شد یعنی، مفسده راجح و مصلحت مرجوح بود جانب مفسده حکم می‌شود و باید دفع مفسده شود (شاطبی، ۱۳۴۷). به نظر کارشناسان، تحدید جمعیت در دهه اخیر و باتوجه به مفسده و مشکلاتی که برای نظام خانواده دارد باید رفع شود. از این رو، سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و الگوهای توسعه در مقیاس کلان با دفع مفسده تحدید نسل باید باعث افزایش جمعیت و تکثیر نسل شود.

۲-۲-۲. قاعده حرمت اختلال نظام

از ادله دال بر تکثیر نسل قاعده حرمت اختلال نظام و وجوب و حفظ آن است. در فقه و

اصول در موارد زیاد، حکم حرمت نتیجه حرمت اختلال نظام است (حلی، ۱۴۱۷ هـ.ق؛ خمینی، ۱۳۸۲، ۳۱۶/۱؛ حکیم، ۱۴۱۸) یا حکم وجوب، نتیجه وجوب حفظ نظام است (نایینی، ۱۳۶۸، ۱۳۲/۲) اصطلاح حرمت و وجوب حفظ نظام، در زبان فقها بسیار شایع است و دلیل این قاعده را حکم عقل می‌نامند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶)، اما معنا، مفهوم و مبنای آن به درستی تبیین نشده است. منظور از نظام، انسجام و یک‌دستی و پیوستگی در حیات انسان است. بنابراین، می‌توان هر چیزی که باعث برهم زدن نظم و توازن در زندگی انسان‌ها شود را حرام دانست و هرچه را باعث حفظ و انسجام این یکپارچگی شود، واجب شمرد (رهبرپور، ۱۳۸۹). بسیاری از مسائل مستحدثه را می‌توان زیرمجموعه این قاعده قرار داد (محقق داماد، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۹۰/۲) که ازجمله آنها مسئله تکثیر نسل است. ضرورت برقراری نظم در خانواده امری مسلم است و فقهایی اسلام آن را ضرورت عقلی دانسته و بر آن اتفاق نظر دارند تا آنجا که اختلال نظام را یکی از ادله حاکم بر سایر احکام اسلامی می‌دانند و هر جا حکمی باعث اختلال نظام شود آن را منع می‌کنند (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۱۶۰/۲). تکثیر جمعیت تا زمانی پسندیده است که کیفیت جمعیت هم درکنار آن لحاظ شود و در جامعه و خانواده شرایط و امکانات وجود داشته باشد وگرنه چه بسا تکثیر جمعیت باعث اختلال شده و فرزندان سربار خانواده باشند. باید توجه داشت که نگاه جامعه‌شناختی به مسئله فرزندآوری و موانع اجتماعی آن بحث مستقلی است که ممکن است در برخی موارد از نظر مبانی با داده‌های فقهی متعارض باشد. به تعبیر ممکن است واقعیات اجتماعی مطابق سبک مطلوب فقاقت اسلامی نباشد و نباید معیاری برای سنجش مدعای تجویزی فقه قرار گیرد.

۲-۳. آثار تکثیر نسل بر تحکیم خانواده

۲-۳-۱. سلامت جسمی-روانی والدین

یکی از فواید فرزند برای والدین به‌ویژه مادر، سلامت جسمی است. براساس تحقیقات، زنانی که نسبت به هم‌نوعان خود فرزند بیشتری دارند کمتر در معرض خطرات مرگ بیماری‌های قلبی-عروقی هستند. (لایینی، ۱۳۹۳) در تحقیقات دانشمندان دانشگاه بریگهام آمریکا در خلال سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ میلادی از بین ۲۰۰ هزار خانواده در ۸۵ کشور جهان مشخص شد که داشتن فرزند باعث اعتماد به نفس، کاهش فشار خون، افزایش شادی و

نشاط، استفاده بیشتر از قوه عقل و... می شود (آیت‌اللهی، ۱۳۹۴). براساس نتایج یک مطالعه هر ۱۲ ماه شیردهی، خطر ابتلا به سرطان پستان را ۴۰۳٪ کاهش می دهد. همچنین نسبت سرطان سینه در زنانی که بچه ندارند (نولی پار) به زنانی که ۲ و بیشتر بچه دارند ۱٫۲ تا ۱٫۷ برآورد شده است (جباری، ۱۴۰۱). در تحقیقات جدید دیگر این نتیجه حاصل شد که بارداری تأثیر بسیار مطلوبی در عملکرد حافظه و مغز دارد (آیت‌اللهی، ۱۳۹۴).

تقریر فقهی مطلب با تطبیق بر مانحن فیه این گونه است: «مستفاده از داده های کمی بین سلامتی و آرامشی روحی و روانی و جسمی خانواده (پدر و مادر) ارتباط وجود دارد و روشن است که سلامتی و آرامش روانی اعضای خانواده عامل مؤثر در تحکیم مطلوب خانواده خواهد بود. به تعبیر دیگر، یک استدلال مرکب از نقل و عقل و علم وجود دارد:

- مقدمه اول: تکثیر نسل از منظر شارع مطلوبیت دارد؛

- مقدمه دوم: براساس تحقیقات کمی تجربی، داشتن فرزند موجب اعتماد به نفس و

نشاط روحی و کاهش یا پیشگیری از امراض جسمی و روحی است؛

- مقدمه سوم: ادراک عقلی یا فطری و تجربی و عرفی، نشاط و سلامتی روانی و جسمی

در تعالی و تحکیم خانواده تأثیر دارد؛

- نتیجه: تکثیر نسل در تحکیم خانواده مؤثر است».

۲-۳-۲. کاهش طلاق

طلاق از مسائلی است که باعث فروپاشی نظام خانواده می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «ما أحلَّ اللهُ شيئاً أبغَضَ إليه من الطَّلَاقِ؛ خداوند چیزی را که نزد او منفورتر از طلاق باشد، حلال نکرده است» (نوری، ۱۳۶۵، ۲۸۰/۱۵). وجود فرزند در خانواده عاملی برای استحکام و ثبات خانواده است. در خانواده های تک فرزند یا بدون فرزند، زوجین هنگام اختلاف راحت تر و بیشتر به طلاق فکر می کنند، ولی در خانواده های با فرزندان بیشتر، والدین در ناملایمات زندگی حداقل به خاطر فرزندان بیشتر صبر و حوصله می کنند و گاهی چندین سال از طلاق پرهیز می کنند. چه بسا که این صبر باعث کمتر شدن و از بین رفتن وقوع طلاق می شود (علوی نژاد، ۱۳۸۶). از اهداف تشکیل خانواده آرامش روانی و تولید مثل است. این اهداف به زوجین انرژی و نشاط می دهد تا به زندگی ادامه دهند. داشتن ثمرات نیکو عامل

دلگرمی والدین و تداوم حیات مشترک آنها و آرامش بخش زندگی و موجب اعتماد به نفس و راهی برای جلوگیری از طلاق والدین است (بارانی، ۱۳۹۴). هرچه تعداد فرزند بیشتر باشد، زندگی کمتر به خطر می افتد (نجار باغ سیاه، ۱۳۹۵).

برخی مطالعات در حوزه علوم خانواده نشان می دهد که نسبت طلاق میان متأهلینی که فرزند دارند به مراتب کمتر از متأهلین بدون فرزند است. (نبی زاده، ۱۳۹۵)؛ یعنی فرزندان عامل مستحکمی برای جلوگیری از فروپاشی خانواده در ناملایمات هستند. براساس تحقیقات در ایران نیز خانواده های بدون فرزند به نسبت خانواده هایی که فرزند دارند بیشتر در معرض فروپاشی قرار دارند و نبود فرزند در خانه از عوامل گسست در زندگی مشترک است (فاضلی مهر، ۱۳۹۹). براساس پژوهش های انجام شده، نبود فرزند در خانه از عوامل گسست در زندگی مشترک است (فرداج، ۱۳۷۲). این داده های کمی و کیفی استفاده از تحقیقات کمی و نیز داده های نقلی، دلالت بر مقصود و مسئله می کند؛ یعنی طلاق عامل فروپاشی و از بین رفتن استحکام خانواده و فرزندآوری موجب استحکام و تقلیل موارد طلاق است و هر امر مشروعی که موجب حفظ خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن شود، مطلوب شارع خواهد بود. با این تقریر، هم فرزندآوری و هم تأثیر آن بر تحکیم خانواده و نیز مطلوبیت هردو ثابت می شود.

۳-۳-۲. امید به زندگی و شادی در خانواده

در دهه های اخیر باتوجه به کاهش جمعیت، نظام خانواده با انواع بحران روبه رو شده است که از جمله آن می توان به عدم امید به آینده و زندگی و افسردگی و مفید بودن اشاره کرد. براساس تحقیقات روان شناختی، احساس ارزشمند بودن از نیازهای انسان است. (مزلو، ۱۳۷۶، ۸۲/۳؛ پناهی، ۱۳۹۵) مفاد قرآنی و روایی فرزندان را مایه امید و باعث آسوده خاطر بودن و قوت قلب می داند و در تأیید این سخن، برخی از اندیشمندان حوزه روان شناسی معتقدند که فرزندان باعث لذت در خانواده و منبع شادی هستند (آرگیل، ۲۰۰۱). مؤید دیگر اینکه براساس تحقیقات انجام شده در ایران با داشتن فرزند، امید به زندگی و شادی در والدین دوچندان می شود. همچنین در تحقیقات صورت گرفته تک فرزندی یا بی فرزندی باعث افسردگی والدین در درازمدت می شود (ترکان، ۱۳۹۶). ویل دورانت می گوید: «زندگی زناشویی بدون فرزند پژمرده است و پس از فرزنددار شدن شکفته می شود» (دورانت، ۱۳۸۶). این همسویی

و تأثیر و تأثر متقابل بر اثر فرزندآوری بر تحکیم خانواده دلالت می‌کند. در پژوهش‌های روان‌شناسان مشخص شده است که بین وجود فرزند و شادی در والدین رابطه معناداری وجود دارد (کارن هورنای، ۱۳۸۱).

۲-۳-۴. فرزندان کمک‌کار والدین در زندگی

باتوجه به آیات و روایات مشخص می‌شود که برای پیشبرد اهداف در یک خانواده، فرزندان می‌توانند کمک‌کننده باشند. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ؛ از سعادت یک مرد فرزندانی است که به او کمک می‌کنند» (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۱۶۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۱/۳۵۶). به‌طور طبیعی وجود فرزندان آثار و برکاتی برای والدین به دنبال دارد که امام سجاد علیه السلام به خوبی به این آثار و برکات اشاره کرده است. ایشان از خداوند چنین طلب می‌کند: «آنان را در حوائج یاور من گردان» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۴، دعای ۲۵). زندگی انسان سرشار از نیازها و حوائج مادی و معنوی است که افراد در برآوردن آنها از کمک دیگران بی‌نیاز نیستند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عِزُّ الْمُؤْمِنِ غِنَاءُ عَنِ النَّاسِ؛ عزت مؤمن در بی‌نیازی و طمع نداشتن به مال و زندگی دیگران است» (مجلسی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۰۹/۷۲). از آنجاکه وجود فرزندان امتداد وجود آدمی است نوعی اولویت برای رفع نیازها نسبت به والدین احساس می‌شود. تقریر استدلال به این شکل است که فرزند نوعی امداد الهی است و خود عزت و شوکت و قدرت است (خمینی، ۱۳۸۲). در خانواده‌هایی که فرزند دارند، فرزند کمک‌کار والدین در زندگی است و این باعث می‌شود امور خانواده در مسائل گوناگون بهتر انجام شود و ناملایماتی که به دلیل این قسم اتفاق می‌افتد کم‌رنگ شده و باعث استحکام بیشتر خانواده می‌شود.

۲-۳-۵. فرزندان عاملی برای ازبین رفتن فقر

فرزندان عاملی برای ازبین رفتن فقر در خانواده هستند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِیجَ مَخَافَةَ الْفَقْرِ فَقَدْ أَسَاءَ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: إِنْ يَكُونُوا فَقْرًا يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ هرکه از ترس تهی‌دستی ازدواج نکند به خداوند عزوجل گمان بد برده است. خداوند عزوجل می‌فرماید: «اگر تهی‌دست باشد خداوند از فضل خود توانگرشان می‌سازد» (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۳۸۳). اگرچه منطوق این احادیث رابطه فقر و ازدواج را بیان می‌کند، اما به دلالت التزامی می‌توان دریافت که فرزندآوری یکی از لازمه‌ها و نتایج ازدواج و ترس از فقر هم ناشی از کثرت

اولاد است. بنابراین، انسان ترس از این دارد که مبادا از پس خرج فرزندان برنیاید و گرنه اداره تنها یک زن چندان مهم نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی تشکیل خانواده را یکی از چیزهایی می‌داند که رزق و روزی انسان را زیاد می‌کند (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۳۸۳). از این آیات و روایات می‌توان دریافت که ازدواج و ثمره آن یعنی، فرزندآوری نه فقط باعث رکود اقتصادی و فقر، بلکه باعث پیشرفت اقتصادی می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت که عدم پایداری در برخی خانواده‌ها به دلیل فقر و اقتصاد اتفاق می‌افتد و وجود فرزندان در کمک به اقتصاد خانواده جلوی بسیاری از مشکلات را گرفته و باعث ثبات و استحکام خانواده می‌شود.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به آیات، روایات و قواعد فقهی مرتبط با جمعیت، مشخص شد که طلب فرزند و تکثیر نسل مسلمانان، مطلوبیت ذاتی دارد. این مطلوبیت بدون توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی مربوط به جامعه و فرد است. جهت‌گیری کلی روایات به سمت کثرت اولاد است. به تعبیر روایات، حضور فرزندان باعث دلگرمی والدین و بازوی آنها محسوب شده و در سلامت و آرامش روانی والدین مؤثر است. آیات قرآن فرزند و جمعیت را مدد الهی و از ارکان تکامل بشر می‌داند. روایات معصومین علیهم السلام درباره رحمت الهی دانستن فرزند و استحباب کثرت اولاد درکنار سفارش به ازدواج با زنان ولود نشان‌دهنده اهمیت فرزندآوری و تولید نسل ازمنظر دینی است. حکمت معنوی و هدف اصلی از ازدیاد نفوس مسلمانان براساس آموزه‌های دین اسلام مقدم بودن مصالح معنوی بر مصالح مادی است، البته سیاست راهبردی اسلام در ازدیاد نفوس در صورتی است که کمیت همراه با کیفیت باشد و این مطلوب اسلام است. صرف ادعای کمیت بدون کیفیت پسندیده نیست. آیات و روایات زیادی شاهد بر این است که کثرت نسل صالح و پایبند به ارزش‌ها و اصول اسلامی مطلوب است. اگر کثرت نسل موجب تقویت نظام خانواده و اجتماع شود به حکم شرع و عقل بر مطلوبیت آن افزوده شده و در قالب حکم ثانوی واجب می‌شود. ادله قائلین به تحدید جمعیت و کسانی که مخالف تکثیر نسل می‌باشند، مطلق نیست و باتوجه به آیات و روایت زیاد درباره ارزش و اهمیت فرزندآوری نمی‌توان قائل به این نظر بود و این نظریه قابل



پذیرش نیست. این ادله بدون ادله فقهی دیگر تفسیر شده است. باید توجه داشت که کنترل جمعیت و تنظیم برنامه‌های خانواده در درازمدت آسیب‌های جدی برای نظام خانواده و اجتماع دارد. فرزندآوری و تکثیر نسل به شرط کیفیت و فراهم بودن نیازهای مادی، معنوی و رفاهی باعث تحکیم بنیان خانواده می‌شود. ازمنظر روان‌شناختی و تحقیقات روان‌شناسی بین وجود فرزندان و تحکیم خانواده ارتباط معنادار وجود دارد. یکی از فواید فرزند برای والدین به‌ویژه مادر، سلامت جسمی است. داشتن فرزند برای زن در حکم سلامتی اوست. تحقیقات نشان می‌دهند زنانی که نسبت به هم‌نوعان خود فرزند بیشتری دارند کمتر در معرض خطرات مرگ بیماری‌های قلبی عروقی هستند.

براساس آیات قرآن و تحقیقات روان‌شناسان، امید و نشاط به زندگی و مفید بودن در خانواده‌هایی که فرزند دارند بیشتر است. وجود فرزند موجب آسایش روحی و فکری انسان می‌شود و انسان را از دغدغه درونی و افسردگی روحی نجات می‌دهد. در پژوهش‌های روان‌شناسان مشخص شده است که بین وجود فرزند و شادی در والدین رابطه معناداری وجود دارد؛ فرزندان کمک‌کار والدین می‌باشند و کسانی که فرزند دارند کانون خانواده محکم‌تری دارند؛ زیرا پدر و مادر به دلیل تأمین فرزندان بیشتر به کار و تلاش می‌پردازند و مشکلات کوچک نمی‌تواند آنها را متزلزل کند. وجود فرزند در خانواده عاملی برای استحکام و ثبات خانواده است. در خانواده‌های تک‌فرزند یا بدون فرزند در اختلافات احتمالی، زوجین راحت‌تر به طلاق فکر می‌کنند، ولی در خانواده‌های دارای فرزندان بیشتر، والدین در ناملایمات زندگی حداقل به دلیل وجود فرزندان، بیشتر صبر و حوصله می‌کنند و گاهی چندین سال از طلاق پرهیز می‌کنند. چه بسا که این صبر باعث کمتر شدن و ازبین رفتن طلاق می‌شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۶). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر، تهران: دارالقرآن الکریم.
- * نهج البلاغه (۱۳۹۴). مترجم: دشتی، محمد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- * صحیفه سجادیه (۱۳۷۴). مترجم: انصاریان، حسین، تهران: پیام آزادی.
۱. ابن داوود، حسن بن علی (۱۳۴۲)، رجال ابن داود. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴)، الرجال. قم: دارالحديث.



۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق)، *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
۴. آیت اللهی، زهرا (۱۳۹۴). *دانش خانواده و جمعیت*. قم: نشر معارف.
۵. بارانی، صادق (۱۳۹۴). *بررسی پدیده طلاق در خانواده*. مجموعه مقالات دومین همایش سبک زندگی اسلامی. تهران.
۶. پناهی، احمد (۱۳۹۵). *نگاهی به فواید و آثار فرزندآوری و فرزندپروری در آموزه های دینی با رویکردی اخلاقی*. نشریه علمی-ترویجی/اخلاق، ۳۱(۶)، ۳۳-۶۳.
۷. ترکان، راضیه (۱۳۹۶). *فرزندم تک است*. تهران: نشر حدیث عشق.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.
۹. حرعالمی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. محقق: گروه پژوهش مؤسسه آل البیت علیه السلام. قم: مؤسسه آل البیت علیه السلام.
۱۰. حسینی سیستانی، سید علی (۱۳۹۶). *قاعده لاضرر و لاضرار (تقریرات)*. قم: خرسندی.
۱۱. حسینی، اکرم السادات (۱۳۸۳). *تحکیم خانواده در آموزه های قرآنی*. نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۶، ۴۶-۸۱.
۱۲. خرازی، محسن (۱۳۷۰). *کنترل جمعیت و عقیم سازی*. نشریه علمی-ترویجی *فقه اهل بیت (فارسی)*، شماره ۲۱، ۳۱-۵۸.
۱۳. خمینی، سید حسن (۱۳۸۲). *مبانی فقهی تنظیم خانواده*. تهران: پژوهشکده امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). *معجم رجال الحدیث*. بی جا: بی نا.
۱۵. دورانت، ویل (۱۳۸۶). *تاریخ فلسفه*. مترجم: زریاب خویی، عباس. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۱۶. سیاسی، علی اکبر (۱۳۵۴). *نظریه های مربوط به شخصیت*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. سید علی، حسینی سیستانی (۱۳۹۶). *قاعده لاضرر و لاضرار (تقریرات)*. قم: خرسندی.
۱۸. شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۳۴۷). *الموافقات فی اصول الاحکام*. محقق: محمد محی الدین عبدالحمید. قاهره: مکتبه و مطبعه محمد علی صبیح و اولاده.
۱۹. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸). *التوحید*. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۰. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ ه.ق). *من لایحضر الفقیه*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ ه.ق). *المیزان*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر قرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۳). *رجال الطوسی*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۴. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱ ه.ق). *فقه سیاسی*. تهران: امیرکبیر.
۲۵. فاضلی مهر، مونا، و رضوانی، سیده زینب (۱۳۹۹). *بررسی آسیب های تربیتی در خانواده های تک فرزند از نگاه اسلام و روان شناسی*. نشریه مطالعات روان شناسی با رویکرد اسلامی، ۱۲(۱)، ۱۰۵-۱۲۴.
۲۶. قنادان، منصور (۱۳۷۵). *جامعه شناسی مفاهیم کلیدی*. تهران: آوای نور.
۲۷. کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳). *اختیار معرفه الرجال*. قم: مؤسسه آل البیت.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ه.ق). *اصول کافی*. تهران: دارالحدیث للطباعة و النشر.
۲۹. کمالی، مینا (۱۳۸۹). *بررسی میزان تحکیم خانواده در زنان ساکن غرب تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۳۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰ ه.ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
۳۱. محقق داماد یزدی، سید مصطفی (۱۴۰۶ ه.ق). *قواعد فقه*. تهران: نشر علوم اسلامی.
۳۲. محمدی، علی، اکبرنژاد، طاهره، و رضایی، مهدی (۱۳۹۶). *اعتبارسنجی سندی و تحلیل متنی روایات فرزندآوری*. نشریه علمی-پژوهشی حدیث پژوهشی، ۱۸(۹)، ۱۹۸-۱۹۹.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. نبی زاده، معصومه (۱۳۹۹). *آثار فرزندآوری و نقش آن در تحکیم خانواده*. نشریه خانواده در آیین فقه، ۵(۵)، ۱۶۳-۱۸۲.
۳۶. نجاریاغ سیاه، مریم (۱۳۹۵). *بررسی پیامدهای درون خانوادگی تک فرزندی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا. تهران.
۳۷. نوری، میرزا حسین (۱۳۶۵). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل البیت علیه السلام.



حضانة از کودکان معلول در اسلام و حقوق بین الملل بشر

سید محسن قائمی خرق^۱، محمد لری نژاد^۲، سمیه آقایی نژاد^۳

چکیده

با تحول رویکرد حاکم بر حقوق افراد معلول، از حقوق رفاهی و اعطای امتیازات موردی به حق محوری معلولان، الگویی از حضانة نسبت به کودکان معلول صورتبندی شده که با انگاره‌های فقهی همسویی دارد. براین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی حضانة کودکان معلول در اسلام و حقوق بین الملل به شیوه تحلیلی- اسنادی انجام شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که حضانة از محدوده روابط بینافردی (مولی علیه و ولی) خارج شده و به حوزه‌ای اصالتاً و بدو نظارت‌پذیر، تغییر یافته است؛ اما نه آنکه استثنائاً اقتضای نظارت داشته باشد. همچنین، اصل مصلحت به پیش شرط اقدامات حاضن نظر دارد و نه صرف عدم مفسده و لزوم عیان شدگی مصلحت و پایش مصلحت در همه مراحل (از جمله هدف اقدامات حاضن و نیز نتیجه اقدامات) از ویژگی‌های آن است. این رویکرد فقه اسلامی تا حدودی با رویکرد کنوانسیون حقوق افراد معلول ناهم‌سوست؛ زیرا براساس کنوانسیون، بایستی بهترین تفسیر از اراده و ترجیحات فرد معلول، جایگزین تعیین بهترین مصالح وی از سوی حاضن شود. براین اساس، اصل استقلال و مشارکت کودک معلول در تنافی با تشخیص مصلحت برای وی قرار می‌گیرد؛ به‌ویژه آنکه مشکلات مربوط به ارزش حقوقی گفتار کودک، چیستی و کیفیت مشارکت او را خدشه‌پذیر خواهد کرد. همچنانکه برخی سؤالات همچون صحت یا عدم صحت انتساب عمل حقوقی شکل‌گرفته بعد از مشارکت، به کودک معلول و در نتیجه امتناع یا امکان انحلال عمل حقوقی (در زمان کودکی و یا بعد از بلوغ) در حقوق بشر، نیازمند بازاجتهاد فقهی است. واژگان کلیدی: کودک معلول، حضانة کودک معلول، کنوانسیون حقوق افراد معلول، فقه اسلامی، تفسیر از اراده و ترجیحات فرد معلول، ارزش حقوق گفتار کودک.

1DOI: 10.22034/ijwf.2023.14728.2026

- نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵
 ۱. دکترای حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
 Email: m.ghaemi313@gmail.com ORKID ID: 0009-0000-5130-538x
 ۲. دکترای حقوق عمومی، دانشگاه آزاد واحد رفسنجان، کرمان، ایران.
 Email: lorinejad@gmail.com ORKID ID: 0000-0002-7986-7867
 ۳. دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آیت‌الله حائری یزدی، میبد، یزد، ایران.
 Email: aghai.somayeh@yahoo.com ORKID ID: 0009-0004-1811-4951

The Custody of Disabled Children in Islam and International Human Rights

Seyed Mohsen Ghaemi Kharegh¹, Mohammad Lorinejad², Somayeh Aghaeinejad³

With the evolution of the governing approach to the rights of disabled people, from welfare rights and granting case-by-case privileges to the rights-oriented of disabled people, a model of custody of disabled children has been formulated that is aligned with jurisprudential concepts. Therefore, the current research was conducted with the purpose of comparative investigation of the custody of disabled children in Islam and international law in an analytical-documentary way. The results of the investigations showed that custody has gone out of the scope of interpersonal relations (owner, guardian and parent) and has changed to an area that can be originally and primarily monitored and it refuses the one that exceptionally requires supervision. In addition, the principle of expediency refers to the precondition of the actions of the judge and not only the absence of corruption and the necessity of the expediency being evident and monitoring the expediency in all stages (including the purpose of the actions of the judge and the result of the actions) is one of its characteristics. This approach of Islamic jurisprudence is somewhat incompatible with the approach of the Convention on the Rights of Disabled Persons since according to the convention, the best interpretation of the will and preferences of the disabled person should be replaced by the determination of his best interests by the guardian. Therefore, the principle of independence and participation of a disabled child is in conflict with the recognition of expediency for him; especially, the problems related to the legal value of the child's speech will affect the nature and quality of his participation. Furthermore, other questions such as the accuracy or inaccuracy of attributing the legal act formed after participation to the disabled child and as a result the refusal or the possibility of dissolving the legal act (during childhood or after puberty) in human rights, require jurisprudential re-examination.

Keywords: disabled child, custody of a disabled child, convention on the rights of disabled persons, Islamic jurisprudence, interpretation of the will and preferences of a disabled person, value of a child's speech rights.

DOI: 10.22034/ijwf.2023.14728.2026

Paper Type: Research

Data Received: 2022 / 11 / 20 Data Revised: 2023 / 04 / 28 Data Accepted: 2023 / 05 / 15

1 . Ph.D. in Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: m.ghaemi313@gmail.com ORKID ID: 0009-0000-5130-538x

2.Ph.D. in Law, Islamic Azad University, Rafsanjan Branch, Kerman, Iran.

Email: lorinejad@gmail.com ORKID ID: 0000-0002-7986-7867

3. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Ayatollah Haeri Yazdi University, Meybod, Iran.

Email: aghai.somayeh@yahoo.com ORKID ID: 0009-0004-1811-4951

با نگرش عمیق به پدیده معلولیت روشن می‌شود که این پدیده، محرومیت‌های گوناگونی برای افراد معلول دارد و فشارهای مختلفی بر آنها وارد می‌کند. معلولیت پدیده اجتماعی اجتناب‌ناپذیری است و اقلیت بزرگی را شامل می‌شود. از این رو، ضروری است نظم حقوقی متفاوتی از سایر افراد برای معلولان در نظر گرفته شود به‌ویژه آنکه اگر کودکی بر مقوله معلولیت افزوده شود اقتضائات متفاوت‌تری را در پیشگاه قانون قرار خواهد داد. از جمله این مسائل، حضانت کودک معلول است که این مورد سه رویکرد و نظریه مطرح است: نخست، نظریه رفاه اجتماعی^۱ که برای معلولان امتیازات ویژه‌ای در نظر گرفته است تا آنها وضعیت رفاهی، اقتصادی و اجتماعی مطلوبی داشته و در تأمین نیازهای خود مشکلات کمتری داشته باشند. دوم، رویکرد برابری فرصت‌ها^۲ است که بر آن است تا تمام اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی برای برخورداری افراد معلول از فرصت‌های برابر با سایر افراد جامعه داشته باشد و برای نیل به این مقصود در صورت ضرورت، سیاست‌های ترجیحی اتخاذ یا منابع بیشتری به این افراد اختصاص یابد. سوم، نگاه حقوق بشری به معلولان است که در آن حقوق اشخاص معلول که بخشی از نظام کلی بشرند در کنار اقلیت‌هایی مانند زنان و کودکان مورد توجه قرار گرفته است. (یوسفیان، ۱۳۸۷)

رویکرد سوم به‌طور خاص در کنوانسیون حقوق افراد معلول و در قالب روح حاکم بر آن مورد توجه قرار گرفته است. تبصره ماده یک کنوانسیون حقوق افراد معلول مصوب ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ در توضیح مفهوم کلیدی کودکان معلول می‌گوید: «افراد معلول، اشخاصی را که دارای آسیب دیدگی‌های طولانی مدت جسمی، ذهنی، فکری و یا حسی هستند و تعاملشان با موانع مختلف از نظر مشارکت کامل و مؤثر بر اساس اصول مساوی با دیگران ممکن است مشکل‌آفرین باشد، شامل می‌شود». سازمان بهداشت جهانی با در نظر داشتن سه‌گانه اختلال، ناتوانی و معلولیت، معلول را با عبارات دقیق‌تری تعریف کرده است. بر اساس این تعریف، معلول فردی است که در اثر ضایعات، بیماری، حوادث یا کهنولت، بخشی از امکانات بدنی یا روانی خود را به‌طور دائم یا موقت از دست داده و استقلال فردی او در آموختن یا فعالیت کم شده

1. Social Welfare
2. Equalization of opportunities



است. در این تعریف، معلولیت یعنی، فقدان یا کاهش فرصت‌ها برای سهیم شدن در زندگی اجتماعی در سطحی برابر با دیگران (ر.ک.، سازمان بهداشت جهانی و...، ۲۰۱۱). اعلامیه حقوق معلولان ۱۹۷۵ میلادی معلول را هر فردی معنا می‌کند که به صورت کامل یا جزئی به دلیل نقص مادرزادی یا غیرمادرزادی در توانایی‌های جسمی یا ذهنی قادر به رفع نیازهای یک زندگی عادی شخصی یا اجتماعی نباشد (ر.ک.، اعلامیه حقوق...، ۱۹۷۵). ماده ۱ سند کنوانسیون حقوق افراد معلول^۲ نیز معلول را فردی با نواقص پایدار فیزیکی، ذهنی، فکری یا حسی می‌داند که در تعامل با موانع گوناگون امکان دارد مشارکت کامل و مؤثر وی در شرایط برابر با دیگران در جامعه متوقف شود. از سوی دیگر، مفهوم کودک نیز در الحاق به مفهوم معلولیت براساس ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است مگر آنکه براساس قانون قابل اجرا، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

پژوهش حاضر تحلیلی- اسنادی بوده و با تمرکز بر مطالعات کتابخانه‌ای بر محور بررسی فرضیه تعارض حکمی [و نه از نظر مبنا] حقوق بشر با فقه اسلامی در حوزه حضانت کودکان معلول انجام شده است. حقوق افراد معلول از منظر حقوق بین‌الملل در پژوهش‌های متعددی بررسی شده است (ر.ک.، قادری سیدفاطمی، ۱۳۸۷؛ رضائی قوام‌آبادی، ۱۳۸۵) که با نگاه به حقوق بشر عام معلولان و بدون اشاره به قشر کودکان و نیز مسئله حضانت نوشته شده است. برخی دیگر از این آثار که در بررسی تطبیقی ایران و کنوانسیون حقوق افراد معلول تمرکز یافته‌اند نیز به ضرورت‌ها و نقایص تقنینی و اجرایی کنوانسیون در ایران پرداخته‌اند (ر.ک.، نصیب، ۱۳۹۰؛ توسلی نایینی، ۱۳۸۷؛ یوسفیان، ۱۳۸۷). از بین نوشته‌های موجود، برخی آثار، حقوقی مانند حقوق آموزشی کودکان معلول را بررسی کرده‌اند (ر.ک.، رضایی و السان، ۱۳۸۷) و به بررسی تطبیقی میان فقه با حقوق بشر توجه نداشته‌اند. ساختار این پژوهش‌ها نیز ابتدا مفهوم کودکان معلول را تحلیل و پس از آن، الگوواره‌ها و اصول حضانت معلولان در حقوق بشر و سپس در اسلام (همراه با تطبیق و مقارنه با حقوق بشر) بررسی شده است.

1. World Health Organization & World Bank
2. Declaration on the Rights of Disabled Persons
3. Convention on the Rights of Persons with Disabilities

۲. چارچوب نظری پژوهش

۱-۲. حضانت کودکان معلول از نظر اصول بنیادین حقوق بشر

۱-۱-۱. اصل تصمیم‌گیری حمایت‌شده

اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق افراد معلول هرکدام تصریح می‌کنند که حق به رسمیت شناختن برابر در برابر قانون همه‌جا قابل اجراست. بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد که هیچ‌گونه انحرافی از این حق را حتی در مواقع اضطراری عمومی بر نمی‌تابد و به موجب بند ۴ ماده ۴ کنوانسیون، مفاد کنوانسیون حقوق افراد معلول از مقررات میثاق عدول نمی‌کند. نظریه شناسایی برابر در پیشگاه قانون براساس بند ۲۸ نظریه شماره ۱ کمیته حقوق افراد معلول در گرو هدم و انحلال نظام تصمیم‌گیری جایگزین و نه توسعه نظام تصمیم‌گیری حمایت‌شده به موازات حفظ نظام تصمیم‌گیری جایگزین است. کمیته حقوق افراد معلول، یکی از شکاف‌های موجود میان اهداف ماده ۱۹ و دامنۀ اجرایی آن را محرومیت از ظرفیت قانونی (چه در اثر قوانین و چه رویه‌های رسمی یا در عمل) نسبت به تصمیم‌گیری جایگزین در مورد ترتیبات زندگی افراد معلول می‌داند. وفق تصریح کمیته حقوق افراد معلول، مدل حقوق بشر در حوزه افراد معلول همسو با الگوواره تصمیم‌گیری حمایت‌شده^۱ به جای تصمیم‌گیری جایگزین^۲ است؛ یعنی حمایت در استفاده از ظرفیت قانونی باید به حقوق، اراده و ترجیحات افراد معلول احترام بگذارد و هرگز نباید جایگزین تصمیم‌گیری وی شود (کمیته حقوق افراد...، ۲۰۱۴^۳). کمیته در بند ۲۰ ملاحظات کلی شماره یک مطرح می‌کند که تمام تضمین‌های مناسب و مؤثر برای اعمال اهلیت قانونی که در کنوانسیون ذکر شده است باید با تضمین احترام به حقوق، اراده و ترجیحات افراد معلول باشد و بتواند به طور برابر با دیگران از سوءاستفاده محافظت کند. براساس بند ۲۱ اگر تعیین اراده و ترجیحات فرد معلول عملی نباشد باید بهترین تفسیر از اراده و ترجیحات فرد معلول جایگزین تعیین بهترین مصالح وی شود.

در نظریه کلی شماره ۱ کمیته حقوق افراد معلول در بند ۲۷ در توضیح ویژگی‌های

1. Supported decision making
2. The substitute decision-making paradigm
3. Committee on the Rights of Persons with Disabilities.



نظام تصمیم‌گیری جایگزین آمده است: «نخست، اهلیت حقوقی از یک شخص معلول سلب می‌شود؛ دوم آنکه، تصمیم‌گیرنده جایگزین می‌تواند توسط شخصی غیر از شخص مربوطه منصوب شود و این می‌تواند برخلاف میل او انجام شود؛ سوم آنکه، هر تصمیمی که توسط یک تصمیم‌گیرنده جایگزین گرفته شود اگرچه براساس تصور او باید در راستای بهترین منافع فرد مورد نظر باشد، جلوی تصمیم‌گیری براساس اراده و ترجیحات خود شخص معلول را گرفته است». در این میان، کودکان با ناتوانی‌های شناختی یا روانی اجتماعی بیش از سایر معلولان در اثر محرومیت از ظرفیت قانونی و رژیم تصمیم‌گیری جایگزین ضربه می‌خورند. از دیگر خصایص نظام جایگزین تصمیم‌گیری افزون بر ناسازگاری با ماده ۱۲ کنوانسیون می‌توان به نقض حریم خصوصی کودکان معلول از سوی تصمیم‌گیرندگان جایگزین به دلیل دسترسی به طیف گسترده‌ای از اطلاعات شخصی اشاره کرد. بر این اساس در نظام تصمیم‌گیری حمایت‌شده، دولت‌های عضو باید از حمایت‌شدگی حریم خصوصی توسط والدین حاضن اطمینان حاصل کنند (کمیته حقوق افراد..... ۲۰۱۴، بند ۴۷، نظریه شماره ۱).

۲-۱-۲. اصل جایگزینی ترجیحات فرد به جای مصالح عالیه

کمیته حقوق افراد معلول در بند ۱۶ نظر کلی شماره ۵ در سال ۲۰۱۷ مقرر می‌کند: «زندگی مستقل بدین معنی است که افراد معلول با تمام ابزارهای لازم قادر به اعمال انتخاب و کنترل بر زندگی خود و تصمیم‌گیری در مورد زندگی خود باشند. زندگی مستقل جزو اساسی استقلال و آزادی فرد است و لزوماً به معنای تنها زیستن نیست. همچنین نباید صرفاً به عنوان توانایی انجام فعالیت‌های روزانه توسط خود فرد تعبیر شود، بلکه باید به عنوان آزادی انتخاب و کنترل در راستای احترام به کرامت ذاتی و استقلال فردی که در ماده ۳ (الف) کنوانسیون تصریح شده است در نظر گرفته شود. استقلال به عنوان شکلی از خودمختاری شخصی به این معناست که فرد معلول از فرصت انتخاب و کنترل در مورد سبک زندگی شخصی و فعالیت‌های روزانه محروم نشود. از منظر کنوانسیون، زندگی مستقل به ترتیباتی خارج از مؤسسات مسکونی افراد معلول اشاره دارد چه آنکه منابع به جای ایجاد امکانات برای افراد معلول برای زندگی مستقل در جامعه در مؤسسات سرمایه‌گذاری می‌شود و این امر باعث رها شدن، وابستگی به خانواده، نهادینه شدن، انزوا و جداسازی شده است».

این کمیته در بند ۳ نظریه تفسیری شماره ۵، جایگاه اصل استقلال و شمولیت بخشی به معلولان در جامعه را تاحدی می‌داند که باید سایر اصول مندرج در کنوانسیون براساس این اصل و برای اجرای آن تفسیر شوند. همچنین، توانایی درک ترجیحات، انتخاب‌ها و تصمیمات، شرایطی ضروری برای کرامت انسانی و رشد آزادانه یک فرد معلول به شمار می‌آیند (کمیته حقوق افراد...، ۲۰۱۴، بند ۹، نظریه شماره ۱).

بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک از کشورهای عضو می‌خواهد اطمینان حاصل کنند که کودک برخلاف میل آنها از والدین خود جدا نمی‌شود مگر در مواردی که مقامات ذی‌صلاح در بازنگری قضایی تعیین کنند که چنین جدایی برای بهترین مصلحت کودک ضروری است. کشورهای عضو این کنوانسیون باید به والدین و قیم قانونی در اجرای مسئولیت‌های خود در زمینه تربیت فرزند کمک مناسبی ارائه کنند. علاوه بر این، بند ۱ ماده ۲۰ مقرر می‌دارد: «نمی‌توان [یک] کودک را به طور موقت یا به طور دائم از محیط خانوادگی خود محروم کرد یا به نفع منافع شخصی خانواده‌ها در آن محیط باقی بماند و از حمایت و کمک ویژه‌ای برخوردار خواهد بود که توسط دولت ارائه می‌شود. دولت مطابق با قوانین ملی، مراقبت جایگزین را برای چنین کودکی تضمین می‌کند. مراقبت‌های جایگزین ارائه شده به دلایل ناتوانی، تبعیض‌آمیز خواهد بود»^۱. در ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک در قالب اصلی‌ترین سند حمایت از کودکان به موضوع منفعت کودک توجه شده و از عبارت بهترین منافع یا مصالح عالیه کودک^۲ استفاده فراوانی شده است. کمیته حقوق کودک^۳ با تأکید بر بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک، این ماده را مقررهای اساسی در کنوانسیون خوانده و اذعان می‌کند که قاعده تأمین مصلحت کودک یکی از چهار اصل بنیادین کنوانسیون است و تمام حقوق کودک باید بر مبنای آن ارزیابی شود^۴، البته لفظ منفعت یا مصلحت در کنوانسیون به کلی و با ابهام بیان شده است تا شاید رهگذری بر این باشد که در سیستم‌های مختلف قضایی باتوجه به شرایط موجود به صورت مقتضی قابل تفسیر باشد. در بازگشایی مفهومی چیزی که فاعلان

1. See: Convention on the Rights of the Child, Article 20: " 1. A child temporarily or permanently deprived of his or her family environment, or in whose own best interests cannot be allowed to remain in that environment, shall be entitled to special protection and assistance provided by the State..."

2. Best interests

3. Committee on Rights of the child

4. See: CRC\c\GC14, 29MAY2013.



حقوق کودکان (از والدین و نهاد قضایی) باید آن را لحاظ کنند کنوانسیون حقوق کودک، مصادیق بهترین منفعت کودک را در ذیل ماده ۳ تشریح کرده است: «نخست اینکه» در انجام هر اقدامی که به کودک ارتباط دارد چه در بخش عمومی، خصوصی، اداری، غیراداری و یا هر بخش دیگر، مراعات نفع و تأمین سلامت کودک بر سایر مسائل مقدم است. [دوم اینکه] دولت‌های عضو این کنوانسیون موظفند با رعایت حقوق والدین و یا سرپرست از کودکان حمایت کرده و اقدامات لازم قانونی را انجام دهند. [سوم اینکه] دولت‌های عضو کنوانسیون اطمینان می‌دهند که نهاد‌های متکفل حمایت کودک، استانداردهای تعیین‌شده مربوط به تعداد و تخصص نیروی شاغل و تکنیک‌های موجود در مؤسسات را دارند و به‌طور ویژه در حوزه ایمنی و بهداشت نظارت کافی وجود دارد^۱.
مهمترین و رایج‌ترین منافع کودک در نظریه مشورتی شماره ۱۴ کمیته حقوق کودک عبارتند از: نظرات کودک و حق آزادی بیان او؛ هویت کودک از جمله سن، جنس، پیشینه شخصی و خانوادگی؛ مراقبت، نگاهداری و امنیت کودک؛ مقوله رفاه کودک؛ محیط خانوادگی، روابط خانوادگی و ارتباط با اعضای خانواده؛ ارتباطات اجتماعی کودک با گروه بزرگسال؛ وضعیت‌های حساسی مانند خطرات پیشروی کودک و راه‌های محافظت و تقویت توانمندی او؛ توانایی‌های کودک و حق بر سلامتی و تحصیل کودک. (کمیته حقوق کودک، ۲۰۱۳)
اصطلاح مصالح عالی‌ه کودک در بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون حقوق افراد معلول مطرح شده و بانام ملاحظه‌ای برتر^۲ در تصمیمات مربوط به کودک معلول مطرح شده است. کمیته CRC در تفسیر این اصل مقرر داشته است: «باید اقدامات مؤثر و ایجابی از سوی دولت، مجلس و دستگاه قضایی صورت گیرد» (کمیته سی‌ار سی، ۲۰۰۳)^۳. بااین وجود، معیاری برای تبیین مصالح عالی‌ه کودک معلول در CRPD ارائه نشده است، اما به نظر می‌رسد سه جایگاه در مورد این معیار قابل تصویر باشد: نخست آنکه، اصل مصلحت عالی‌ه همان است که در ماده ۳ کنوانسیون بیان شده است و تبیین مصادیق آن بسته به موضوع و فرهنگ کشورها متفاوت می‌شود. دوم آنکه، مصالح عالی‌ه شامل سه اصل دیگر کنوانسیون می‌شود و رعایت آنها در همه تصمیم‌گیری‌های مربوط به کودک لازم و ضروری است؛ سوم آنکه،

1. See: Convention on the Rights of the Child, Article 3.
2. Committee on the Rights of the Child
3. A Primary Consideration
4. CRC Committee

همه مواد موجود در کنوانسیون، مصادیقی از مصالح عالیه کودک بوده و ماده ۳ تنها این اصل را معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، مصالح عالیه بیانگر روح حاکم بر کنوانسیون بوده که در ماده ۳ تجلی یافته است (غنی‌زاده باقی، ۱۳۹۶). نکته دیگر در مورد مصالح عالیه کودک معلول آن است که این مصالح در هرنوع از انواع معلولیت و آسیب‌پذیری‌ها متفاوت با سایر انواع آن است. براین اساس، سیاست‌گذاران باید به موقعیت آسیب‌پذیر کودک و سطح آسیب‌پذیری توجه کنند. بنابراین، بهره‌گیری از گروهی متشکل از رشته‌های مختلف برای شناسایی تاریخچه زندگی کودک و شخصیت و شرایط او ضروری به نظر می‌رسد.^۱

۲-۱-۳. اصل مشارکت و حق شنیده شدن کودک معلول

کمیته در بند ۱۳ با تمایز میان دو مفهوم اهلیت قانونی^۲ و اهلیت ذهنی^۳ بیان می‌کند که مورد اول به معنای مشارکت معنادار در جامعه است و براساس بند ۱۴ همین نظریه حقی ذاتی است، ولی مورد دوم به مهارت‌های تصمیم‌گیری یک فرد اشاره دارد که به طور طبیعی از فردی به فرد دیگر متفاوت بوده و متأثر از عوامل محیطی، اجتماعی و... است و نمی‌تواند دلیل مشروعی برای انکار اهلیت قانونی (اعم از مقام حقوقی فرد و نمایندگی حقوقی) قرار گیرد. در غیر این صورت با ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت منافات دارد. اهلیت حقوقی این حق را به شخص می‌دهد که با حمایت کامل سیستم حقوقی از حقوق خود برخوردار شود. اهلیت قانونی برای اقدام براساس قانون، آن شخص را عاملی با قدرت انجام معاملات و ایجاد، تغییر یا پایان دادن به روابط حقوقی می‌شناسد (کمیته حقوق افراد معلول، بند ۱۲، نظریه شماره ۱). براین اساس، مفهوم اهلیت قانونی، دو عنصر جایگاه قانونی برای داشتن حقوق و داشتن شخصیت حقوقی در برابر قانون را شامل می‌شود مانند داشتن شناسنامه و نیز عنصر نمایندگی قانونی برای اقدام در مورد آن حقوق و به رسمیت شناختن آن اقدامات توسط قانون. براساس گزارش کمیته در بند ۱۴ نظریه کلی شماره ۱، این عنصر دوم است که انکار می‌شود و در مورد افراد معلول کاهش یافته است.

کنوانسیون افراد دارای معلولیت در بند ۵ ماده ۱۲ این قید مهم را در مورد اقدامات

1. See: Committee on the Rights of the Children, Op.cit, p16..

2. Legal capacity

3. Mental capacity



سرپرست کودک معلول مقرر می‌کند: «کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که افراد معلول در کنترل امور مالی و دسترسی برابر به وام‌های بانکی، رهن و سایر اشکال اعتبار مالی و... خودسرانه از اموال خود محروم نمی‌شوند». کمیته حقوق افراد معلول در بند ۷ همان نظریه مقرر می‌کند: «کشورهای عضو [از جمله ایران] باید همه زمینه‌های قانون را به طور جامع بررسی کنند تا اطمینان حاصل شود که حق افراد معلول برای داشتن ظرفیت قانونی بر مبنای نابرابر با دیگران محدود نمی‌شود». این کمیته در بند ۲۶ نیز اعلام کرده است: «دولت‌های عضو باید قوانینی را که اجازه قیومیت را می‌دهد بررسی کرده و برای جایگزینی رژیم تصمیم‌گیری حمایت شده به جای تصمیم‌گیری جایگزین اقدام کنند». براساس بند ۲۲ دستگاه‌های قضایی باید تضمین‌های اعمال اهلیت حقوقی توسط معلولان یعنی، محافظت از ایشان در برابر نفوذ ناروا را در نظر گیرند. همچنین حق خطر کردن و اشتباه کردن را نیز برای معلولان شناسایی کند. براین اساس، باید به جای سلب توانایی افراد معلول نسبت به مسائل مالی، حمایت از اعمال اهلیت قانونی صورت پذیرد. در مورد خدمات حمایتی ارائه شده به معلول نیز براساس بند ۱۶ و ۲۱ نظریه کلی شماره ۵ کمیته حقوق افراد معلول، باید این خدمات با رضایت وی ارائه شده و فرد معلول همیشه محور تصمیم‌گیری‌های مربوط به این خدمات باشد؛ یعنی هرگونه درخواستی باید به او ارائه شود و ترجیحات فردی وی مراعات شود. در بند ۵۶ نظریه آمده است: «دولت‌های عضو باید از نزدیک با طیف متنوعی از افراد معلول از طریق سازمان‌های نماینده خود در تمام جنبه‌های زندگی مستقل در جامعه مشورت و فعالانه مشارکت کنند».

براساس بند ۶۱ نظریه کلی شماره ۶ این کمیته باید از مشارکت کامل افراد معلول در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها اطمینان حاصل شود.^۱ در ماده ۴ کنوانسیون نیز در راستای لزوم استماع و دخالت معلولان و کودکان معلول در تمام فرآیندهای تصمیم‌گیری مقرر شده است: «برای اجرای کنوانسیون حاضر در توسعه و اجرای سیاست‌ها و قوانین و سایر روندهای تصمیم‌گیری مربوط به افراد معلول، دولت‌های عضو از نزدیک با افراد معلول و کودکان معلول توسط سازمان‌هایی که نمایندگی آنها را به عهده دارند، مشورت نموده و آنها را به طور فعال به کار گیرند».

1. See: CRPD/C/GC/5, paragraph 61.

این بند ازسویی با بند h ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک مرتبط است که براساس آن همه تلاش‌ها برای حمایت از کودک باید برای افزایش ظرفیت‌های ایشان برای تصمیم‌گیری مستقل باشد، البته اجرای این امر ممکن است نیازمند ابزارهای کمکی، کمک‌های تعاملی و مفسران با سطح مهارت بالا باشد^۱. بدیهی است که تحقق این امر نیازمند حمایت از کودک و آموزش سایرین در جدی گرفتن دیدگاه‌های کودک دارد، ولی کودکان در رویه قضایی به حاشیه رانده می‌شوند و در مداخلات پزشکی نیز نظر ایشان و رضایتشان مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد.

در ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق افراد معلول برای نظارت ملی بر اجرای کنوانسیون باید چارچوبی ازجمله یک و یا چند سازوکار مستقل برای ارتقا و حمایت و نظارت بر اجرای کنوانسیون ایجاد شود. در این سازوکار نظارتی که بنابر کنوانسیون می‌تواند توسط یک رکن قضایی انجام شود (ماده ۱۲) در روند نظارتی، جامعه مدنی و به‌ویژه افراد معلول و سازمان‌هایی که نماینده آنهاست باید به‌طور کامل شرکت کنند. در بند ۵۶ نظریه کلی شماره ۷ کمیته حقوق افراد معلول تأکید شده است: «سیستم‌های نظارت و ارزیابی باید میزان مشارکت سازمان‌های افراد معلول را در همه سیاست‌ها و برنامه‌ها بررسی کرده و از اولویت دادن به دیدگاه‌های این افراد اطمینان حاصل کنند»^۲.

۲-۱-۴. حق بر زندگی خانوادگی کودک معلول

یکی از حقوق مهم در کنوانسیون حقوق کودک، حق بهره‌مندی از خانواده و قرارگرفتن در سرپرستی آنها، عدم جدایی از والدین، حفظ روابط شخصی و تماس مستقیم با والدین به‌طور منظم است. (وودهاوس^۳، ۱۹۹۹) در ماده ۵ کنوانسیون مسئولیت اولیه دولت درقبال کودک، احترام به نقش خانواده هسته‌ای و خانواده گسترده و اجتماعی است که کودک در آن زندگی می‌کند. ماده ۲۰ نیز اصل را بر لزوم عدم جدایی موقت یا دائم از محیط خانواده طبیعی گذاشته است (موسوی و ابراهیمی، ۱۳۹۹؛ توتونچیان و سرشار، ۱۳۹۹). در ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق افراد معلول بانام احترام به خانه و خانواده برای جلوگیری از ترک، غفلت و تفکیک کودکان

1. See: UNGA, 2010, Para. 33/t
2. See: CRPD/C/GC/7
3. Woodhouse, B. B.



معلول از دول عضو خواسته شده است تا اطلاعات و خدمات لازم را به کودک و خانواده آنها بدهد. بند ۴ ماده ۲۳ نیز جدا کردن کودک از خانواده را در شرایطی که در راستای مصالح عالیه وی باشد تجویز کرده و جدایی از والدین را به دلیل معلولیت او یا والدین ممنوع می‌کند. بنابراین، حق بر زندگی خانوادگی به اندازه‌ای مهم است که در بند ۵ ماده پیشین، دولت‌ها مکلف شده‌اند در صورت ناتوانی والدین، کودکان را برای مراقبت‌های جایگزین در درون خانواده بزرگ‌تر و درغیراین صورت در جامعه در شرایط خانوادگی قرار دهند. با تحول در نظام حقوقی حضانت در کنوانسیون حقوق کودک، نظام حضانت با محوریت والد به نظامی با مرکزیت کودک و مصالح عالیه او تبدیل شد. چنان‌که بیان شد باید به این اصل در قالب الگوواره‌ای حاکم در تمام تصمیمات مربوط به کودک نگریست. براین اساس، عمده راهکاری که در حوزه حضانت مناسب تشخیص داده شده است حضانت مشترک در برابر حضانت منفرد است که براساس آن، والدین هر دو مسئولیت نگهداری و مراقبت از کودک را دارند. این رویکرد زمینه همکاری والدین را درباره مصالح عالیه کودک فراهم می‌کند. به گفته بسیاری از فُضات، کودکان تا زمانی که با هر دو والدین در ارتباط می‌باشند، سالم‌ترند (بث^۱، ۱۹۸۷).

۲-۲. نظام حقوقی حضانت کودکان معلول در اسلام

۲-۲-۱. اصل حیات خانوادگی کودکان معلول

در مورد حضانت بر کودکان معلول توسط پدر و مادر، ماهیت فقهی حضانت باید واکاوی شود، البته پیش از آن باید توجه داشت که اصرار اسلام بر انسجام خانواده و پیشگیری از وقوع طلاق بنابر حکمت‌هایی مانند اثرگذاری بر سرنوشت کودکان، نهی ارشادی شده و مغبوض است. در مورد ماهیت حضانت در نصوص فقهی، حضانت هم حق و هم تکلیف قلمداد شده است. (شهید اول، ۱۴۱۴ ه.ق، ۱/۳۹۶). اکنون سخن این است که آیا ماهیت حضانت در مورد کودکان معلول، طبیعت و موضوع حکم جداگانه‌ای است یا خیر (فارغ از آنکه حضانت از جمله ولایت دانسته شود و یا غیر آن). به نظر می‌رسد که اگر بتوان معلولیت فرزند و سختی شرایط نگهداری ایشان را مصداق اضطرار قرار داد باتوجه به آنکه به تعبیر شیخ انصاری این قاعده مضطر را از موضوع حکم خارج می‌کند (ر.ک.، انصاری، ۱۴۱۹ ه.ق، ۲/۲۸)

1. Beth I. M.

امکان سلب حضانت ازسوی حاضن در موارد معلولیت شدید شناسایی شود. براساس آیه: «لَا تَضَارُّ وَالِدَةَ بَوْلَدِهَا وَلَا مَوْلُودَ لَهُ بَوْلَدِهِ» (بقره: ۲۳۳) باید در اتخاذ راهکار مناسب و متوازن تلاش کرد به طوری که کودک نه ضار واقع شود و نه مضور.

در مورد حضانت افراد معلول باید توجه داشت که برخی نظرات، ماهیت حضانت را به طور کلی از قبیل حق اولویت برای والدین دانسته و در صورت پذیرش حضانت ازسوی یک نفر این تکلیف از عهده پدر و مادر ساقط است و در غیر آن، واجب عینی بر ایشان خواهد بود. (نجفی، ۱۳۸۷/۳۱/۲۸۴) در کتب فقهی در مورد بیماری حاضن و تأثیر آن بر سقوط حضانت بحث شده است، اما در مورد فرض نوشتار حاضر سخنی به میان نیامده است و به نظر می رسد عموماً اضطرار و عسر و حرج در اینجا جریان دارد. در اجرای قاعده باید توجه داشت که میان ضرر ناشی از حضانت با ضرر ناشی از رها کردن فرزند^۱ و تکیه بر مؤسسات نگهداری معلولان نسبت سنجی شده و اهم و مهم صورت گیرد. توانمندسازی خانواده های معلول توسط حاکمیت نیز باعث عدم صدق شرایط اضطرار بر مورد می شود. کنوانسیون حقوق کودک جداسازی کودکان از والدین را فقط در صورت اقتضای مصالح کودک به رسمیت می شناسند^۲ و فرض عسر و خرج والدین را در نظر نمی گیرند.

برخی رویکردهای فقهی نیز مستند به اطلاق ادله حضانت و اجماع برآنند که در صورت حاصل شدن مقصود از حضانت که تسلط بر امور پرورشی و تربیتی طفل است دلیلی بر وجوب مباشرت پدر و مادر در حضانت وجود نداشته و در کنار اینکه حق حضانت از ایشان ساقط نمی شود، مباشرت در حضانت نیز برعهده ایشان نیست. (سبزواری، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲۵/۲۸۰) براین اساس، حمایت قضایی باید در رفع این تراحم میان حق کودک معلول و نیز حق خانواده ها بنا بر آنکه بتوان حقی را نسبت به آنها در حضانت و سرپرستی از کودک معلول تصویر کرد و آن را تکلیف محض به شمار نیاورد، بتواند درعین حکم به حق بر خانواده برای معلول به توانمندسازی خانواده نیز توجه کند؛ زیرا کودکان معلول نیازمند توجه و مراقبت

1. See: <https://www.farsnews.ir/news/13970808000086>

2. See: Convention on the Rights of the Child, General Assembly resolution 44/25, adopted 20 November 1989, Article 9: "1. States Parties shall ensure that a child shall not be separated from his or her parents against their will, except when competent authorities subject to judicial review determine, in accordance with applicable law and procedures, that such separation is necessary for the best interests of the child..."



بیشتری ازسوی والدین، آن هم برای بازه زمانی طولانی تری هستند و این عوامل می تواند موجب ایجاد فشار برای خانواده ها و تأثیرپذیری روابط زناشویی و خانوادگی ایشان شود. براین اساس، حکومت ها باید تلاش کنند که از رهگذر توانمندسازی خانواده هایی که کودک معلول دارند وقوع حالت اضطرار و عسرو حرج برای خانواده ها را ممتنع و یا به تأخیر اندازند تا حق اساسی و بنیادین کودک معلول مبنی بر زندگی در خانواده از وی سلب نشود.

ولایت انگاری مقوله حضانت نیز می تواند به حمایت حقوقی سخت از بقای کودک معلول در محیط خانواده منجر شود. عبارت متواتر «مادام الولد فی الرضاع فهو بین الابوين بالسوية» در روایات (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۹۱/۱۵) که قابلیت طرح در قالب یک قاعده فقهی را دارد نیز می تواند حق بر زندگی خانوادگی کودک معلول را ترسیخ و تثبیت کند. باید توجه داشت که بالسویه در این عبارت برخلاف توجیه روایی برخی بزرگان مانند صاحب جواهر ناظر به این مطلب نیست که شیر از مادر باشد و پول از پدر^۱. اگرچه امتداد این قاعده تنها نسبت به دوران شیرخوارگی کودک است، ولی نسبت به دوران پس از آن نیز نظام حضانت تک والدی باوجود تصریح در روایات، امری است که از دقت اجتهادی به دور است و باید تأملی دقیق بر آن داشت. در برخی روایات ناظر به حضانت تک والدی مانند روایت داود بن حصین (ر.ک.. حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۹۱/۱۵) قیدی حاکم بر اولویت پدر یا مادر در امر حضانت مطرح شده است و آن بنابر عبارت «الا ان ذلک اخیّر له و اقدم و ارفق به یترب من امه» مصلحت و منفعت طفل است. ازاین رو، حق زندگی خانوادگی کودک که در بسیاری از موارد نیز خواسته کودک و نیز مصلحت حتمی وی است باید ملاک تصمیم گیری در مورد او باشد.

مدلول متعارض روایات در مورد حضانت طفل، هرکدام دیدگاه یا نظریه ای در فقه امامیه دارد از جمله، تقدم مادر نسبت به پسر تا دوسالگی و نسبت به دختر تا هفت سالگی. درحالی که نسبت به برخی از این شیوه های جمع میان روایات متعارض، برخی فقها واکنش نشان داده اند و این قبیل جمع را فاقد مستند روایی و از نوع جمع تبرعی (سبزواری، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۵/۲۹۳) و یا استحسان عقلی فاقد ارزش دانسته اند (خوانساری، ۱۳۵۵؛ آشتیانی، ۱۴۰۷ هـ.ق). با بررسی روایت های باب حضانت می توان دریافت که اصل تنافی میان مدلول این روایات

1. See: <https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/mazaheri/feqh/91/920126>

وجود ندارد و همه این ادله، فقط به یک مناط کلی رهنمون می‌شوند که عبارت است از: لزوم انگاشت مصلحت کودک در هر مورد و روایات به ظاهر مختلف نیز هریک مانند قضایای خارجیه‌ای و قضایی هستند که از امام در مقام حل و فصل منازعه میان مردم و نیز تشخیص موردی مصلحت صادر شده‌اند. از این رو، قضایای حقیقیه‌ای نیستند که بتوان برای استخراج حکم به نص آنها عمل کرد. بر فرض آنکه چنین طبیعتی نیز برای این روایات در نظر گرفته نشود تعلیق مذکور در انتهای روایت داوود بن حصین نشان از حاکمیت و اصل بودگی مصلحت طفل در تعیین حاضن است و حکم کلی و تصمیم یکسان در مورد همه کودکان به اینکه «همه محکوم به حضانت مادران هستند» یا «همه محکوم به حضانت پدران هستند» و یا تفکیک سنی و یا جنسیتی در مقوله حضانت نمی‌تواند همه تفاوت‌ها را پوشش دهد. مصلحت نیست که با احکام کلی، تفاوت‌ها را از نظر دور داشت و حکم کلی بر همه مصادیق از جمله کودکان معلول جاری کرد. به نظر می‌رسد اختلاف در روایات نیز ناظر به اختلاف مصالح کودکان است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که کنوانسیون حقوق افراد معلول و نیز کنوانسیون حقوق کودک در حوزه حق زندگی خانوادگی کودک به مقوله مراقبت‌های خانواده جایگزین و یا شبه خانوادگی بی‌توجه بوده‌اند. اگرچه اعلامیه اصول اجتماعی و قانونی سال ۱۹۸۶ درباره حفاظت و رفاه کودکان در ماده ۴ در پی نهادهای سازی حقوقی این امر بوده است، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان معتقدند که تبعیض در خانواده و زندگی با ناپدیری در فراهم کردن زمینه‌هایی مانند بزه و بزه‌دیدگی مؤثر است. (اشراقی، ۱۳۸۲) همسو با این مؤلفه، فقها در مورد خانواده‌ای که کودک باید در آن رشد کند نیز نکات قابل تأملی را مطرح کرده‌اند از جمله اینکه فرزند در همان خانواده نسبی خود زندگی کند. به عبارت دیگر، اولویت حضانت با مادر در صورت ازدواج با همسر دیگری غیر از پدر کودک ساقط می‌شود (مگر در صورت فوت پدر کودک) (آملی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۴۶۹/۲؛ حلی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۴/۳)؛ چه آنکه ازدواج زن با شخص دیگری وی را به ادای حقوق زناشویی نسبت به مرد مشغول کرده و وی را از رسیدگی به امور کودک خود بازخواهد داشت (شهیدثانی، ۱۳۶۷). فقها در صورت نبود والد یا والدین با سپردن حضانت به جد پدری یعنی، خویشاوند والدین، خانواده جانشین دیگری را برای کودک در نظر



گرفته‌اند. در صورت نبود هیچ‌یک از مراتب شایسته حضانت در فقه، اولویت بخشی اعطای حضانت به خویشاوندان والدین کودک و در صورت نبود این مرتبه نیز فرزندخواندگی و اعطای سرپرستی به خانواده جانشین، حق کودک بر زندگی خانوادگی را بهتر می‌تواند تأمین کند. بنابراین، زندگی در یک مؤسسه مناسب دولتی باید از نظر اولویت در مرتبه متأخر از همه اینها قرار گیرد. در تعلیل نکات پیش‌گفته باید گفت که مقصد اساسی شارع و مذاق وی آن است که کودک معلول به دلیل شرایطی استثنایی تاحد ممکن، فضایی امن و پرمهر داشته باشد و نیازهای این کودک تنها در حد امکاناتی که بتواند وی را در شرایطی مثل دیگر کودکان سالم قرار دهد نیست، بلکه شرایط استثنایی وی، نیاز وی به محبتی از جنس محبت مادرانه و پدرانه را تشدید می‌کند که حتی پس از جدایی والدین از یکدیگر باید از راه ترتیبات ملاقات به صورت مستمر، مستقیم، شخصی و منظم تأمین شود.

۲-۲. اصل مصلحت در رفتار با کودکان معلول

در مورد تفاوت موضع اسلام و حقوق بشر باید توجه داشت که برخلاف حقوق بشر که در این مورد به بهترین منفعت کودک توجه دارد، مصلحت در اسلام واژه‌ای تعلیمی است. این واژه واقعیتهایی مشتمل بر عدالت، حکمت، عدم مفسده و غبطه را ادا و از همه این مسائل نمایندگی می‌کند. (علی دوست، ۱۳۹۶) حقوق اسلامی، مصلحت را در زندگی مشترک کودک، معلول والدین وی می‌داند. در حقوق اسلامی در مورد جایگاه مصلحت، سه رویکرد وجود دارد: اول) نظریه نخست، اعمال ولایت بر صغیر را منوط به رعایت مصلحت می‌داند. بدیهی است که در این نظریه، انطباقی با رویکرد کنوانسیون‌ها دیده نمی‌شود و مصلحت نه در قالب قاعده و نه شرط و نه الگوواره ملاحظه نمی‌شود. در این نظریه برخلاف نظریات بسیاری از فقها فقدان مفسده کافی است و نیازی به وجود مصلحت نیست (انصاری، ۱۴۱۱ ه.ق، ۱۵۲/۱؛ نجفی، بی‌تا، ۳۳۲/۴۳؛ آملی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۳۳۱/۲). براساس این نظریه، اطلاقاتی در ادله وجود دارد که دلالت بر عدم تقیید تصرفات حاضن و ولی به احراز مصلحت است (حراملی، ۱۴۰۹ ه.ق). در این نظریه، نیازی به تلاش برای جست‌وجوی بهترین منافع کودک معلول وجود نیست، بلکه همین‌که مفسده‌ای بر آن مترتب نشود کافی است. براین اساس، نیازی به شنیدن اظهار نظر کودک و یا هماهنگی با سازمان‌های توان‌بخش و یا سایر نهادهای فعال در حوزه معلولیت

و بهزیستی نخواهد بود، ولی به نظر می‌رسد با وجود آیات «لا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن» (انعام: ۱۵۲) اطلاعات مدنظر نظریه اول، ناصحیح بوده و توهّم خواهد بود (انصاری، ۱۴۲۲). دوم) در نظریه دوم، وجود مصلحت ضرورت دارد. (حسینی مراغی، ۱۴۱۸ هـ.ق؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ هـ.ق؛ حلی، ۱۴۱۰ هـ.ق) در همین نظریه که رعایت مصلحت را شرط اعمال حضانت قرار می‌دهد باید توجه داشت که فقها از واژه غبطه استفاده کرده‌اند (ر.ک.، محقق کرکی، ۱۴۱۴ هـ.ق). بنابر نتیجه ملاحظات لغت‌شناسی، واژه غبطه منتج بدان می‌شود که باید حاضن در اعمال حضانت رصد کند و منتظر عیان شدن مصلحت برای مراعات آن نباشد. این نظریه نیز مستند به اجماع (ر.ک.، انصاری، ۱۴۲۲؛ مراغی، ۱۴۱۷) و ظواهر ادله (ر.ک.، نجفی، ۱۳۶۷) است؛ چه آنکه متیقن از ادله ولایات، حصول اصلاح در نفس و مال به دست ولی است و اگر قرار بود که عدم مفسده کافی باشد نیازی به تشریع ولایت نبود.

سوم) در دیدگاه سوم که قابلیت طرح دارد غبطه و مصلحت خصلت الگواره‌ای در فقه خواهد داشت؛ یعنی که فراتر از قاعده بر سراسر فقه سایه افکنده و دین در چهارچوب آن فهم می‌شود و قوانین و مقررات و حمایت قضایی نیز اگر بدان منتهی شود، پذیرفتنی خواهد بود. این دیدگاه از نظر نتیجه، حتی آثاری فراتر از نتیجه رویکرد دوم نسبت به کودکان معلول دارد.

۲-۳- توجه به ترجیحات معتبر کودک معلول

برخی از فقها مصلحت را امری شخصی و در حیطه تشخیص عرفی ولی قرار داده‌اند. (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲/۲۵۳) از این رو، مفهومی سیال، منعطف و نظارت‌گریز است و سخت می‌توان از رهگذر نظارت قضایی برای ارزیابی تصمیمات ولی و سایر سرپرستان کودک معلول، اقدامی دقیق و با ملاحظه مصالح کودک انجام داد. افزون بر مصالح شخصی هر کودک، مصالحی نوعی از نظر انسان بودن و داشتن غایات مشخص نیز وجود دارد که چنانچه از نظر فقهی به آن توجه شود، می‌تواند درجه‌ای از دغدغه‌های کنوانسیون حقوق افراد معلول و نیز مذاق شارع را مرتفع کند. در تعریف مصالح عالیّه کودک معلول باید توجه داشت که تعریف این مناسبات از منظر کودک، والدین، قضات و فعالین حقوقی متفاوت است. از آنجاکه کودک معلول با توجه به نوع و شدت معلولیت خود می‌تواند زندگی نباتی تا زندگی فعال و بانشاط





را تجربه کند (کمالی و ایران، ۱۳۸۲) قضات در زمان تعیین بهترین مصلحت کودک بر کاستی‌های والدین تمرکز می‌کنند و یا حتی بر حق فرد معلول بر خانواده درحالی‌که والدین ممکن است برای تعریف بهترین مصلحت کودک بر نیازهای کودک و توانمندی‌های خود برای رفع این نیازها و یا بالعکس بر رها کردن فرزند معلول تکیه کنند.

براساس آنچه گفته شد اگر رویکرد ضرورت احراز مصلحت و یا ماهیت الگوارگی مصلحت درپیش گرفته شود که در آن، رعایت مصلحت شرط اعمال حضانت است، باید حاضن در اعمال حضانت، غبطه را رصد کند و منتظر عیان شدن مصلحت برای مراعات آن نباشد. این منظور می‌تواند زمینه را برای لزوم همکاری والدین کودک معلول یا سرپرستان وی با دیگران و نیز توجه به اراده و ترجیحات فردی کودک معلول برای تشخیص غبطه فراهم و زمینه را برای نظارت قضایی بر تشخیص والدین و قیم کودک معلول تقویت کند. بدیهی است که در صورت عدم رعایت مصلحت، ولایت نفی خواهد شد چه آنکه ولایت مشروط به رعایت مصلحت مولی علیه است. بنابراین، همه این گزاره‌ها به نوعی هادی ولی برای احتراز از یک جانبه‌گرایی و تک‌روی در تشخیص مصلحت کودک معلول خواهد بود. مصلحت مورد نظر در فقه اسلامی مصلحت دائمی است و نه مصلحت بدوی که استمرار نداشته باشد. دوم اینکه، از شرایط قابلیت اعمال بهترین منفعت در فقه اسلامی ضرری نبودن آن است. براساس قاعده اهم و مهم که تقییدی بر منفعت است باید به اهم عمل کرد. این نکته نیز ضرورت دارد که مفهوم منفعت و بهترین آن، امری تشکیکی، طیفی و تفسیربردار بوده و از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر تغییرپذیر است. سوم اینکه، باید توجه داشت برخی از فقها به عدم نفوذ تصرفات ولی نسبت به زمان بعد از بلوغ معتقدند هرچند مصلحت فعلی یا آینده مولی علیه نیز مراعات شده باشد (ر.ک.، شهیدثانی، ۱۴۱۴هـ.ق؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹هـ.ق، ۵۸۵/۲؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸؛ ۹۹/۳؛ خویی، بی‌تا، ۱۴۷/۲). در این نظریه هرچند ترجیحات فردی کودک معلول لحاظ نشده باشد و یا وی در ترجیحات خود دچار تردید و تغییر دیدگاه شود، می‌تواند نسبت به اعمال حقوقی، بعد از بلوغ، فسخ را اعمال کند. وفق رویکرد دوم، چنان‌که مصلحت کنونی کودک معلول توسط ولی رعایت نشده باشد هرچند مصلحت آینده او مراعی باشد بعد از بلوغ، فرد معلول می‌تواند استمرار آن وضعیت حقوقی

را اجازه ندهد (ر.ک.، موسوی خمینی، ۵۷۵/۱، ۱۳۶۷؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۱/۳۶۳). نظریه سوم نیز قائل است که اگر در احراز مصلحت، مصلحت آینده کودک دیده نشده باشد یا براساس آن اقدام نشده باشد فرد معلول بعد از بلوغ می‌تواند آن اقدام را رد کند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۵/۳۱). در نظریه سوم مورد می‌توان وجه مشترک این چند نظریه را با تمرکز بر نقطه قانونی قائل شدن حق برای فرد معلول بالغ در مورد اظهارنظر در سرنوشت خود پذیرفت. اول، از باب مناسبت حکم و موضوع، ولی، ولایتی نسبت به منافع پس از زمان بلوغ ندارد و ولایت وی محدود به منافع زمان صغر است. (غروی اصفهانی، ۱۴۰۹ ه.ق) دوم، اصل عدم ولایت کسی بر دیگری نیز مؤید لزوم شنیدن رأی کودک معلول پس از دوره بلوغ است؛ سوم، منافع بعد از بلوغ فرد معلول از اموال محجور نیست تا ولی بتواند در آنها تصرف داشته باشد و مبرهن است که حق تصرف ولی محدود به اموال محجور است (غروی اصفهانی، ۱۴۰۹ ه.ق). شنیده نشدن اظهارنظر فرد معلول پس از بلوغ سلب حق از وی است که مشروع نیست. به موجب ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک، شنیده شدن کودک باید متناسب با میزان پختگی و فهم کودک باشد. سن پایین کودک و عدم بلوغ او نباید سبب کم‌اهمیتی گفتارش شود و او را از حق شنیده شدن محروم کند.^۱ در اسلام نیز تمایز میان کودک ممیز و غیرممیز در صحت و نفوذ تصرفات حقوقی (خوانساری، ۱۳۵۵، ۳/۷۷) همان اثردهی و ارزش‌گذاری حقوقی براساس میزان پختگی و درجه فهمی است که در کنوانسیون نیز ذکر شده است. حق شنیده شدن کودک در پی مرکزیت بخشیدن به کودک و شناسایی کودکان معلول در قالب دارنده حق است به طوری که قضات به صورت فعال، ادعاهای ایشان را بر مبنای حقوق مستقل شناسایی می‌کنند و نه آنکه گذرا از آن عبور کرده یا ناچیز به شمار آورند و یا آن را جزو حقوق و منافع والدین بدانند و بررسی کنند. فرض دیگر که می‌تواند بسته به پاسخ، تقدم یکی از دو اصل مطرح شده در نوشتار حاضر را سبب شود تزامن میان ارزش‌گذاری تمایلات کودک و حق بر زندگی خانوادگی اوست. از نظر فقهی آیا می‌توان به اعراض کودک معلول از ولایت و حضانت والدین اثر حقوقی قائل شد؟

حضانت، ماهیتی مانند حق و تکلیف دارد و به نظر می‌رسد روی دیگر آن نسبت به

1. See: Children's Bureau. 'Determining the best interests of the child', Department of Health and Human Services, Child Welfare Information Gateway 2016, 3. Available at: www.childwelfare.gov.



کودک نیز چنین باشد و نمی‌توان با تمسک به اصل توجه به ترجیحات و اراده فردی کودک معلول، حضانت را قابل اعراض دانست. اگرچه فقها در مورد اسقاط حضانت ازسوی والدین یا یکی از آنها بحث کرده‌اند، اما اعراض از آن ازسوی فرزند موضوع بحث واقع نشده است. به نظر می‌رسد که مانند سایر تصرفات تا زمان بلوغ، این حضانت باید استمرار داشته باشد. توجه به این نکته نیز مهم است که اگر بتوان پیوند حضانت میان فرزند معلول با والدین را رابطه‌ای خصوصی دانست (نه چنان‌که مرتبط با حریم عمومی و حقوق عمومی باشد) در صورت اذن طرف مقابل (والدین و یا یکی از آنها که در آن زمان حاضن باشد) باید بتوان به رفع رابطه حضانت باور داشت. در این مورد دو مانع نقصان اراده حقوقی کودک و وجود حق برای ذینفعانی مانند والدین و یا یکی از آنها وجود دارد که با اذن ایشان، این دو مانع رفع می‌شود. بدین سان می‌توان به همسویی دو اصل حقوقی مطرح شده در حوزه کودک معلول (زندگی خانوادگی و توجه به ترجیحات فردی کودک معلول) دست یافت. فقها اذن ولی یا انجام امر به وکالت ازسوی ولی را سبب نفوذ تصرفات کودک و این امر را قیدی بر اطلاق موجود در روایات مستفیضه‌ای مانند «إِذَا بَلَغَ وَكُتِبَ عَلَيْهِ الشَّيْءُ جَازَ أَمْرُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا» (حرعاملی، ۱۴۰۹هـ.ق، ۱۸/۴۱۲) می‌دانند (رک.، انصاری، ۱۴۱۱هـ.ق، ۳/۲۷۷). براساس این اطلاق، طفل وقتی بالغ شده و تکلیف بر او نوشته شود امر او جایز و مؤثر است مگر اینکه ضعیف یا سفیه باشد.

ادله ناهی از عدم اعتبار تصرفات حقوقی کودک ناظر به حوزه اموال و تجارت: «إِنْ أَسْتُمَّ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء: ۶) و یا معلل به احتمال سرقت و اختلاط حلال و حرام در معامله کودک است. بدیهی است که این موارد در مسئله محل بحث جایی ندارد. می‌توان با اصل عدم شرطیت بلوغ در این اظهارات را که به نوعی اخبار از ضمیر کودک است و نه انشای مستقل، منتفی دانست. حق شنیده شدن کودک معلول، لوازم عقلی و عرفی متعددی دارد که براساس قاعده اذن و یا مقدمه واجب باید به رعایت آنها در خلال رسیدگی‌های قضایی در مورد حضانت توجه داشت به ویژه زمانی که بهترین منفعت کودک توسط دادگاه یا والدین تعیین می‌شود، کودک باید حق دریافت اطلاعات حقوقی به زبان کودکانه و دفاع را داشته باشد. حکم قضایی دادگاه در مورد حضانت باید حاوی مصلحت

کودک، آن هم به صورت جزئی، مستدل و همراه با توضیح در مورد کیفیت ارتباط تصمیم اتخاذ شده و نیز شیوه برقراری تعادل میان ملاحظات متعدد در زمان تصمیم‌گیری باشد. حق استیناف خواهی کودک در مورد اقدامات ولی یا استیناف از یک رأی و دسترسی به چنین امکاناتی نیز در کنار حق شنیده شدن کودک قرار می‌گیرد.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

ذیل رویکرد حقوق بشری موضوعه و اسلامی به حضانت کودکان معلول می‌توان به این نتایج دست یافت که در هردو رویکرد، بدل از تمرکز بر معلولیت در قالب یک آسیب بر نیازهای کودک معلول به دلیل موانع موجود در جامعه و خانواده توجه شده است. در ارزیابی مسئله پژوهش حاضر می‌توان گفت که هردو نظام یعنی، نظامی حقوقی اسلام و حقوق بین‌الملل بر لزوم توانمندسازی خانواده معلول به دلیل پافشاری بر حق زندگی خانوادگی کودک معلول و بقای وی در بستر خانواده و رشدیابی و پرورش در محیط مشترک خانوادگی تأکید دارند. قاعده بالسویه در حوزه حضانت، ملاک عام و حاکم بهترین مصلحت طفل در تمام تصمیم‌گیری‌ها و سنخ واقعی و حقیقی نبودن روایات ناظر به حضانت، نشان از لزوم توجه به نظام حضانت مشترک (حق ماندن کودکان معلول در فضای خانواده و یا شبه خانواده) و نیز اصل مصلحت در رفتار با اوست.

در حقوق بین‌الملل بشر، در نظر گرفته شدن اراده و ترجیحات شخص معلول و حصول اطمینان از مشارکت کامل افراد معلول از مهمترین الگوواره‌ها در حوزه حضانت کودکان معلول در فرآیند تصمیم‌گیری‌هاست؛ امری که به نظر می‌رسد با توجه به ولایت و حضانت مشروط به غبطه کودک معلول در فقه و بی‌اعتباری نسبی اظهارات کودک در فقه چندان نتواند با این گزاره حقوق بشر همسو تفسیر شود؛ به‌ویژه که تشخیص غبطه به نظر ولی است و چه بسا فهم وی از مصلحت با رأی کودک ناهمسو باشد. می‌توان گفت که فسخ‌پذیری اعمال ولی پس از دوره بلوغ و بیگانگی ادله بی‌اعتباری رأی کودک در مورد موضوع بحث، می‌تواند این نگاه سطحی را به چالش بکشد و حق شنیده شدن اظهارات کودک را ثابت کند. بنابراین، در نگاه دقیق‌تر می‌توان به عنای نظام حقوق بشر اسلامی رهنمون شد چه





آنکه با وجود توجه نسبی به اعتبار اقوال کودک هم‌زمان نهادی به نام ولایت تشریع کرد که تمام اقدامات این نهاد مشروط به رعایت مصلحت کودک است و امکان فسخ این اقدامات پس از رسیدن به بلوغ وجود دارد. براین اساس، می‌توان نگاهی مجموعی و همه‌جانبه را در نظام حقوق بشر اسلامی یافت. در قضاوت نهایی به نظر می‌رسد که نظام اسلام در این حوزه از دونظر برتر و مقدم است: نخست، نظارت‌پذیری و قابلیت استیناف و واخواهی تصمیمات و مصلحت‌های اندیشه شده در مورد کودک معلول [با آنچنان شمایی که در متن بدان اشاره شد] و دوم، تحفظ اسلام بر بقای ارتباط کودک معلول با خانواده (تا سرحد عسر و حرج والدین) و گنجاندن رابطه حضانت در دوگانه حق-تکلیف و ولایت که هم حق کودک در ارتباط با خانواده حفظ شود و هم مصالح وی توسط حاضن اندیشیده شود و هم عسر و حرجی بر والدین روا نیاید و با فساد رویکرد، ولایت از حاضن سلب‌شدنی باشد. بنابراین، منظومه‌سازی و درکنار هم دیدن حقوق افراد مختلف و لحاظ کردن شرایط استثنایی، وجه دوم برتری نظام اسلام در این مورد است.

ازجمله پیشنهادات راهبردی این مقاله می‌توان به لزوم درج برتریهای نظام حقوقی اسلام در حوزه حضانت کودکان دارای معلولیت ذیل حق شرط ایران بر کنوانسیون حقوق کودک و حقوق افراد دارای معلولیت اشاره کرد. افزون بر اینکه می‌توان به ارائه موضع برتر اسلام در این مورد به مجامع جهانی تصمیم‌ساز نیز اقدام نمود. همچنین لزوم حرکت و تحفظ بر نظام حضانت والدینی و اصلاح قوانین همسو با مصالح کودکان دارای معلولیت در عین حمایت مالی حاکمیت نیز از دیگر پیشنهادات است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، مترجم: انصاریان، حسین. تهران: سازمان دار القرآن الکریم.
۱. آشتیانی، میرزاحمد (۱۴۰۷ ه.ق). کتاب نکاح. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. اشراقی، محمود (۱۳۸۲). بررسی علل و عوامل بزه‌دیدگی در خانواده. مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه‌دیدگان و راهکارهای پیشگیرانه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۳. آملی، میرزا محمدتقی (۱۴۱۳ ه.ق). المکاسب و البیع. قم: النشر الاسلامی.
۴. انصاری، مرتضی (۱۴۱۱ ه.ق). کتاب المکاسب. قم: دارالذخائر.
۵. بحر العلوم، محمدتقی (۱۴۰۳ ه.ق). بلغه الفقیه. تهران: المکتبه الصادق.
۶. توتونچیان، مهری، و سرشار، مینا (۱۳۹۹). حق بر زندگی خانوادگی کودکان در پرتو نظام حقوق بشر. نشریه حقوق کودک، (۲)۷، ۱۰۵-۱۲۳.

۷. توسلی نایینی، منوچهر (۱۳۸۷). تأملی بر حقوق معلولان ازمنظر کنوانسیون حقوق معلولان و سایر اسناد بین‌المللی. نشریه حقوق خصوصی، ۱۳(۵)، ۵۱-۸۲.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). وسائل الشیعه. بیروت: احیاء التراث العربی.
۹. حسینی مراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۸ ه.ق). العناوین. قم: النشر الاسلامی.
۱۰. حلی، ابن فهد (۱۴۰۷ ه.ق). المذهب البارع فی شرح مختصر النافع. قم: النشر الاسلامی.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ ه.ق). ارشاد الازدهان الی احکام الایمان. قم: انتشارات اسلامی.
۱۲. خوانساری، سیداحمد (۱۳۵۵). جامع المدارک. تهران: الصدوق.
۱۳. خویی، سیدابوالقاسم (بی‌تا). المستند فی شرح العروه الوثقی. بی‌جا: بی‌نا.
۱۴. رضایی، علی، و. والسان، مصطفی (۱۳۸۷). حقوق آموزشی کودکان معلول در ایران. نشریه پژوهش‌های حقوقی، ۱۳(۷)، ۲۲۱-۲۳۶.
۱۵. رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۵). حمایت از معلولین در حقوق بین‌الملل. نشریه رفاه اجتماعی، ۴۱(۱۱)، ۳۰۷-۳۴۲.
۱۶. سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۳ ه.ق). مذهب الاحکام. قم: المنار.
۱۷. شهیداول، محمد (۱۴۱۴ ه.ق). القواعد والفوائد. قم: چاپ حکیم.
۱۸. شهیدثانی، زین‌الدین (۱۳۶۷). الروضه البهیة. قم: جامعه النجف الدینیة.
۱۹. شهیدثانی، زین‌الدین (۱۴۱۴ ه.ق). حاشیه الارشاد. قم: تبلیغات اسلامی.
۲۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۶ ه.ق). هدایه العباد. قم: دارالقرآن الکریم.
۲۱. طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۴۱۹ ه.ق). العروه الوثقی. قم: انتشارات اسلامی.
۲۲. علی دوست، ابوالقاسم (۱۳۹۶). فقه و مصلحت. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۲۳. غروی اصفهانی، محمدحسین (۱۴۰۹ ه.ق). الاجاره. قم: انتشارات اسلامی.
۲۴. غنی‌زاده بافقی، مریم، محقق داماد، سید مصطفی؛ روشن، محمد؛ انصاری، باقر (۱۳۹۶). مصالح عالییه کودک در عهدنامه حقوق کودک، فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران. نهمین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده و پنجمین جشنواره ملی خانواده پژوهی. تهران.
۲۵. قاری سید فاطمی، محمد (۱۳۸۷). تحول گفتمانی: حق‌ها و آزادی‌های معلولان در آیین حقوق بشر معاصر. نشریه پژوهش‌های حقوقی، ۱۳(۷)، ۱۸۵-۲۰۸.
۲۶. کمالی، محمد، و ایران، فریبا (۱۳۸۲). مروری بر حقوق کودکان دارای ناتوانی و معلولیت. نشریه رفاه اجتماعی، ۲(۷)، ۹۳-۱۱۰.
۲۷. محقق کرکی، علی (۱۴۱۴ ه.ق). جامع المقاصد. قم: آل‌البيت (ع).
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ ه.ق). انوار الفقاهه- کتاب البیع. قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع).
۲۹. موسوی، فضل‌الله، و ابراهیمی، فاطمه (۱۳۹۹). بررسی جایگاه خانواده در نظام بین‌المللی حقوق بشر. نشریه مطالعات حقوق عمومی، ۲(۵۰)، ۴۹۱-۵۱۱.
۳۰. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۷). تحریرالوسیله. قم: دارالعلم.
۳۱. نجفی، محمدحسن (بی‌تا). جواهر الکلام. بیروت: احیاء التراث العربی.
۳۲. نصیب، محمدحسین (۱۳۹۰). نگرشی بر وضعیت حقوقی معلولان در ایران. نشریه حقوق اساسی، ۱۶(۸)، ۱۴۱-۱۶۸.
۳۳. وحید خراسانی، حسین (۱۳۲۸). منهاج الصالحین. قم: مدرسه امام باقر (ع).
۳۴. یوسفیان، الهام (۱۳۸۷). تأملی بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در پرتو مقررات کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت. پژوهش‌های حقوقی، ۱۳(۷)، ۲۰۹-۲۱۹.
35. Beth Isaacs, M. (1987). When Is a Parent Out of the Picture? Different Custody, Different Perceptions. *Family Process*, 26, 1- 30.
36. Children's Bureau (2016). *Determining the best interests of the child*. Washington, DC: Department of Health and Human Services
37. *Committee on the Rights of Persons with Disabilities* (2014). Eleventh session. General comment. No.1, Paragraph17.
38. *Committee on the Rights of Persons with Disabilities Eleventh session* (31 March -11 April 2014). General comment, No. 1

39. *Committee on the Rights of the Child* (2013). General Comment No. 14, Chapter V.A.1.
40. *Committee on the Rights of the Child* (2013). General Comment, No. 14 , Chapter V.A.1
41. *CRC Committee* (2003). General Comment No. 5 on general measures of implementation of the Convention on the Rights of the Child (on Articles 4, 42 and 44), UN Doc. CRC/GC/2003/5, Para. 6
42. *Declaration on the Rights of Disabled Persons* (1975, 09 December). General Assembly resolution 3447.
43. Woodhouse, B. B. (1999). *The Constitutionalization of Children's Rights: Incorporating Emerging Human Rights into Constitutional Doctrine*. JOURNAL OF CONSTITUTIONAL LAW, 2(1), 1- 53.
44. World Health Organization & World Bank (2011). *World Report on Disability*. Available at: https://www.who.int/disabilities/world_report/2011/report.pdf accessed on 20. August 2020.
45. World Health Organization & World Bank (2011). *World Report on Disability*. Available at: https://www.who.int/disabilities/world_report/2011/report.pdf accessed on 20. August 2020.

بازکاوی صحت هبه سکه و قابلیت رجوع از آن؛ با تأکید بر آموزه‌های فقهی و نگاهی به رویه قضایی

امین سلیمان کلوانق^۱

چکیده

در جامعه امروزی مرسوم است مهر زوجه را سکه قرار می‌دهند و گاهی زوجه بعد از عقد نکاح اقدام به هبه سکه به زوج کرده که در برخی موارد بعد از هبه، رجوع از آن را قصد می‌کند. پژوهش حاضر باهدف پاسخ به این سؤال که وضعیت حقوقی عمل مزبور چیست و اینکه آیا رجوع از آن جایز است یا نه، به شیوه تحلیلی-اسنادی انجام شده است. با بررسی‌های صورت‌گرفته، مطالعه یا تحقیقی که مسئله حاضر را بررسی کرده باشد، یافت نشد. بدین منظور تمام منابع مکتوب علمی در این موضوع بررسی و مشخص شد که مسئله پژوهش حاضر، معرکه آرای میان فقها و حقوق دانان است. گروهی قائل به بطلان آن هستند و عمل حقوقی انجام شده را ابراء تلقی کرده و آثار آن را بار می‌کنند. گروهی هم تحقق آن را در قالب عقد هبه می‌پذیرند که بر هردو نظر، آثار متفاوتی مترتب می‌شود. نتایج بررسی، تحلیل و ارزیابی نظریات و آراء این است که هبه سکه صحیح است و استدلال قائلین به بطلان، اشکالات اساسی دارد. در مورد قابلیت رجوع از آن با تبیین اختلاف در رویه قضایی و با تحلیل مبانی، این نتیجه به دست آمد که به دلیل تلف شدن مال موهوبه، رجوع از هبه آن ممکن نیست.

واژگان کلیدی: مهریه، هبه سکه، ابراء، رجوع از هبه، بطلان هبه، رویه قضایی رجوع از هبه، تلف شدن مال موهوبه.

Investigating the Validity of the Coin Gift and Its Retrieval; by Emphasizing Jurisprudence Teachings and Considering the Judicial Procedures

Amin Soleiman Kolvanaq¹

In today's society, it is customary to put the wife's dowry as a coin, and sometimes the wife gives a coin to the husband after the marriage contract, and in some cases, she intends to return it after the gift. The current research has been done in an analytical-documentary manner with the purpose of answering the question of what is the legal status of the said act and whether it is permissible to refer to it or not. With the conducted investigations, no study or research was found that investigated the present issue. To this end, all scientific written sources on this topic were examined and it was determined that the problem of the present research is the debate between jurists and jurists. One group believes in its invalidity and considers the performed legal act as abhorrent and burdens its effects. The other group accepts its realization in the form of gift marriage, which has different effects on both opinions. The results of the review, analysis and evaluation of the views and opinions are that the donation of coins is correct and the arguments of those who argue against it have fundamental problems. Regarding the possibility of referring to it, by explaining the dispute in the judicial procedure and by analyzing the bases, the conclusion was reached that due to the loss of the gifted property, it is not possible to refer to the donation.

Keywords: dowry, gift of coins, withdrawal, return of gift, cancellation of gift, legal procedure of return of gift, loss of gifted property.

DOI: 10.22034/IJWF.2023.15381.2061

Paper Type: Research

Data Received: 2023/ 02 / 27 Data Revised: 2023/ 06 / 14 Data Accepted: 2023/ 06 / 20

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Email: a.soleyman@tabrizu.ac.ir

ORCID ID: 0000-0002-5499-9038

مهر، یکی از آثار مالی عقد نکاح است. در مورد موضوع مهر، ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرچیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد، می‌توان مهر قرار داد». باتوجه به این ماده، در مهر مهم است که دو شرط مالیت و قابلیت تملک وجود داشته باشد. براین اساس، اموال مختلفی می‌تواند موضوع مهر باشد. یکی از این موارد این است که مهر، عین باشد؛ عین چیزی است که اگر در خارج یافت شود، جسم است و ابعاد سه‌گانه یعنی، عرض، طول و عمق دارد. (موسوی خویی، بی‌تا، ۱۶/۲؛ حسینی میلانی، ۱۳۹۵) یکی از اقسام عین، کلی است که خود اقسامی دارد (خوانساری، ۱۴۰۵ ه.ق، ۶۹/۳). یکی از این اقسام، کلی فی‌الذمه است که فقط صفات و مقدار آن معین باشد؛ یعنی مالی که صفات آن در ذهن معین و در عالم خارج صادق بر افراد عدیده باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۱). باتوجه به نرخ تورم بالا در جامعه در عمده اسناد نکاحیه زوجین، سکه طلا مهر قرار می‌گیرد. براساس ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن داشته باشد. یکی از انواع تصرفات زوجه در مهر، هبه آن به زوج است. بنابراین، این سؤال پیش می‌آید که وقتی سکه، مهر زوجه باشد، زوجه می‌تواند آن را هبه کند یا نه. قانون‌گذار مدنی در ماده ۸۰۶ ذیل بحث از عقد هبه مقرر می‌دارد: «هرگاه داین طلب خود را به مدیون ببخشد حق رجوع ندارد». در این مورد میان فقها و حقوق دانان اختلاف است. مشهور فقها قائل به عدم جواز رجوع هستند و باین حال از عمل حقوقی هبه دین به ابراء یاد می‌کنند. برخی از حقوق دانان نیز متأثر از کلام فقها در تفسیر از ماده مزبور از هبه به ابراء یاد می‌کنند. تعداد کمی از فقها و حقوق دانان چنین هبه‌ای را صحیح می‌دانند.

یکی از آثار مهم در مورد این دو نظر این است که اگر عمل حقوقی مزبور، ابراء در نظر گرفته شود با بذل، عهده مدیون از آن بری می‌شود، اما اگر هبه باشد در جایی که ضمانتی از مهر صورت گرفته باشد مثل اینکه پدر زوج با عقد ضمان، ضامن مهر زوجه شده باشد، با هبه مهر به زوج، ایشان به قائم مقامی از زوجه می‌تواند به پدرش رجوع کند. باتوجه به اینکه تاکنون درباره این موضوع پژوهشی انجام نشده، لازم است تحقیق جامعی در مورد آن انجام شود و به نقل و تحلیل نظریات و مستندات قائلین به این دو نظر پرداخته و جایگاه



بحث در نظام حقوقی ایران تبیین شود تا نتیجه متقن از دیدگاه فقه مدنی و حقوق کنونی به دست آید. باتوجه به اینکه نتیجه به دست آمده در پژوهش حاضر صحت چنین هبه‌ای است، پس در جایی که زوج بعد از هبه مهر کلی فی‌الذمه، درخواست رجوع از آن را می‌کند این سؤال پیش می‌آید که آیا رجوع از آن ممکن است یا نه؟ مطالعه رویه قضایی نشان از اختلاف نظر در این مورد است که تحلیل مبانی ناظر بر قابلیت رجوع را ضروری می‌کند تا نتیجه سازگار با قانون و قواعد فقهی به دست آید.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱. اقوال و مستندات مطروحه درباره وضعیت حقوقی هبه سکه

مال زمانی کلی است که فقط صفات و مقدار آن معین باشد به طوری که صفات آن در ذهن، معین و در عالم خارج، صادق بر افراد عدیده باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۱) سکه، مال کلی است که با انعقاد عقد بر ذمه زوج می‌آید و نام دین بر آن صدق می‌کند (علامه حلی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۲/۲۷۴؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۲/۲۷۹؛ سبحانی، بی تا، ۲/۲۵۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۱/۱۰۷). از این رو، برای امکان سنجی هبه سکه لازم است تا اقوال فقها در مورد وضعیت حقوقی هبه دین موضوع بحث قرار گیرد. در مورد وضعیت حقوقی هبه مزبور، برخی قائل به صحت چنین عمل حقوقی و برخی قائل به بطلان آن هستند.

۲-۱-۱. قائلین به جواز هبه دین و استدلال ایشان

برخی از فقها و حقوق دانان بر این باورند که هبه دین، صحیح بوده و اثر عقد هبه را دارد و اگرچه فایده ابراء را افاده می‌کند، اما در ماهیت، ابراء نیست، پس برای انعقاد آن و ترتب اثر عقد هبه باید از جانب متبهد قبول شود. در واقع، ماهیت عمل حقوقی مزبور، تملیکی است که اسقاط مافی‌الذمه بر آن مترتب می‌شود. (موسوی خمینی، بی تا، ۲/۵۷؛ ترحینی عاملی، ۱۴۲۷ هـ.ق، ۴/۲۵۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۸/۱۶۵؛ کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۴/۶۷) در این حالت، واهب، موهوبه را آن اندازه که برعهده مدیون است در نظر می‌گیرد و متبهد، کلی را از آن نظر که کلی است قبض کرده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۱/۱۶۱). برخی گفته‌اند که عمومات صحت شامل این مورد می‌شود و قبضی که در هبه شرط است در اینجا نیازی به قبض نیست؛ زیرا مافی‌الذمه به منزله قبض

است، پس نیازمند قبول است اگرچه فایده ابراء را دارد و هبه مافی الذمه در عرف، مستلزم اسقاط است (سبزواری، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲۱/۲۵۹). نهایت اینکه در عقد هبه دین، تملیک صورت می‌گیرد هرچند سقوط دین بر آن مترتب می‌شود مانند فروش دین به کسی که مدیون است (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۲/۷۳).

تحلیل و ارزیابی نظر فوق: از آنجاکه در اعمال حقوقی اصل بر این است که هر عملی فایده و اثر خود را داشته باشد از نظر این گروه هیچ اشکالی متوجه صحت هبه مهر نبوده و نیازی به تفسیر هبه مزبور به ابراء نیست. در باور این دسته از فقها اینکه عمل حقوقی فایده عمل دیگری را داشته باشد دلیل بر واحد بودن آن دو نیست. همان‌گونه که همه فقها در مورد ماهیت عقد صلح همین نظر را می‌پذیرند و معتقدند که عقد صلح مانند سایر عقود، عقدی مستقل محسوب می‌شود؛ زیرا اصل در عقود این است که فرع بر عقد دیگری نباشد (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۴/۱۷۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲/۱۷۲؛ حلی، ۱۴۲۴/۱/۳۱۹؛ فقهانی، ۱۴۱۸؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۱۷/۱۷؛ شوشتری، ۱۴۰۶ ه.ق، ۸/۷۸؛ علامه حلی، ۱۴۰۸ ه.ق؛ شهید اول، ۱۴۱۷ ه.ق، ۳/۳۳۲) و افاده فایده عقد دیگر، مقتضی این نیست که از افراد آن عقد باشد (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۵/۴۱۰). اینکه صلح، فایده عقد هبه یا ابراء را داشته باشد دلیل بر این نمی‌شود که عمل حقوقی مزبور، هبه یا ابراء تلقی شود (کاشف الغطاء، ۱۴۲۳ ه.ق، ۴/۳۹؛ حلی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۲/۵۳۹). برپایه مطالب پیش‌گفته، نظر این گروه از فقها موافق با اصل بوده و اگر هم اشکالی متوجه آن باشد باید آن را در دیدگاه رقیب دنبال کرد.

۲-۱-۲. قائلین به عدم جواز هبه دین به مدیون و استدلال ایشان

مشهور فقها قائل به عدم جواز هبه دین هستند و برای توجیه هبه دین، قائلند که هبه اصطلاحی واقع نمی‌شود و آنچه تحقق می‌یابد ابراء است. (شهید اول، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲/۲۸۶؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲ ه.ق، ۲۰/۲۷۳؛ حلی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۳/۱۷۶؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۲/۲۰۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۲۸/۱۶۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۶/۲۷۶) استدلال این گروه این است که اثر عقد هبه، تملیک است. با این توضیح که با انعقاد عقد هبه، متبهب مالک موهوبه می‌شود درحالی‌که با هبه دین به مدیون، وی مالک نمی‌شود؛ زیرا معقول نیست تملیک از جانب یک نفر و تملک نیز از جانب همان شخص اقامه شود (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ ه.ق، ۲۰/۲۷۴). دیگر استدلال این فقها این

است که عقلایی نیست که انسان مالک مافی‌الذمه شود هرچند که به صورت عقلی ممکن باشد، هبه دین به مدیون در ظاهر، اسقاط است و نه تملیک. بنابراین، ابرایی است که با لفظ هبه صورت می‌گیرد. مبتنی بر این قول، فقط ابراء آن صحیح است، ولی بنابر تملیک بودن هبه دین، انشای آن به لفظ تملیک نیز صحیح است، اما ظهور در ابراء خواهد داشت (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ هـ.ق، ۳/۳۲۱).

در این مورد به دو روایت استناد شده است: صحیح‌ه معاویه بن عمار می‌گوید: «از امام صادق (ع) در مورد مردی که چند درهمی از یک شخص دیگر طلب داشت و همه آنها را به وی بخشید، سؤال کردم که آیا این شخص می‌تواند آن درهم‌ها را پس بگیرد؟ امام صادق (ع) فرمود: خیر» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۷/۳۲). در روایت دیگری از ایشان آمده است: «به امام صادق (ع) عرض کردم که یک مردی چند درهمی به شخص دیگر بدهکار بود، اما دائن آنها را به وی بخشید. بعد از آن، درهم‌ها را پس گرفت و مجدداً به او بخشش کرد و بار دیگر پس گرفت و دوباره آنها را به وی بخشید و بعد از آن از دنیا رفت. امام صادق (ع) فرمود: درهم از آن کسی است که به وی بخشیده شده است» (طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۹/۱۵۵). اشکال دیگر بر صحت هبه دین این است که در عقد هبه، قبض یکی از ارکان اصلی است با این توضیح که بدون آن عقد محقق نمی‌شود (علامه حلی، بی‌تا، ۲/۴۱۶). همین نظر در ماده ۷۹۸ قانون مدنی انعکاس یافته است: «هبه واقع نمی‌شود مگر با قبول و قبض متبّع اعم از اینکه مباشر قبض خود متبّع باشد یا وکیل او و قبض بدون اذن واهب اثری ندارد». براین اساس، هبه دین را از آن رو که قبض، شرط صحت هبه بوده و قبض حقیقی در دیون ممکن نیست، باطل می‌دانند (عمید، ۱۳۸۷). اگر کسی به اختیار از دین خود که بر ذمه مدیون است صرف نظر کند در فقه و حقوق مدنی در صحت چنین عملی تردید روا نیست، اما نفوذ و صحت آن نه از نظر هبه واقعی، بلکه از نظر ابراء ذمه مدیون است. بنابراین، هبه دین به مدیون، ابراء ذمه است و نیاز به قبول مدیون ندارد. هبه داین به مدیون، هبه واقعی نیست، بلکه ابراء ذمه است. ماده ۸۰۶ قانون مدنی نیز که حاکی از بخشیدن دین به مدیون است به هیچ وجه تصریح به صحت هبه دین ندارد و شاید به همین دلیل است که از استعمال واژه هبه در ماده مزبور احتراز شده و به واژه بخشش اکتفا کرده است (عمید، ۱۳۸۷). تلف شدن مال موهوبه در مورد تفسیر هبه به ابراء چند مورد مطرح است: اول، اینکه

گفته شده هبه دین به ابراء تفسیر می شود قابل پذیرش نیست؛ زیرا نتیجه مستقیم ابراء، اسقاط حق و نتیجه هبه، تملیک و انتقال آن به مدیون است و این دو را نباید باهم اشتباه گرفت. اینکه پس از انتقال طلب به مدیون چون هیچ کس نمی تواند طلبکار از خود باشد لازمه اش جمع شدن دو وصف طلبکار و بدهکار در یک شخص و تحقق مالکیت مافی الذمه و سقوط دین است، مطلب صحیحی است، ولی سقوط دین، مقصود طرفین نیست. آنچه در هبه دین موضوع انشا قرار می گیرد انتقال حقی است که واهب بر مدیون در قالب جزئی از دارایی خود دارد و سقوط، اثر این انشاست حال آنکه ابراء به طور مستقیم ناظر بر سقوط این حق است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۴/۶۷). دوم اینکه، در مورد قصد لازم در اعمال حقوقی باید گفت که در جملات انشایی سه نوع قصد باید وجود داشته باشد تا عمل حقوقی انشایی محقق شود: قصد لفظ، قصد معنای لفظ و قصد انشا و ایجاد معنا. آنچه در عالم حقوق منشأ اثر می شود قصد انشای عقد است (محقق داماد، قنوتی، شبیری و عبدی پور، ۱۳۹۲، ۲۶۴/۱).

مراد از قصد انشا، قصد انشای اثر مطلوب است و مترتب شدن اثر بر عقود و ایقاعات، متوقف بر این است که قصد انشای اثر از آن وجود داشته باشد؛ یعنی اثری که شارع مقدس آن را بر آن عمل حقوقی ترتیب داده است (نراقی، ۱۴۱۷ ه.ق) شخص باید اثری را اراده کند که شارع، آن اثر را بر آن عمل حقوقی اعتبار کرده است. وجود چنین قصدی در قرارداد لازم و قرارداد خالی از آن باطل است (نراقی، ۱۴۲۲ ه.ق، ۱۱۸؛ غروی نایینی، ۱۳۷۳، ۳۶۷/۱). تمام اینها برگرفته از قاعده فقهی معروف العقود تابعه للقصود بوده که بر زبان فقها متداول است و دلالت بر این دارد که اگر یکی از متعاقدين، فاقد قصد انشا باشد عقد از نظر شرعی اعتبار ندارد (سلیمان کلوانق، باقری و مرتاضی، ۱۳۹۷). در جایی که طلبکار هبه دین را قصد کرده است تعبیر اراده ایشان به ابراء نیاز به دلیل دارد که نه تنها دلیل مفقود است، بلکه دلیل برخلاف آن یعنی، اراده عقد هبه وجود دارد؛ زیرا در اعمال حقوقی مدلول مطابقی الفاظ مهم است و در جایی که با لفظ هبه واقع می شود نیازمند قبول است اگرچه لازمه این مدلول مطابقی، اسقاط است و ملاک در عقود، مدلول مطابقی و لوازشان است (سبزواری، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲۵۹/۲).

اول) عدم تحقق قبض در هبه سکه به زوج: اشکال اساسی که متوجه صحت هبه دین و پذیرش آن در قالب هبه ذکر می شود بحث از عدم امکان قبض در آن است. نکته مهم



در دستیابی به نظر صحیح، تحلیل ماهیت قبض است که در صورت امکان تحقق آن در دین، هبه دین صحیح است و نیازی به انصراف آن به ابراء و واحد دانستن نتایج آن دو نیست. قبض در لغت عبارت است از جمع کردن کف دست بر چیزی (ر.ک.، صاحب، ۱۴۱۴ ه.ق، ۲۵۳/۵؛ ازهری، ۱۴۲۱ ه.ق، ۲۷۲/۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ق)، مخالف بسط (ر.ک.، مهنا، ۱۴۱۳ ه.ق، ۳۴۹/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ۲۱۳/۷) و مالکیت (ر.ک.، جوهری، ۱۳۷۶، ۱۱۰۰/۳). قبض، ماهیتی است که حقیقت شرعیه در آن ثابت نیست و هرجا از روایات و موارد اجماع وارد شده است در مورد معنای آن به عرف رجوع می‌شود و ملاک، عرف است (ر.ک.، حسینی عاملی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۶۳۱/۱۴) مگر اینکه قرینه صارفه بر آن اقامه شود (ر.ک.، حسینی مراغی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲۶۲/۲).

معنای حقیقی قبض، سلطنتی است که برای قبض‌گیرنده از طرف قبض‌دهنده در مورد مال مقبوض با رفع موانع تصرف حاصل می‌شود. براین اساس، قبض مفهومی است که مصادیق متعددی دارد مانند اخذ با دست، تخلیه کردن مال غیرمنقول و... ذکر مواردی از آن در کتب لغوی به دلیل انحصار معنای آن در اخذ با دست نیست، بلکه به این دلیل است که این فرد قبض، اظهار افراد آن است. (اصفهانی، ۱۴۲۶ ه.ق) اعتبار یدی بودن قبض در جایی است که امکان قبض آن با دست باشد، اما در جایی که قبض با دست امکان‌پذیر نیست قبض به معنای استیلای عرفی بر مال است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲۶۲/۲). از این رو، از قبض به سلطنت عرفی بر مال یاد می‌شود (اصفهانی، ۱۴۲۶ ه.ق) با این توضیح که تحویل سلطنت عرفیه به کسی است که مال به وی منتقل می‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲۸۷/۱۷). در ماده ۳۶۷ ق.م.آ آمده است: «قبض عبارت است از: استیلای مشتری بر مبیع». براساس این ماده، ملاک، تصرف مادی و عملی نیست. مهم این است که در اختیار طرفی که به قبض وی درمی‌آید، قرار گیرد. باتوجه به عدم امکان قبض مادی در دین، معیار استیلای فردی که قبض نسبت به ایشان انجام می‌گیرد استیلای معنوی است به طوری که عرف ایشان را مستولی بر آن بشناسد. قبض به شیوه خاص در مال کلی فی‌الذمه و دین نیز بحث شده است. مراد از آن، استیلای قابض بر مورد قبض است و کلی از آن رو که وجود دارد معاوضه بر آن صحیح است و هیچ اشکالی در قبض آن نیست. (خوانساری، ۱۴۰۵ ه.ق، ۳۴۴/۳) صدق قبض به حسب مصادیق و موارد مقبوض، مختلف است به طوری که گاهی با دست است و در برخی موارد با انتقال

است (طباطبایی قمی، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۴/۴۸۵). این مطلب در بحث تسلیم نیز توسط قانون‌گذار در ماده ۳۶۹ قانون مدنی تأیید شده است: «تسلیم به اختلاف مبیع به کیفیات مختلفه است و باید به نحوی باشد که عرفاً آن را تسلیم گویند». براین اساس، در مورد توسعه مفهوم آن، قرینه عقلاییه وجود دارد و ملاک این است که قابض بر مقبوض استیلا داشته باشد و بتوان وی را در عرف، مسلط (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۵/۵۴۸) و بهره‌مند از انواع تصرفات دانست به طوری که استیلا بر مورد قبض داشته باشد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۵/۵۵۰؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۲/۲۶۲؛ انصاری، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۶/۲۴۷). برخی تعبیر کرده‌اند که مهم این است که تسلط منتقل‌الیه مانند تسلط ناقل باشد (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۴/۲۶۸).

از ادله مقبوض بودن دین مافی‌الذمه این است که آنچه از ادله قبض روشن است، این است که مال در تسلط قابض باشد و هیچ شکی نیست که مافی‌الذمه در تسلط صاحب ذمه قرار می‌گیرد، حتی می‌توان وجود قبض در دین را به شیوه اولی از مواردی دانست که مقبوض، عین است؛ زیرا در دین، استیلا و سلطنت شدیدتر است و در حکم قبض ظاهری فعلی است. (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۲/۲۶۵) قبض در کلام حقوق دانان عبارت است از: «قرار گرفتن مال مورد معامله تحت اختیار طرف دیگر همان معامله هرچند اینکه این کار به فعل معامل نباشد و طرف مقابل به قرار گرفتن مال مورد معامله تحت اختیار خود توجه داشته باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰). اقباض هم با رفع ید اقباض‌کننده صورت می‌پذیرد و باید طوری اقباض کند که از نظر عرفی طرف متمکن از قبض باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹). برخی از فقها عدم لزوم قبض در هبه دین را مطرح می‌کنند؛ زیرا موضوع، قبض دینی است که در ذمه مدیون است (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳ هـ.ق، ۶/۲۴۲)؛ یعنی همان تعبیری که قانون‌گذار در ماده ۸۰۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد و اگر عین موهوبه در ید متهب باشد محتاج به قبض نیست. با این توضیحات روشن می‌شود درجایی که مهر، دین است قبض تحقق پیدا می‌کند. با پذیرش نظریه صحت هبه دین باید در انعقاد هبه دین برخلاف ابراء که ایقاع است به لزوم وجود دوطرف توجه داشت.

دوم) عدم تحقق مالکیت مقصود از هبه با هبه دین: در بیان استدلال قائلین به عدم صحت دین گفته شد که برخی از آنها معتقدند که چون صحیح نیست تملیک از جانب یک



نفر و تملک نیز از جانب همان شخص اقامه شود و اینکه نباید انسان مالک مافی‌الذمه شود، پس هبه دین صحیح نیست. لازم به ذکر است که تعدد اعتباری برای انعقاد عقد کفایت می‌کند. بنابراین، اینکه تملیک و تملک از جانب یک نفر انجام می‌گیرد خدشه‌ای به صحت عقد هبه وارد نمی‌کند. فقها در بحث از قبض گفته‌اند که اگر مقبوض دین باشد به این دلیل که در دست مدیون است مقبوض فرض می‌شود. همان مطلبی که قانون‌گذار در ماده ۸۰۰ قانون مدنی آورده است: «در صورتی که عین موهوبه در ید متبهد باشد، محتاج به قبض نیست». در مورد دو روایتی که برای عدم جواز هبه دین مورد استناد قرار گرفته است، می‌توان گفت که هر دو روایت دال بر صحت هبه دین است (بحرانی، ۱۴۰۵ ه.ق، ۲۲/۳۰۷)؛ زیرا بنا را بر صحت آن گذاشته و بحث را در مورد جواز و عدم جواز رجوع از آن مطرح کرده است. وجه عدم جواز رجوع در هبه دین در روایت امری روشن است؛ زیرا اقتضای صحت هبه دین، سقوط مال از ذمه داین است و معقول نیست انسان مالک چیزی بر خود باشد. در نتیجه هبه دین به منزله تلف موهوبه خواهد بود که یکی از موارد لزوم هبه همین مورد است (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۲۸/۱۶۵).

در مورد مالک مافی‌الذمه شدن باید گفت که در هبه دین، مالکیت دین به مدیون انتقال می‌یابد و باتوجه به اینکه ایشان بدهکار نیز است جمع دو موضوع متبهد و بدهکار در یک شخص به مالکیت مافی‌الذمه منتهی می‌شود و در نتیجه، سقوط دین اثر قهری آن می‌شود. همین نظر در ماده ۳۰۰ ق.م. که در آن آمده است: «اگر مدیون مالک مافی‌الذمه خود گردد ذمه او بری می‌شود» پذیرفته شده است. این در حالی است که اثر مستقیم ابراء انتقال نیست، بلکه اسقاط دین است. باتوجه به این مطالب روشن می‌شود که اثر ابتدایی هردو عمل حقوقی با هم متفاوت است (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲/۱۳۴؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ۲/۵۶).

۲-۳. تفسیر وضعیت حقوقی هبه سکه از نظر حقوق مدنی

قانون‌گذار در ماده ۷۹۵ ق.م. در تعریف هبه می‌گوید: «هبه عقدی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کس دیگری تملیک کند». در مورد مفهوم مال آمده است: «مال آن چیزی است که به مقدار ارزش و مطلوبیتی که نزد عقلا دارد عقلاً به آن رغبت دارند» (موسوی خویی، بی‌تا، ۲/۳۲؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲ ه.ق، ۱۹/۴۱۳). مال چیزی است که نزد مردم مطلوب بوده و به طور مستقیم



یا غیرمستقیم نیازهای آنها را برطرف می‌کند (محقق داماد، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۱/۱۱۱). براساس این تعاریف، دین نیز مال محسوب می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۶۶/۳) و به این دلیل هبه آن را صحیح می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۳/۳۵۳). در ماده ۸۰۶ قانون مدنی آمده است: «هرگاه داین، طلب خود را به مدیون ببخشد حق رجوع ندارد». برخی معتقدند که این ماده تصریح به صحت هبه دین ندارد و حاکی از ابراء دین به مدیون است. براین اساس قانون‌گذار از استعمال واژه هبه در ماده مزبور احتراز و به واژه بخشش اکتفا کرده است (عمید، ۱۳۸۷). اگر هبه دین صحیح باشد تفاوتی میان هبه آن و ابراء نیست؛ زیرا اثری که بر هردو عمل حقوقی مترتب می‌شود، سقوط تعهد مدیون است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸).

تملیک دین از جانب طلبکار به بدهکار و دادن نام هبه دین به مدیون که در ماده ۸۰۶ ق.م.آ.م آمده است خیالی بیش نیست و در اصلاحات بعدی قانون مدنی باید ماده مزبور را به کلی حذف کرد و از این اختلاف تاریخی بیرون رفت (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸)، اما این سخن قابل پذیرش نیست؛ زیرا تفاوت‌های موجود میان این دو عمل حقوقی کافی است تا لزوم وجود هردو نهاد حقوقی در حقوق مدنی ایران پذیرفته شود. اولین تفاوت اینکه یکی عقد بوده و نیاز به دوطرف دارد و دیگری ایقاع بوده و وجود یک طرف برای تحقق آن کافی است. دومی این است که در هبه دین، مالکیت دین به مدیون انتقال می‌یابد و باتوجه به اینکه ایشان بدهکار نیز است درنهایت، جمع دو مورد متهب و بدهکار در یک شخص به مالکیت مافی‌الذمه منتهی می‌شود که در نتیجه، سقوط دین اثر قهری آن می‌شود. همین نظر در ماده ۳۰۰ ق.م.نیز مورد پذیرش بوده است: «اگر مدیون مالک مافی‌الذمه خود گردد ذمه او بری می‌شود مثل اینکه اگر کسی به مورث خود مدیون باشد پس از فوت مورث دین او نسبت به سهم‌الارث ساقط می‌شود». این درحالی است که اثر مستقیم ابراء، انتقال نیست، بلکه اسقاط دین است. باتوجه به این مطالب روشن می‌شود که اثر ابتدایی هردو عمل حقوقی متفاوت از هم است (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲/۱۳۴؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ۵۶/۲). سومین تفاوت که تفاوت در اثر این دو عمل حقوقی است این است که در فرضی که فردی مهر زوجه را ضمانت کرده باشد با هبه مهر، زوج مالک مهر شده و با وجود اینکه ذمه‌اش بری شده است، می‌تواند به ضامن رجوع کند، اما در جایی که ابراء مهر انجام گیرد زوج نمی‌تواند به ضامن رجوع



کند. شایان ذکر است اینکه قانون‌گذار از عدم جواز رجوع در هبه دین سخن می‌گوید به این دلیل نیست که این بخشش همان ابراء است؛ زیرا دیگر لزومی به طرح ماده در بحث از عقد هبه ندارد و نوعی لغو محسوب می‌شود که به دور از شأن قانون‌گذار است، پس ماده ۸۰۶ در مقام بیان حکم صحت هبه دین و عدم جواز رجوع در هبه دین به مدیون است نه حکم به اینکه هبه دین به مدیون همان ابراء باشد. مؤید این تفسیر، کلام برخی از حقوق دانان است که ذیل بحث از ماده فوق، بخشش طلب به مدیون را مشمول ابراء ندانسته و نیازمند قبول می‌بینند (کاتوزیان، ۱۳۹۱). مبتنی بر مطالب پیش گفته از دیدگاه حقوقی می‌توان گفت که منع قانونی از وقوع هبه سکه وجود ندارد.

۲- ۴. آثار پذیرش صحت هبه دین

آثاری که بر پذیرش صحت هبه سکه بار می‌شود یکی این است که با توجه به تفاوت‌های ماهیتی میان هبه و ابراء به طوری که اولی عقد و نیاز به ایجاب و قبول دارد، ولی دومی ایقاع است، وقوع آن نیاز به قبول طرف مقابل نخواهد داشت و درغیراین صورت نیازی به قبول نیست. (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۱۶۱/۲۸؛ علامه حلی، بی‌تا، ۴۱۶/۲؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳ ه.ق، ۲۴۲/۶؛ شهید اول، ۱۴۱۲ ه.ق، ۲۸۶/۲) دیگر اثر مهم عدم ادغام هبه دین به مدیون در ابراء جایی است که ضمانتی از مهر صورت گرفته باشد. به طوری که اگر طلبکار، یکی از مسئولین پرداخت را ابراء کند نه تنها امکان رجوع به دیگر مسئولین پرداخت را ندارد، بلکه خود زوج نیز حق رجوع به دیگری را ندارد، اما اگر حق خود مهر را به یکی از آنها (مسئولین) تحت عقد هبه انتقال دهد ایشان به قائم مقامی از دائن می‌تواند به دیگری رجوع کند (کاتوزیان، ۱۳۹۰). در ماده ۳۲۱ قانون مدنی آمده است: «هرگاه مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابراء کند حق رجوع به غاصبین دیگر نخواهد داشت، ولی اگر حق خود را به یکی از آنها به طوری از انحاء انتقال دهد آن کس قائم مقام مالک می‌شود و دارای همان حقی خواهد بود که مالک دارا بوده است».

۲- ۵. قابلیت رجوع از هبه سکه

در ارتباط با امکان و عدم امکان رجوع از هبه سکه، مطالعه رویه قضایی حاکی از اختلاف نظر است. در برخی از آرای قضایی مستند به ماده ۸۰۶ قانون مدنی چنین استدلال شده است: «هرگاه داین طلب خود را به مدیون ببخشد حق رجوع ندارد». مهر زوجه چون دین است



بر ذمه زوج استقرار یافته و با هبه آن امکان رجوع برای زوجه وجود ندارد (رأی شماره ۱۵۹۴ مورخ ۹۲/۹/۵ شعبه ۲۸۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران؛ رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۱۰۱۸۰۷ شعبه ۱۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۸؛ رأی شماره ۹۲۰۳۰-۹ دادگاه عمومی حقوقی ساری به تاریخ ۱۳۹۱/۲/۲۸). در برخی از آرای قضایی با اینکه سکه به نام دین بر ذمه زوج استقرار پیدا کرده است در هبه سکه این گونه استدلال می کنند که سکه، عین معین است و جزو استثنائات ماده ۸۰۳ قانون مدنی نشده است (رأی شماره ۹۲۰۴۰۱۲۵۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۷۲۰۱۳۰۸ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۲ شعبه ۱۲ دیوانعالی کشور). با اینکه در ماده ۸۰۶ به صراحت حکم به عدم جواز رجوع از هبه دین داده شده است، اما در رویه قضایی مشاهده می شود که سکه، دین محسوب نشده است. بنابراین، مشمول ماده مزبور نیست.

اگرچه وجه عدم جواز رجوع در ماده ۸۰۳ برمبنای برخی از فقها ابراء بودن آن است (حلی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۷۶/۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۶۲/۲۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۷۶/۶)، اما این سخن با اشکالاتی مواجه است که مطرح شد. بنابراین، لازم است تا مبانی مطروحه در مورد وجه عدم جواز رجوع در هبه دین استخراج شود تا عدم امکان رجوع در هبه سکه تحکیم شود. در مورد عدم جواز رجوع از هبه دین دو روایت وجود دارد: اولی صحیحه معاویه بن عمار از امام صادق (ع) که در آن آمده است: «از امام در مورد مردی که چند درهمی از فرد دیگری طلب داشت و آن درهم ها را به وی هبه کرد، سؤال کردم که آیا این شخص می تواند آن درهم ها را پس بگیرد؟ امام صادق (ع) فرمود: خیر» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۲/۷). در روایت دیگری از ایشان نقل شده است: «به امام صادق (ع) عرض کردم که یک مردی چند درهمی به فرد دیگر بدهکار بود، اما دائن آنها را به وی بخشید، بعد از آن، درهم ها را پس گرفت و مجدداً به او بخشش کرد و بار دیگر پس گرفت و دوباره آنها را به وی بخشید و بعد از آن از دنیا رفت. امام صادق (ع) فرمود: درهم از آن کسی است که به وی بخشیده شده است» (طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۵۵/۹). دو روایت مزبور به صراحت دلالت بر عدم جواز رجوع در هبه دین دارند. اگر اشکال شود که روایت اخیر با مطالب مورد نظر تناقض دارد؛ زیرا در روایت آمده است که آن فرد چندبار برای گرفتن طلب خود مراجعه کرد روایت دوم با روایت اول در تعارض است. در پاسخ به این مطلب باید گفت که مسئله رجوع بعد از هبه در کلام شخص سائل مطرح است نه کلام حضرت، پس میان مضمون دو روایت منافاتی

نیست (بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۳۰۷/۲۲).



علاوه بر این دو روایت، گفتنی است که بعد از تحقق عقد هبه دین و انتقال طلب به مدیون، دین از باب مالکیت مافی‌الذمه ساقط می‌شود با این استدلال که فرد بدهکار به اندازه لحظه‌ای (آن‌ما) مالکیت پیدا می‌کند و به همین دلیل است که گفته شده بیع دین بر مدیون صحیح است. (مروج جزائری، ۱۴۱۶ ه.ق. ۲۱۳/۱) توجه به ماهیت دین و قبض آن توسط مدیون که با هبه دین از جانب داین محقق می‌شود به معنای تصرف و تلف آن است (شهیدی، ۱۳۹۰) به همین دلیل امکان رجوع در آن از بین می‌رود نه از این باب که هبه دین به منزله ابراء باشد. همچنین دلیل عدم جواز رجوع در هبه - در این مورد - ابراء بودن آن نیست، بلکه علتش این است که وقتی دین به خود بدهکار بخشیده شود به مجرد هبه، آن دین از ذمه‌اش ساقط می‌شود چون تلف شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۱). می‌توان چنین استدلال کرد که معقول نیست مالکیت انسان بر چیزی که بر ذمه خودش است استمرار پیدا کند. براین اساس، آنچه موضوع هبه بوده تلف شده است و وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق. ۲۸/۱۶۵) تا رجوع از آن ممکن باشد، اما وجه اینکه تلف از موانع رجوع به مال موهوبه است فرمایش حضرت صادق علیه السلام در صحیحه جمیل و حلبی است. امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه موهوب، بعینه، قائم و باقی باشد می‌توان رجوع کرد». معلوم است که با تلف شدن مال، دیگر بعینه باقی نیست و قیام بعینه صدق نمی‌کند، پس نمی‌توان رجوع کرد و عقد لازم می‌شود» (بحرانی، ۱۴۰۵ ه.ق. ۲۲/۳۲۹).

هبه سکه مشمول صدر ماده ۸۰۶ قانون مدنی می‌شود. در ماده ۸۰۶ قانون مدنی آمده است: «بعد از قبض نیز واهب می‌تواند به ابقاء عین موهوبه از هبه رجوع کند؛ زیرا عینی باقی نیست تا رجوع از آن ممکن باشد». براساس بند ۳ ماده ۸۰۳ یکی از موارد عدم جواز رجوع موردی است که عین موهوبه از ملکیت متهب خارج شده باشد. در محل بحث هم باتوجه به ممنوعیت استمرار مالکیت بر مافی‌الذمه سکه موهوبه از ملکیت زوج خارج شده است. بنابراین، دلیل کافی بر غیرقابل رجوع بودن هبه دین وجود دارد و لازم نیست تا عمل حقوقی انجام شده به ابراء تعبیر شود (کاتوزیان، ۱۳۹۰). در مورد آرای که حق زوج را نسبت به سکه‌هایی که مهرش بوده است حق عینی محسوب می‌کنند باید گفت سکه‌ای که برای مهر تعیین می‌شود از مصادیق عین معین نیست، بلکه از مصادیق مال کلی است که با ذکر

اوصاف در سند نکاحیه معلوم شده است. در نتیجه، مهر در قالب دین برعهده زوج است. براین اساس در هبه سکه، موضوع هبه، دین بوده و از بین رفته است که این از مصادیق هبه غیرقابل رجوع محسوب می شود.

۳. بحث و نتیجه گیری

در مورد وضعیت حقوقی هبه سکه میان فقها و حقوق دانان اختلاف نظر است. برخی قائل به جواز هبه آن بوده و عمل حقوقی واقع شده را هبه می دانند. برخی قائل به عدم صحت آن هستند و نوع عمل حقوقی واقع شده را به ابراء تفسیر می کنند. در بررسی استدلال قائلین به صحت گفته شد که نظر این دسته از افراد موافق با اصل صحت بوده و وجود شرایط صحت عقد هبه موافق تحقیق است. بنابراین، اگر هم اشکالی متوجه نظر این گروه باشد باید آن را در دیدگاه رقیب دنبال کرد که استدلال های این گروه هم نقد شد. اشکالاتی که قائلین به بطلان مطرح و هبه منعقد را به ابراء تفسیر می کنند این است که قبض در هبه دین تحقق پیدا نمی کند و مالکیت منظور در هبه واقع نمی شود. در مورد تفسیر هبه به ابراء گفته شد که این قابل پذیرش نیست؛ زیرا ابراء و هبه در تحقق، متفاوت می باشند به طوری که اولی ایقاع بوده و با اراده زوجه تحقق می یابد، اما دومی عقد بوده و نیاز به دوطرف دارد. نتیجه مستقیم ابراء، اسقاط حق و نتیجه هبه، تملیک و انتقال آن به مدیون است و این دو را نباید با هم اشتباه کرد. یکی از آثار بسیار مهم درجایی است که ضمانتی از مهر صورت گرفته باشد. به طوری که اگر زوجه زوج را ابراء کند نه تنها طلبکار، امکان رجوع به دیگر مسئولین پرداخت دین را ندارد، بلکه خود زوج نیز حق رجوع به دیگری را ندارد، اما اگر زوجه مهرش را از عقد هبه به زوج انتقال دهد ایشان به قائم مقامی از دائن می تواند به ثالث ضامن رجوع کند. گذشته از اینها تفسیر اعمال حقوقی باید براساس مدلول مطابقی اراده طرفین باشد نه مدلول التزامی آنها. بنابراین، نمی توان هبه ای را که مقصود طرفین بوده است به ابراء تفسیر کرد و آثار آن را بر این مترتب ساخت.

در پاسخ به عدم تحقق قبض این نتیجه به دست آمد که منظور از قبض این است که قبض گیرنده، استیلا و سلطنت عرفی بر مال موهوبه داشته باشد و از آنجاکه قبض یدی





موضوعیتی ندارد و صدق قبض به حسب مصادیق و موارد مقبوض مختلف است و حتی گفته شد که استیلا و تسلط که مراد در قبض است در هبه مهری که بر ذمه زوج است شدیدتر هم است. براین اساس، چنین نتیجه شد که در مورد مهر نیز امکان قبض وجود دارد و حتی برخی از فقها و حقوق دانان به عدم نیاز به قبض در هبه مهری که بر ذمه زوج است، قائل می‌باشند. در مورد اشکال دوم که گفته می‌شد صحیح نیست تملیک از جانب یک نفر و تملک نیز از جانب همان شخص اقامه شود، پاسخ داده شد که اینکه تملیک و تملک از جانب یک نفر انجام می‌گیرد خدشه‌ای به صحت عقد هبه وارد نمی‌کند. علاوه بر این، مستند فقهی وجود داشت که اگر مقبوض دین باشد به این دلیل که در دست مدیون است، مقبوض فرض می‌شود. در مورد مالک مافی الذمه شدن نیز گفته شد که در هبه دین، مالکیت دین به مدیون انتقال می‌یابد؛ باتوجه به اینکه ایشان بدهکار نیز است. در نهایت اینکه، جمع دو موضوع متب و بدهکار در یک شخص به مالکیت مافی الذمه منتهی می‌شود که در نتیجه، سقوط دین اثر قهری آن می‌شود. از دیدگاه قانون مدنی نیز نتیجه شد که باتوجه به اینکه سکه در قالب دین بر ذمه زوج می‌آید و تعاریفی که از مال شده است شامل مال هم می‌شود، پس سکه نیز مال محسوب می‌شود و می‌تواند مشمول ماده ۷۹۵ قانون مدنی شود. همچنین در مورد ماده ۸۰۶ قانون مدنی این نتیجه به دست آمد که باتوجه به تفاوت‌های اساسی میان ابراء و هبه، آوردن ماده مزبور ذیل عقد هبه برپایه آموزه‌های فقهی و حقوقی است و نمی‌توان آن را ابراء دانست.

در بحث از قابلیت رجوع در هبه سکه با مطالعه رویه قضایی مشاهده شد که مسئله محل اختلاف است، اما نظر آنهایی که قائل به عدم امکان رجوع می‌باشند، قابل پذیرش است؛ زیرا سکه، مال کلی بوده که برای دین بر ذمه زوج می‌آید و با هبه آن علاوه بر اینکه روایات به صراحت دلالت بر عدم امکان رجوع دارند. باتوجه به اینکه بعد از تحقق عقد هبه و انتقال طلب به مدیون، دین از باب مالکیت مافی الذمه ساقط می‌شود؛ زیرا باتوجه به ماهیت دین، قبض آن توسط مدیون که با هبه دین از جانب داین محقق می‌شود به معنای تصرف و تلف آن محسوب می‌شود و از این نظر است که امکان رجوع در آن از بین می‌رود؛ این مطلب در صدر ماده ۸۰۳ قانون مدنی نیز مقرر شده است. همچنین معقول

نیست مالکیت انسان بر چیزی که در ذمه خودش است استمرار پیدا کند. بنابراین، با هبه سکه به زوج، مالکیتش نسبت به آن از بین می‌رود، پس مشمول بند ۳ ماده ۸۰۳ می‌شود.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ ه.ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۲. ازهری، محمد (۱۴۲۱ ه.ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. اصفهانی، منیرالدین (۱۴۲۶ ه.ق). *قبض الوقف*. اصفهان: انتشارات مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه.
۴. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ ه.ق). *کتاب المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۵. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ ه.ق). *الحدائق الناضرة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. ترحینی عاملی، سید محمد حسین (۱۴۲۷ ه.ق). *الزبدہ الفقہیہ فی شرح الروضہ البہیہ*. قم: دار الفقه للطباعة والنشر.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۰). *ترمیمولوژی حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸). *دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۹). *وسیط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۰. جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ ه.ق). *موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً للمذهب اهل البيت (علیهم السلام)*. قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
۱۱. جوهری، اسماعیل (۱۳۷۶). *الصحاح*. بیروت: دار العلم للملایین.
۱۲. حسینی عاملی، سید جواد (۱۴۱۹ ه.ق). *مفتاح الکرامه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ ه.ق). *العناوین الفقہیہ*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. حسینی میلانی، سید محمد هادی (۱۳۹۵). *محاضرات فی فقه الامامیه*. مشهد: مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه فردوسی.
۱۵. حسینی روحانی، سید صادق (۱۴۱۲ ه.ق). *فقه الصادق*. قم: دارالکتاب-مدرسه امام صادق (علیه السلام).
۱۶. حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰ ه.ق). *السرائر*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ ه.ق). *جامع المدارک*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ ه.ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم.
۱۹. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ ه.ق). *مہذب الاحکام*. قم: مؤسسه المنار.
۲۰. سلیمان کلوانق، امین، باقری، احمد، و مرتضی، احمد (۱۳۹۷). *نقدی بر تفاسیر حقوقی ماده ۲۱۸ قانون مدنی و ارائه تفسیر برپایه آموزه‌های فقه امامیه*. نشریه آموزه‌های فقه مدنی، ۱۷ (۱۰)، ۶۵-۸۸.
۲۱. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ ه.ق). *الدروس الشرعیہ*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. شهیدی، مهدی (۱۳۹۰). *حقوق مدنی (سقوط تعهدات)*. تهران: انتشارات مجد.
۲۳. صاحب، اسماعیل (۱۴۱۴ ه.ق). *المحیط فی اللغة*. بیروت: عالم الکتب.
۲۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۶ ه.ق). *هدایه العباد*. قم: دارالقرآن الکریم.
۲۵. طباطبایی قمی، سید تقی (۱۴۰۰ ه.ق). *درساتنا من الفقه الجعفری*. قم: مطبعه الخیام.
۲۶. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۴ ه.ق). *تکمله العروه الوثقی*. قم: کتاب فروشی داوری.
۲۷. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۳ ه.ق). *العروه الوثقی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ه.ق). *تهذیب الاحکام*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ه.ق). *مختلف الشیعہ*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۸ ه.ق). *تذکره الفقہا*. قم: منشورات المکتبه المرتضویہ لاحیاء الآثار الجعفریہ.
۳۱. عمید، موسی (۱۳۸۷). *حقوق مدنی (ہبہ)*. تهران: انتشارات نگاه بینه.
۳۲. غروی نایینی، میرزا محمد حسین (۱۳۷۲). *منیہ الطالب*. تهران: المکتبه المحمدیہ.
۳۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). *حقوق مدنی (عطایا)*. تهران: انتشارات گنج دانش.



۳۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). عقود معین. تهران: گنج دانش.
۳۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). عقود معین. تهران: انتشارات بهنشر.
۳۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). حقوق مدنی (ایقاع). تهران: میزان.
۳۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). حقوق مدنی (اموال و مالکیت). تهران: میزان.
۳۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: میزان.
۳۹. کاشف الغطاء، جعفر (۱۴۲۲ ه.ق). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۰. کلینی، محمد (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. محقق داماد، سیدمصطفی، قنوتی، جلیل، شبیری، سیدحسن، و عبدی پورفرد، ابراهیم (۱۳۹۲). حقوق قراردادها در فقه امامیه. تهران: سمت.
۴۲. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ ه.ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۳. مروج جزائری، سیدمحمد جعفر (۱۴۱۶ ه.ق). هدی الطالب فی شرح المکاسب. قم: مؤسسه دارالکتاب.
۴۴. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ ه.ق). مصباح الفقاهه (المکاسب). بی جا: بی نا.
۴۵. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۱ ه.ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
۴۶. موسوی خمینی، سیدروح الله (بی تا). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۴۷. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ ه.ق). منهاج الصالحین. قم: نشر مدینه العلم.
۴۸. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۳ ه.ق). هدایه العباد. قم: دارالقرآن الکریم.
۴۹. مهنا، عبدالله علی (۱۴۱۳ ه.ق). لسان اللسان. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ه.ق). جواهر الکلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۵۱. نراقی، مولی احمد (۱۴۱۷ ه.ق). عوائد الایام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۵۲. نراقی، مولی احمد (۱۴۲۲ ه.ق). مشارق الاحکام. قم: کنگره نراقیین ملامهدی و ملااحمد.



نقدی بر پنداره جواز فسخ نکاح به علت زناى زوج

محمد عربشاهی^۱، محمود حق بجانب^۲، جواد اکرامی رباط خاکستری^۳

چکیده

ازجمله مواردی که ممکن است زوج به دلیل آن درخواست فسخ نکاح نماید، ارتکاب زوج به زنا می باشد. پژوهش حاضر باهدف بررسی نظرات مشهور فقهای امامیه در این موضوع و نقد پنداره جواز فسخ نکاح به دلیل زناى زوج انجام شد. ازاین رو، آثار فقهی- حقوقی مکتوب در این مسئله مطالعه و داده ها به شیوه تحلیلی- اسنادی بررسی و تحلیل گردید. نتایج نشان داد که مشهور علما براساس روایات خاص، روایات دال بر حصر اسباب خیار و اصل لزوم بر این باورند که زناى مرد موجب پدیداری حق فسخ برای زن نمی شود، درحالی که برخی فقها با استناد به روایات خاص، قاعده لاضرر و تخلف از شرط صفت، این حق را برای زن محفوظ می دانند. تحلیل داده ها نشان داد اگرچه روایات مورد استناد دسته دوم، مشکل سندی ندارد، باتوجه به ضعف دلالی، اعراض فقها و نیز تعارض با ادله قوی تر، از استحکام کافی برخوردار نیست. باتوجه به قرائن و مؤیدات موجود، باید احادیث وجوب تفریق را بر استحباب طلاق حمل کرد، در غیر این صورت، نمی توان میان احادیث متعارض جمع نمود و باید به تساقط آنها قائل شد و به ادله عام لزوم عقد رجوع کرد. براین اساس، حمل روایات تفریق بر تقیه و فرض شهرت زنا، همچنین استناد به قاعده لاضرر و تخلف از شرط صفت، با اشکالات متعددی روبه روست و نمی توان با آن حق فسخ را اثبات کرد.

واژگان کلیدی: فسخ نکاح، دلایل فسخ نکاح، زنا، زناى زوج، استحباب طلاق،

وجوب طلاق، قاعده لاضرر.

1DOI: 10.22034/IJWF.2023.15290.2059

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵
۱. پژوهشگر فقه و مبانی حقوق، پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، ایران / استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mohammadarabshah@gmail.com

ORCID ID: 0000-0003-4205-9425

۲. استادیار فقه و مبانی حقوق، گروه معارف، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران.

Email: haghbj@bojnordiau.ir

ORCID ID: 0000-0003-3795-0221

۳. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران / دانشآموخته سطح ۴، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران.

Email: Javad.ekrami63@gmail.com

ORCID ID: 0000-0001-6650-2925

A Critique on the Concept of the Permissibility of Annulment of Marriage due to Adultery

Mohammad Arab Shahi¹, Mahmoud Haghbejaneb², Javad Ekrami Robot Khakestari³

Among the cases for which the wife may request the annulment of the marriage is the husband committing adultery. The current study was conducted with the purpose of examining the opinions of famous Imami jurists on this issue and criticizing the concept of the permissibility of annulment of marriage due to adultery. Therefore, written jurisprudential-legal works on this issue were studied and data were analyzed based on the analytical-documentary way. The results showed that the famous scholars, according to specific traditions, traditions that indicate the limitation of cucumbers and the principle of necessity, believe that adultery by a man does not lead to the emergence of the right of termination for a woman, while some jurists, citing special traditions, the rule of no harm and the violation of the attribute condition, this right is reserved for women. The analysis of the data showed that although the narrations cited in the second category do not have a document problem, due to the weakness of the intermediary, the symptoms of the jurists, and also the conflict with stronger evidence, it does not have sufficient strength. According to the available evidences, the hadiths on the necessity of separation should be carried over the necessity of divorce; otherwise, it is not possible to combine the conflicting hadiths, and one should consider them to be invalid and refer to the general arguments of the necessity of marriage. As a result, carrying the traditions of deduction on Taqiyyah and assuming the reputation of adultery, as well as invoking the rule of harm and violation of the attribute condition, faces many problems and cannot be used to prove the right of rescission.

Keywords: annulment of marriage, reasons for annulment of marriage, adultery, marital adultery, desirable divorce, mandatory divorce, harmless rule.

DOI: 10.22034/IJWF.2023.15290.2059

Paper Type: Research

Data Received: 2023 / 02 / 21 Data Revised: 2023 / 05 / 19 Data Accepted: 2023 / 05 / 26

1. Researcher of Jurisprudence and Legal Fundamentals, Razavi Research Institute of Islamic Sciences, Astan Quds Razavi Research Foundation, Mashhad, Iran / Professor of the Higher Levels of Seminary, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

Email: mohammadarabshah@gmail.com ORCID ID: 0000-0003-4205-9425

2. Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Department of Knowledge, Islamic Azad University, Bojnurd Branch, Bojnurd, Iran.

Email: haghbj@bojnordiau.ir ORCID ID: 0000-0003-3795-0221

3. M.A. in Jurisprudence and Fundamentals of Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran / Fourth level graduate, Khorasan Seminary, Mashhad, Iran.

Email: Javad.ekrami63@gmail.com ORCID ID: 0000-0001-6650-2925

۱. مقدمه

ازدواج یکی از سنت‌های الهی است که شارع مقدس بر آن تأکید زیادی دارد و برای استحکام این پیوند احکام بسیاری مطرح شده است. زوج مناسب از نظر شارع باید صفات جسمانی، رفتاری و روانی مناسبی داشته باشد مانند تأمین نیازهای همسر، تدین، عفت و پرهیز از شرابخواری و زنا. (عربشاهی، ۱۳۹۴) یکی از تهدیدهای اساسی برای تشکیل و پایداری خانواده، ارتکاب زنا توسط مرد پیش یا پس از ازدواج است که شارع مقدس با قراردادن قوانین جزایی با این پدیده برخورد کرده است (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۶۱/۲۸). واکاوی تأثیر این رفتار جنسی نامشروع بر پیوند زناشویی اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا این مسئله یکی از مسائل مبتلا به است و بسیاری از بانوان حاضر به ازدواج یا ادامه زندگی با چنین زوجی نیستند. همچنین برخی از علمای امامیه و نویسندگان معاصر معتقدند که زنا ی زوج قبل یا بعد از ازدواج برای زن حق فسخ ایجاد می‌کند (ر.ک.، علامه حلی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۱۵/۷؛ داداشی نیایی، ۱۴۰۰ هـ.ش). هدف از نوشتار حاضر ارزیابی قول جواز فسخ نکاح به دلیل زنا ی زوج است.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

بحث زنا ی مرد در کتب فقهی بیشتر در بخش جزایی توسط فقه‌های امامیه مطرح شده است. در کتب نکاح نیز به صورت بسیار گذرا و به مناسبت زنا ی زن از آن یاد شده است. در این زمینه فقط یک مقاله با عنوان «نقش خیانت زوج در انحلال نکاح» نگاشته شده است که از نظر موضوع، دامنه و کیفیت بحث با پژوهش حاضر متفاوت است. در مقاله یادشده از مطلق خیانت مرد چه به صورت لواط و چه به صورت زنا از منظر قوانین موضوعه و عرف بحث شده است نه با نگاهی فقهی. شاهد امر این است که روایاتی که بتوان این موضوع را به آن استناد نمود، ذکر نشده است و ادله ذکر شده در آن نیز از دیدگاه فقه امامیه قابل دفاع و دارای استحکام کافی نیست. پژوهش حاضر بر مسئله امکان سنجی فسخ نکاح به دلیل زنا ی زوج تمرکز دارد. در پژوهش حاضر علاوه بر ذکر ادله‌ای که برای اثبات جواز فسخ نکاح به دلیل زنا ی زوج به آن استناد شده، ادله‌ای که ممکن است برای پیروان نظریه فسخ اقامه کرد نیز آورده و سپس با دیدگاهی فقهی ارزیابی شده است که این امر رویکردی نوین است. در برابر قائلین به فسخ نکاح به دلیل زنا ی زوج، بسیاری از فقها معتقدند که

باتوجه به لازم بودن عقد نکاح فقط در موارد تدلیس، عیوب خاص مذکور در روایات و تخلف از شرط، فسخ امکان پذیر است (ر.ک.، محقق ثانی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۲۸۸/۱۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ ه.ق).

۲-۱. ادله فسخ نکاح

از نظر فقها درباره زنا روایاتی وجود دارد که بر عیب بودن زنا در مرد و زن و فسخ نکاح به دلیل آن دلالت دارد. شیخ صدوق در کتاب *علل* به آنها استناد کرده است، ولی این روایات با احادیثی که از نظر سند و دلالت قوی ترند در تعارض است که از جمله آنها صحیحہ علی بن جعفر است. (ر.ک.، آل عصفور بحرانی، بی تا، ۱۷۶/۱۰) قائلین به حق فسخ نکاح از طرف زن، به دو دسته ادله استناد کرده اند: دسته نخست ادله، مختص ارتکاب زنا پس از ازدواج و پیش از دخول به همسر؛ و دسته دوم جدای از این فرض است.

۲-۱-۱. ادله ثبوت خيار فسخ نکاح در فرض زنا پس از ازدواج و پیش از دخول به همسر

اول، روایت علی بن جعفر

«رَوَى عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ بِامْرَأَةٍ فَلَمْ يَدْخُلْ بِهَا فَزَنَى مَا عَلَيْهِ قَالَ يُجْلَدُ الْحَدَّ وَ يُخْلَقُ رَأْسُهُ وَ يُفَرَّقُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَهْلِهِ وَ يُنْفَى سَنَةً». (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ۴۱۶/۳) در این حدیث از امام کاظم عليه السلام درباره مردی که با زنی ازدواج کرده است و قبل از مباشرت با زن زنا کرده است، سؤال کردند. آن حضرت فرمود: «بر او حد زده می شود و موی سرش تراشیده می شود و میان او و همسرش جدایی انداخته می شود و به مدت یک سال تبعید می شود». شیخ صدوق این حدیث را از علی بن جعفر از امام کاظم عليه السلام نقل می کند. علی بن جعفر ثقه و جلیل القدر بوده است (ر.ک.، شیخ طوسی، ۱۴۲۷ ه.ق). شیخ صدوق دو سلسله سند به علی بن جعفر دارد (ر.ک.، شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ۴۲۳/۴). سلسله سند نخست مشتمل بر این افراد است: - علی بن حسین بابویه: نجاشی درباره علی بن حسین می گوید: «شیخ قمیین در زمان خود و فقیه و ثقه آنهاست»؛ (نجاشی، ۱۴۰۷ ه.ق)

- محمد بن یحیی العطار: شیخ طوسی درباره محمد بن یحیی العطار می گوید: «شیخ

اصحابنا فی زمانه ثقه عین کثیر الحدیث»؛ (شیخ طوسی، ۱۳۶۳، ۳۱۲/۴)

- عمرکی بن علی بوفکی: در کتب رجال به وثاقت عمرکی نیز تصریح شده است (نجاشی،

در سلسله سند دوم افراد زیر واقع شده‌اند:

- محمد بن حسن بن احمد بن ولید: علامه حلی این‌گونه از محمد بن حسن بن احمد بن ولید تعبیر می‌کند: «ثقه ثقة عین مسکون الیه جلیل القدر عظیم المنزله موثق به». (علامه حلی، ۱۳۸۱) بنابراین، او ثقه بوده است و جایگاه والایی دارد؛

- محمد بن حسن صفار: وی از ثقات و افرادی آبرومند بوده است؛ (نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق)

- سعد بن عبدالله: او نیز فقیهی جلیل القدر و ثقه بوده است؛ (نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ علامه حلی، ۱۳۸۱)

- احمد بن محمد بن عیسی: ایشان نیز شیخ، رئیس و فقیه قمی‌ها و فردی ثقه بوده است؛

(شیخ طوسی، ۱۴۲۰ هـ.ق؛ علامه مجلسی، ۱۴۲۰ هـ.ق)

- فضل بن عامر: در کتب رجالی به وثاقت یا عدم وثاقت او تصریح نشده و مجهول است. (خویی،

بی‌تا، ۱۴/۳۲۲)

بنابراین، طریق دوم ضعیف است، اما باتوجه به صحت طریق اول، مشکلی در سند این حدیث وجود ندارد.

دوم، روایت طلحه بن زید

«طَلْحَةُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابٍ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ الرَّجُلَ إِذَا تَزَوَّجَ بِالْمَرْأَةِ فَرَزَنِي قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا لَمْ يَحِلَّ لَهُ لِأَنَّهُ زَانٍ وَ يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا وَ يُعْطِيهَا نِصْفَ الصَّدَاقِ؛ طلحه بن زید این حدیث را از امام صادق علیه السلام و ایشان از پدر خود نقل می‌کند که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: من در کتاب حضرت علی علیه السلام خواندم که هرگاه مردی بعد از ازدواج و قبل از مباشرت زنا کند، زنی که با او ازدواج کرده است برای او حلال نیست و از هم جدا می‌شوند و مرد نصف مهریه را می‌پردازد». (شیخ صدوق، بی‌تا، ۵۰۲/۲)

برخی از روایت فوق به موثق (ر.ک.، سند، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۱/۲۷۰) و گروهی دیگر از آن به صورت خبر یاد می‌کنند (ر.ک.، نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۹/۲۴۴). در ادامه با بررسی سند، دلیل این اختلاف در تعبیر روشن می‌شود. شیخ صدوق از پدرش از سعد بن عبدالله از احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن یحیی خراز و محمد بن سنان از طلحه بن زید از امام علیه السلام این حدیث را نقل کرده است. وثاقت سه نفر نخست در حدیث پیشین ثابت شد، اما افراد باقیمانده عبارتند از:

- محمد بن یحیی الخراز: نجاشی از او به ثقه و عین تعبیر کرده است؛ (نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق)

- محمد بن سنان: درباره وثاقت محمد بن سنان میان علما اختلاف است. شیخ طوسی

و نجاشی معتقدند وی غالی و غیر ثقة است، اما برخی مانند شیخ مفید، علامه حلی، شیخ انصاری، آیت الله شبیری زنجانی و امام خمینی رحمته الله علیه وی را ثقة می دانند. یکی از قرائن وثاقت و عدم غلوش این است که اجلاء از وی روایت نقل کرده اند. برای نمونه اینکه صفوان بن یحیی که به جز از ثقة روایت نقل نمی کند از او روایت دارد. (ر.ک.، شیخ انصاری، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۸۳/۱) همچنین احمد بن محمد بن عیسی که افرادی را به دلیل غلو از شهر اخراج می کرد احادیث زیادی را از او نقل کرده است (شبیری زنجانی، بی تا، ۴۷۲۰/۱۴، خوبی، بی تا، ۱۶۹/۱۷، کشی، بی تا، ۲۶۹/۱، موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ۵۰/۲).

از دیدگاه نگارنده حتی اگر فرض بر عدم ثقیات محمد بن سنان باشد به سند این حدیث خدشه وارد نمی شود؛ زیرا این حدیث را محمد بن یحیی خراز نیز نقل کرده و وثاقت او در سطور قبل بیان شد.

- طلحه بن زید: اگرچه توثیق خاص درباره وی وجود ندارد، اما به نظر می رسد وی ثقة است؛ زیرا اول اینکه وی در اسناد روایات کامل الزیارات و تفسیر قمی آمده است (ر.ک.، ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶: قمی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۹۳/۲) که این امر از توثیقات عام است. دوم اینکه، شیخ طوسی پس از ذکر عامی بودن طلحه می نویسد: «کتاب او مورد اعتماد است» (شیخ طوسی، ۱۴۲۰ هـ.ق). از این عبارت به روشنی برداشت می شود که اعتماد به کتاب، به دلیل ثقة بودن نگارنده آن است (خوبی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۴۴۶/۲۲). همچنین صفوان بن یحیی از اصحاب اجماع که به جز از ثقات نقل نمی کند نیز از او روایت نقل کرده است (ر.ک.، عاملی، بی تا، ۵۴/۱۱؛ حکیم طباطبایی، ۱۴۲۵ هـ.ق).
باتوجه به این مطالب روشن شد که سند این حدیث نیز معتبر است.

سوم) روایت حنان

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ حَنَانٍ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَأَنَا أَتَمَعُ مِنَ الْبَكْرِ يَفْجُرُ وَقَدْ تَزَوَّجَ فَفَجَرَ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِأَهْلِهِ قَالَ: يُضْرَبُ مَائَةٌ وَيُجْزَى شَعْرُهُ وَيُنْفَى مِنَ الْمَضَرِّ حَوْلًا وَيَفْرَقُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَهْلِهِ؛ حنان می گوید: فردی از امام صادق عليه السلام درباره مردی پرسید که برای اولین بار ازدواج کرده بود، ولی قبل از مباشرت با همسرش مرتکب زنا شده بود. حضرت فرمود: صد ضربه شلاق زده می شود و موهای سرش تراشیده شده و به مدت یک سال از شهرش تبعید می شود و میان او و همسرش جدایی ایجاد می شود». (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۶/۱۰)

نسبت به سند حدیث فوق گفته شده است که طریق شیخ طوسی به محمد بن علی بن محبوب صحیح است. (قمی طباطبائی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۰/۱) محمد بن علی بن محبوب و سیف بن عمیره، توثیق خاص دارند (خویی، بی تا، ۹/۱۸؛ خویی، بی تا، ۳۸۲/۹). به قرینه راوی و مروی عنه مراد از احمد، احمد بن محمد بن عیسی اشعری و مراد از حنان، حنان بن سدید است (خویی، بی تا، ۳۱۵/۷؛ خویی، بی تا، ۸۵/۳). علی بن حکم در اسناد کامل الزیارات و تفسیر علی بن ابراهیم قمی است (خویی، بی تا، ۴۱۲/۱۲). برخی از محققین معتقدند که وی همان علی بن حکم بن زبیر است که مرحوم شیخ او را توثیق کرده است. براین اساس، آیت الله خوانساری از این حدیث به صحیحی تعبیر کرده است (ر.ک.، خوانساری، ۱۳۵۵، ۳۱/۷). برخی از آن به موثق تعبیر کرده اند (ر.ک.، موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ هـ.ق، ۲۱۸/۱). آیت الله مکارم شیرازی نیز می فرماید: «روایت حنان و علی بن جعفر بر حق فسخ داشتن زن در فرض ارتکاب زنا توسط شوهر دلالت دارد، ولی باتوجه به اعراض مشهور نمی توان براساس آنها فتوا داد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۱۲۷/۵).

پس از نقل متن و بررسی سند سه روایت، برای بررسی دلالت آنها باید به چند نکته توجه داشت:

- مورد این روایات زنا یا زوج پس از عقد و پیش از مباشرت با زوجه است. بنابراین، شامل زنا یا پیش از عقد یا زنا یا پس از دخول به زوجه نمی شود؛

- در این احادیث سه مجازات برای مردی که پس از عقد و پیش از مباشرت با همسر زنا می کند، مطرح است: شلاق، تراشیدن مو و تبعید. در اینکه آیا در این احادیث مجازات چهارمی نیز بیان شده است یا خیر اختلاف وجود دارد؛

- در این روایات دو کلمه مجمل وجود دارد که باید بررسی و رفع ابهام شود: نخست، در کلمه «اهل» دو احتمال وجود دارد: یکی اینکه مراد فقط زوجه است و دیگری اینکه مراد خانواده و اقوام است. ابتدای حدیث حنان عبارت «یدخل باهله» قرینه بر احتمال نخست است. دوم اینکه، اگر اهل به معنای زوجه باشد در «یفرق» چند احتمال وجود دارد: اول، جدایی فیزیکی. بنابراین، احتمال فراز «یفرق» تأکید تبعید و بیان جزئیات آن است که در تبعید همسرش با او همراه نباشد؛ دوم، مراد انحلال نکاح و جداسازی شرعی با انفساخ (علامه مجلسی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۷۲/۱۶). فسخ (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۱۲۷/۵) یا طلاق است (گلپایگانی،

۱۴۱۴ هـ.ق/۱/۳۲۵). براساس این احتمال، مجازات چهارمی در این روایات برای این زانی بیان شده که همسرش به صورت شرعی از او جدا می‌شود، البته اگر مراد از اهل، اقوام و خانواده باشد یفرق به معنای دوم نیست؛ زیرا در اقوام، فسخ یا طلاق بی معناست.

برخی از علمای معاصر در این باره می‌گویند: «آیا مراد از اهل، جدایی بین زانی و خانواده‌اش است یا مراد جدایی از همسرش است؟ هردو خلاف ظاهر است؛ زیرا اگر مراد احتمال نخست باشد لفظ برای تأکید آورده شده و تأکید خلاف اصل است؛ زیرا باتوجه به ذکر: «نفی سنه» نیازی به ذکر تفریق نیست. اگر مراد احتمال دوم است وجه متناهی برای آن نیست و دیده نشده است کسی از فقها متعرض آن باشد. بله اگر این ثابت شود، چهارمین مجازات می‌شود» (شیرازی حسینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۸۷/۱۸۰) از دیدگاه علامه مجلسی اول، ممکن است «تفریق» را بر یک سال تبعید حمل کرد. بنابراین، عبارت: «نفی سنه» مفسر و توضیح دهنده عبارت «فُرُق بین و بین اهله» است (مجلسی اول، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۸/۲۵۹)، در این صورت این واژه اصل تبعید را بیان می‌کند، اما اینکه همسرش را با خود به تبعید نبرد را نمی‌رساند. آیت الله فاضل لنکرانی می‌فرماید: «دو احتمال در تفریق وجود دارد: اول اینکه همسرش به همراه او در تبعید نباشد تا دچار رنج شود؛ دوم اینکه او را وادار به طلاق کنند و اینکه چنین مردی که با نادیده گرفتن لذت جنسی حلال، مرتکب زنا شده است به درد زندگی نمی‌خورد، البته احتمال دوم اقرب است اگرچه فقها به آن فتوا نداده‌اند» (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰/۱/۴۴۸).

از نظر نویسنده مقاله حاضر، کلمه «اهل» در صدر حدیث حنان بن سدید: «ففجر قبل ان یدخل باهله» به معنای همسر است و همین امر شاهد و قرینه معینه‌ای برای این است که کلمه اهل در ذیل این حدیث و احادیث دیگر در زوجه ظهور پیدا کند.

درباره کلمه «یفرق» احتمالات متعددی آمده است، ولی به نظر می‌رسد برخی از آنها بسیار ضعیف باشند و احتمال فسخ از این دسته است. بیان مطلب این است که در روایت طلحه، تعبیر «لم تحل له» که در کنار «یفرق» آمده است، موجب می‌شود که «یفرق» ظهور قوی در انفساخ عقد پیدا کند. شبیه همین تعبیر در فرض زناى زوجه در احادیثی آمده است و آنها ظهور در انفساخ دارند (اراکي، ۱۳۷۷؛ عربشاهی، ۱۳۹۸)، اما ذکر استحقاق نصف مهریه، ارزش این احتمال را کم می‌کند مگر اینکه گفته شود: «اگرچه در موارد انفساخ در فرض عدم دخول، زن مستحق نفقه نیست»، ولی این مورد استثناست و در سایر موارد چنین استحقاقی وجود ندارد.

همان‌طور که عده‌ای معتقدند، احتمال جدایی فیزیکی در این فراز داده شده است؛ یعنی مناسبت بین حکم و موضوع می‌رساند جدایی فیزیکی اراده شده است به اینکه همسر، شوهر را در تبعید همراهی نکند و شوهر از لذت جنسی که برده است، محروم شود؛ مانند فردی که به صورت عمدی در ماه رمضان روزه خود را افطار کند که شارع با جعل کفاره او را برای مدت طولانی از همان لذت محروم کرده است، اما این احتمال نیز ضعیف است؛ زیرا با جدایی فیزیکی تنها شوهر مجازات نمی‌شود و همسرش نیز به مدت یک سال از مباشرت حلال محروم می‌شود و نباید زن متحمل عواقب گناه مرد شود. (شیرازی حسینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۸۵/۸۷) بنابراین، باید حکم امام صادق علیه السلام به تفریق را بر طلاق حمل کرد نه اینکه آن زن، همسر اوست، ولی نمی‌تواند نزد شوهرش باشد. علامه محمدتقی مجلسی این احتمال را پسندیده است و می‌فرماید: «حاکم امر به طلاق می‌کند» (مجلسی اول، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۲۶۰/۸). دلیل احتمال ضعیف بودن اراده فسخ در این سه حدیث، دو امر است: از سویی در روایت طلحه آمده است نصف مهر را باید به زن بدهد و این می‌رساند که جدایی آنها از باب فسخ نیست؛ زیرا به اتفاق علمای شیعه در موارد فسخ ازدواج توسط زن به جز در عنن، زن مستحق مهریه نیست (طباطبایی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۴۶۶/۱۱). از سوی دیگر در روایات برای فسخ از الفاظ «یرد» و «یفسخ» استفاده می‌شود و در روایات مورد بحث این الفاظ وجود ندارد.

۲-۲. روایت معارض با روایات ثبوت خیار فسخ نکاح و دامنه آن

در برابر این سه روایت، روایت رفاعه، جدایی زن و شوهر در این فرض را نفی می‌کند: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَفَضَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَزْنِي قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِأَهْلِهِ أَمْ يُرْجَمُ قَالَ لَا قُلْتُ يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا إِذَا زَنَى قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا قَالَ لَا؛ رِفَاعَةُ مِثْلُ مَا قُلْتُ» از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: مردی پیش از دخول به همسرش زنا می‌کند آیا سنگسار می‌شود؟ حضرت فرمود: خیر. رفاعه سؤال می‌کند: آیا میان آنها جدایی افکنده می‌شود؟ حضرت فرمود: خیر. (شیخ صدوق، بی‌تا، ۵۰۲/۲)

روایت فوق صحیح است (ر.ک.، فاضل هندی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۴۴۷/۱۰، خویی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۲۴۶/۴۱) و در آن به صراحت آمده است که زناي مرد بعد از ازدواج و قبل از مباشرت، سبب تفریق نمی‌شود.



بنابراین، این حدیث نقطه مقابل سه حدیث پیشین است. شیخ صدوق در کتاب مقنع روایت طلحه را ذکر و به آن فتوا داده است، ولی در *علل الشرایع* پس از ذکر روایت طلحه (تفریق) می‌فرماید: «آنچه به آن فتوا می‌دهم و به آن اعتماد می‌کنم، روایت رفاعه است» (شیخ صدوق، بی‌تا، ۵۰۲/۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۵ هـ.ق)، البته این تفاوت فتوای شیخ صدوق خلاف سیره ایشان است.

۲-۳. اقسام حل تعارض بین دو دسته روایت

علما برای حل تعارض میان این دو دسته احادیث دوگونه عمل کرده‌اند: برخی یک دسته را مقدم کرده و دسته دیگر را کنار گذاشته‌اند و برخی میان آنها جمع کرده‌اند.

۲-۳-۱. جمع عرفی

الف) حمل روایات تفریق بر مشهور به زنا

فیض کاشانی می‌گوید: «جمع میان احادیث به این است که حدیث طلحه (تفریق) بر مشهور به زنا بودن شوهر حمل شود و روایت رفاعه بر غیر این فرض» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۱۳۶/۲۱) محدث بحرانی می‌فرماید: «اگرچه بعید است، اما امکان دارد میان این روایات این‌گونه جمع کرد که روایات تفریق را بر فرد مشهور به زنا در فرض عدم توبه حمل کرد و صحیحه رفاعه را بر غیر مشهور یا بر فرد مشهور به زنا که از عمل خود توبه کرده است، حمل کرد» (بحرانی، ۱۳۶۳، ۸۳/۳۲).

از نظر نویسندگان مقاله حاضر، این جمع تبرعی و بدون هیچ شاهی است. بدین دلیل، محدث بحرانی با تردید و استبعاد این وجه جمع را بیان کرده است.

ب) اراده معانی متفاوت از تفریق

برخی احتمال داده‌اند میان احادیث این‌گونه جمع شود که مراد از تفریق در سه حدیث نخست که به تفریق دستور می‌دهند، جدایی فیزیکی است، اما مراد از تفریق در روایات نافی آن، جدایی شرعی به معنای فسخ، طلاق و انفساخ است. البته به نظر نویسندگان مقاله حاضر، ظاهر دو دسته روایت این است که تفریق در آنها یک معنا دارد. به همین دلیل این احتمال شاهد و قرینه‌ای از خود این احادیث ندارد و جمع تبرعی است.

ج) حمل روایات تفریق بر استحباب طلاق

برخی از علمای معاصر معتقدند که تنها راه جمع بین روایات مورد بحث این است که روایات تفریق (یعنی روایات نقل شده از طلحه، حنان و علی بن جعفر) را بر استحباب طلاق

حمل کرد وگرنه باید روایات تفریق را کنار گذاشت؛ زیرا اصحاب به آنها عمل نکرده‌اند. (مؤمن، ۱۳۸۹، ۲/۲۳۳) آیت‌الله روحانی دلیل این امر را صراحت روایت رفاعه بن موسی در عدم منع می‌داند (روحانی، ۱۴۳۵ ه.ق، ۸۳/۳۲). در توضیح نظر ایشان می‌توان گفت که روایت طلحه بن زید و صحیح‌ه علی بن جعفر بر وجوب تفریق دلالت دارند و صحیح‌ه رفاعه با آن دو در تعارض است. برای جمع بین آنها باید از ظهور دو روایت نخست (یعنی روایت طلحه و علی بن جعفر) در وجوب رفع ید کرده و آنها را بر استحباب حمل کرد؛ زیرا صحیح‌ه رفاعه بر تصریح به نفی تفریق دارد و در این صورت صریح است و نص، بر ظاهر مقدم است (سیفی، بی‌تا، ۱۹۳/۳). بنابراین به واسطه زنا، مرد به همسرش حرام نمی‌شود، بلکه مستحب است از یکدیگر با طلاق جدا شوند و ادامه زندگی آنها با یکدیگر مکروه است. کراهت را می‌توان از تعلیل به زنا در روایت طلحه به دست آورد (ر.ک.، سند، ۱۴۲۹ ه.ق، ۲۷۰/۱).

اگرچه باتوجه به مؤیدات و قرائن، جمع فوق نسبت به جمع‌های دیگر استحکام بیشتری دارد، برخی گفته‌اند حمل احادیث وجوب تفریق بر استحباب، خلاف متبادر عرفی است و صحیح نیست؛ زیرا اگر در برابر روایات دستوردهنده به تفریق در روایت رفاعه از الفاظی استفاده می‌شد که بر جواز دلالت می‌کرد، می‌شد آن را بر استحباب حمل کرد، ولی باتوجه به اینکه از نهی یا نفی استفاده شده است و نهی و نفی بر کراهت دلالت دارند و با وجوب سازگاری ندارند، بین دودسته تعارض وجود دارد و نباید بر استحباب حمل شود، بلکه دوراه پیش روست: یکی اینکه یا احادیث موافق با عامه را بر تقیه حمل کرد و روایات مخالف را ترجیح داد و دیگر اینکه، اگر مخالفت احادیث تفریق با عامه احراز نشود باید تساقط و رجوع به عمومات لزوم و نیز روایات دال بر ازدواج با زانی و زانیه را پذیرفت. (سیفی، بی‌تا، ۱۹۳/۳) در پاسخ می‌توان گفت که در ذهن سائل، احتمال وجوب تفریق بوده است و امام صادق (ع) در مقام دفع توهم وجوب است و مراد از لایفرق این است که واجب نیست، بلکه جایز است و این جواز با استحباب می‌سازد.

د، طرح روایات تفریق به دلیل شاذ بودن

آیت‌الله سبحانی می‌فرماید: «روایات دال بر جدایی، شاذ هستند و کسی به آنها عمل نکرده است و به دو صحیح‌ه رفاعه بن موسی عمل شده است». (سبحانی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۱۲/۲) آیت‌الله فاضل لنکرانی

نیز روایت رفاعه را به دلیل مطابقت با شهرت فتوایی، مقدم می‌داند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰/۱/۴۵۲).
به نظر می‌رسد این رویکرد در فرض عدم امکان جمع دلالتی رویکرد مناسبی است.

هـ. طرح روایات تفریق به دلیل تقیه

محدث بحرانی و برخی دیگر از علما احادیث جدایی را بر تقیه حمل کرده‌اند. (بحرانی، ۱۳۶۳، ۲۳/۹۸؛ سند، ۱۴۲۹هـ.ق، ۱/۲۷۱) از نظر نویسندگان پژوهش حاضر، این حمل صحیح نیست؛ زیرا برخی علمای اهل سنت معتقدند که خیار وجود ندارد. ابن قدامه در این باره می‌گوید: «اگر زن یا مردی زنا کند، ازدواج فسخ نمی‌شود چه قبل از دخول و چه بعد از دخول. این قول عموم اهل علم از جمله اصحاب رأی (ابوحنیفه و پیروانش)، عطاء، شافعی، نخعی، ثوری است. زنا گناهی است که انسان را از اسلام خارج نمی‌کند و شبیه سرقت است که موجب فسخ نکاح نمی‌شود» (ابن قدامه مقدسی، ۱۴۱۵هـ.ق، ۲۰/۳۴۱). ماعز نزد پیامبر ﷺ به زنا محصنه اقرار کرد، اما حضرت ازدواج او را فسخ نکرد (ابن حزم اندلسی، بی‌تا، ۶۷/۹).

۲-۴. ادله فسخ در مطلق زنای مرد

برخی از ادله برای حق فسخ داشتن زن، مطلق است؛ یعنی شامل فرض زنای پیش از ازدواج، پس از ازدواج و قبل از دخول و پس از دخول می‌شود.

۲-۴-۱. قاعده لاضرر

از دیدگاه برخی، ولایت نداشتن زن نسبت به جدایی موجب ضرر دیدن اوست و با قاعده لاضرر در تنافی است. بر این اساس، شهید اول می‌گوید: «ابن جنید و شیخ صدوق معتقدند که اگر زن زنا کند مرد خیار فسخ دارد و ابن جنید معتقد است که اگر مرد زنا کند، زن حق فسخ دارد؛ زیرا زندگی با چنین فردی عار و ننگی است و این موجب ضرر است» (شهید اول، ۱۴۳۰هـ.ق، ۳/۱۵۱) و قاعده لاضرر برای زن حق فسخ ایجاد می‌کند. به نظر نگارندگان پژوهش حاضر، این دلیل، اخص از مدعاست و در همه موارد جاری نیست؛ زیرا چه بسا برای برخی زنان زندگی با چنین فردی موجب ضرر و سختی نباشد. همچنین قاعده لاضرر در امور عدمی جاری نمی‌شود (نایینی غروی، ۱۳۷۳، ۱/۱۵۶؛ محقق داماد، ۱۴۰۶هـ.ق) و عدم ولایت زن نسبت به فسخ نیز امری عدمی است. سوم اینکه، باتوجه به اینکه لسان حدیث لاضرر، نفی است، نمی‌تواند چیزی را ثابت کند. بنابراین،

تمسک به این حدیث برای اثبات حق فسخ ناتمام است. چهارم، اگرچه این قاعده توانایی اثبات داشته باشد دلیلی بر ترجیح اثبات فسخ نسبت به طلاق و انفساخ وجود ندارد.

۲-۴-۲. تخلف از شرط صفت

صفات مورد نظر زوجین گاهی در متن عقد نکاح شرط می‌شود و گاه عقد مبتنی بر آن انجام می‌شود. هر صفتی که وجودش خلاف شرع نباشد، مشروط شدن آن در عقد نکاح جایز است. از دیدگاه برخی، پاک بودن زن و مرد از زنا شرط بنایی است و هیچ‌کدام از آنها نمی‌پذیرد که طرف مقابلش مرتکب زنا شده یا شود و اگر زوج قبل یا بعد از عقد مرتکب زنا شود، زن حق فسخ دارد. (داداشی نیایی، ۱۴۰۰ ه.ش) از نظر نگارندگان پژوهش حاضر، میان شرط ارتکازی و شرط بنایی خلط شده است و اگر پیش از عقد، عفت مرد شرط نشده باشد، شرط بنایی محقق نشده و ممکن است گفته شود عفت، شرط ارتکازی است، ولی امثال چنین شرط ارتکازی حق فسخ نمی‌آورد.^۱ مشهور علما معتقدند باید شرط درضمن عقد ذکر شود وگرنه کفایت نمی‌کند اگرچه بر آن بنا گذاشته شود (ر.ک.، شیخ انصاری، ۱۴۱۰ ه.ق، ۱۳/۱۹۲). این امر از مسائل مستحدثه نیست و با وجود اینکه همین مسئله در زمان ائمه علیهم‌السلام بوده است امام صادق علیه‌السلام چنین حقی را برای زن قرار نداد. همچنین عقد نکاح با سایر عقود متفاوت است؛ زیرا در سایر عقود، حق فسخ و شرط آن راه دارد، ولی در نکاح به جز در عیوب مخصوص، فسخ ممکن نیست و زنا از آن عیوب نیست علاوه بر اینکه شرط خیار فسخ درضمن عقد نکاح صحیح نیست (سبزواری، ۱۳۸۱، ۷۰/۱) و به طور قطع، شرط باطل است. عالمان بسیاری در صورت چنین شرطی به بطلان عقد نکاح رأی می‌دهند (محقق ثانی، ۱۴۱۴ ه.ق،

۸۶/۱۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱۵/۳).

۱. در استفتائی آمده است: «شخصی صاحب زن و فرزند به داعی کلک و خدعه با ارائه شناسنامه المثنی که در آن ثبت ازدواج نشده است دختر بکره ۱۷ ساله‌ای را خواستگاری کرده است. دختر یاد شده به داعی ازدواج با شرط ارتکازی مجرد مرد، پس از تحقیق لازم با مرد مذکور ازدواج می‌کند، سپس مراسم عقد، عروسی و بالاخره ازاله بکارت به واسطه عمل زناشویی انجام می‌گیرد. بعد معلوم می‌شود که مرد، زن و بچه دارد. باتوجه به اینکه چنانچه دختر می‌دانست که آن مرد معیل است با وی ازدواج نمی‌کرد و با در نظر گرفتن این جریان: آیا عدم شرط ارتکازی موجب فسخ عقد می‌شود؟ آیا زن می‌تواند با همان لحاظ، تقاضای طلاق کند؟ بر فرض عدم جواز فسخ، آیا زن می‌تواند تقاضای کل مهریه را دفعتاً کند؟ آیا این عمل از ناحیه مرد، موجب تعزیر نیست؟ پاسخ: زن حق فسخ ندارد و نمی‌تواند مرد را به طلاق اجبار کند، ولی می‌تواند تمام مهریه خود را به قراری که در عقد ذکر شده است مطالبه کند و چیزی بر مرد نیست، مگر آنکه تدلیس کرده باشد که در اینصورت حاکم شرع می‌تواند او را مؤاخذه کند.» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۲۱۲/۹)

۲-۵. ادله عدم ثبوت خيار فسخ

۲-۵-۱. روایات خاص

اول، روایت رفاعه بن موسی

«عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُخْدُودِ وَ الْمُخْدُودَةِ هَلْ تُرَدُّ مِنَ النِّكَاحِ قَالَ لَا؛ رِفَاعَةُ بْنُ مُوسَى مَيَّ گويد: از امام صادق عليه السلام درباره مرد و زنی که حد (حد زنا) بر آنها جاری شده سؤال کردم که آیا نکاح آنها رد و فسخ می شود؟ حضرت فرمود: خیر».

(کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵/۴۰۷)

اگرچه در حدیث فوق تصریح نشده که مراد از حد، حد زناست، ولی ذکر نکاح، قرینه‌ای بر اراده حد زناست علاوه بر اینکه در استعمالات شرعی به فردی که حد زنا بر او جاری شده است محدود و محدوده می‌گویند و عالمان شیعی نیز از این روایت همین‌گونه برداشت کرده‌اند. این حدیث به صراحت فسخ نکاح در فرض انجام زنا و حد زنا خوردن را نفی می‌کند. نکته مهم این است که این حدیث اطلاق دارد و براساس اطلاقش می‌رساند که زن، چه عالم و چه جاهل به حد خوردن شوهرش باشد، چه مدخوله باشد یا خیر، حق فسخ ندارد و وقتی در فرض حد خوردن، زن حق فسخ ندارد به صورت اولی در فرض عدم حد حق فسخ ندارد (شبی ری زنجانی، بی تا، ۵/۱۸۸۵)؛ زیرا در فرضی که حد جاری شده باشد با توجه به اینکه حد به دستور قرآن با حضور گروهی از مؤمنین جاری می‌شود (ر.ک.، نور: ۲) حیثیت و آبروی وی می‌ریزد. در نتیجه، زندگی با چنین فردی که جامعه به او دید منفی دارد، مشکل است. باین وجود، امام صادق عليه السلام این امر را سبب حق فسخ برای زن نمی‌داند. بنابراین، در فرضی که حدی بر شوهر جاری نشده و خبر خیانتش منتشر نشده و زن تحت فشار افکار عمومی نبوده و زندگی با او آسان تر است به طریق اولی زن حق فسخ ندارد. سند این روایت از ناحیه سهل بن زیاد مورد مناقشه واقع شده است، ولی نگارنده پژوهش حاضر بر این باور است که این مناقشه صحیح نیست و سهل بن زیاد به دلیل حدسی بودن تضعیفاتی که شده و نیز کثرت روایات کلینی از طرف وی قابل اعتماد است (عربشاهی، ۱۳۹۸).

در روایت دیگری امام صادق عليه السلام در پاسخ رفاعه نسبت به فردی که حد زنا بر او جاری شده است، می‌فرماید: «لَا يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا يَتَرَادَانِ النِّكَاحَ». (اشعری قمی، ۱۴۰۸ هـ.ق) در این نقل، مراد از یفرق، به قرینه یترادان، فسخ است و حضرت حق فسخ را نفی می‌کند. در ذیل این نقل

درباره برص آمده است: «یفرق بینهما» (بروجردی، ۱۳۷۳/۲۱/۱۷۰). باتوجه به اینکه تفریق در زنی که مبتلا به برص است اختیاری و جایز است قرینه مقابله می‌رساند که در زنا تفریق جایز نیست. بنابراین، در مورد زنا حق فسخ وجود ندارد (شبیری زنجان، بی‌تا، ۶۵۸۱/۲۰).

دوم، روایت ابی بصیر

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رَبَاطٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي الْعَبْدِ يَتَزَوَّجُ الْحُرَّةَ ثُمَّ يُعْتَقُ فَيُصِيبُ فَاحِشَةً قَالَ فَقَالَ لَا يُرْجَمُ حَتَّى يُوَاقِعَ الْحُرَّةَ بَعْدَ مَا يُعْتَقُ قُلْتُ فَلِلْحُرَّةِ عَلَيْهِ الْخِيَارُ إِذَا أُعْتِقَ قَالَ لَا قَدْ رَضِيتُ بِهِ وَهُوَ مَمْلُوكٌ فَهُوَ عَلَى نِكَاحِهِ الْأَوَّلِ؛ ابوبصیر از امام صادق عليه السلام سؤال می‌کند درباره عبدی که پس از ازدواج با زن آزاد، آزاد گشته و سپس مرتکب زنا می‌شود. امام صادق عليه السلام می‌فرماید: سنگسار نمی‌شود مگر اینکه پس از آزادی با زن آزادش نزدیکی کند [و پس از آن زنا انجام دهد]. ابوبصیر سؤال می‌کند که آیا زن آزاد، پس از آزادی عبد، همسرش خیار فسخ دارد؟ امام صادق عليه السلام فرمود: خیر، او در حال بنده بودن آن مرد، به ازدواج با او رضایت داد.» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵/۴۸۷)

در روایت فوق آمده است که حضرت صادق عليه السلام درباره عبدی که با زن آزادی ازدواج کرده و پس از آزادی، زنا انجام داده است، فرمود: «زن خیاری ندارد». باتوجه به تصریح این روایت اگر مرد بعد از نزدیکی با زنی زنا کند زن نمی‌تواند به فسخ نکاح اقدام و از شوهرش جدا شود و این روایت برخلاف فتوای مرحوم ابن جنید است.

۲-۵-۲. روایات دال بر حصر اسباب خیار

یکی دیگر از ادله قائلین به عدم فسخ این است که در احادیث متعددی با ادات حصر، عیوب و اسباب خیار، فسخ نکاح مطرح شده و زنا مرد از آنها نیست. بنابراین، زنا مرد سبب ایجاد حق فسخ برای زن نمی‌شود. در صحیح‌ه حلبی آمده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّمَا يُرَدُّ النِّكَاحُ مِنَ الْبَرِّصِ وَالْجَذَامِ وَالْجُنُونِ وَالْعَقْلِ؛ فقط ازدواج به واسطه پیری، جذام، دیوانگی و عیب تناسلی زنان رد می‌شود» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۷/۴۲۴). مفهوم حصر «انما» بر مدعای مشهور دلالت دارد.

از نظر نگارندگان مقاله حاضر، اول اینکه عبارت «یرد النکاح» ممکن است به صیغه معلوم خوانده شود. بنابراین، حدیث به عیوب زنان اختصاص دارد و ربطی به موضوع

مورد بحث ندارد؛ (ر.ک.. نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۰/۳۹۲) چرا که در روایت امام علیه السلام می‌فرماید: «اگر زنی مبتلی به برص و... است شوهرش می‌تواند نکاح را فسخ کند». دوم اینکه حتی اگر «یرد» مجهول خوانده شود، می‌توان گفت که این حدیث تقطیع شده است؛ زیرا شیخ طوسی پس از نقل این حدیث با فاصله‌ای اندک، همین حدیث را از حلی نقل کرده است. در نقل حلی از امام علیه السلام درباره مردی سؤال می‌کند که پس از ازدواج می‌فهمد زنش در چشمش مشکلی دارد و خانواده‌اش به او نگفته بودند. حضرت در پاسخ به این سؤال می‌فرماید: «لاترد انما یرد النکاح من البرص و الجذام و الجنون و العفل» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۷/۴۲۴). به نظر می‌رسد این حصر اضافی است؛ یعنی حضرت در مقام نفی موجب فسخ نکاح بودن «عوراء» است نه اینکه حصر حقیقی باشد تا بتوان به مفهومش اخذ کرد (سبحانی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۲/۱۳۲). ازسوی دیگر همین حدیث را کلینی نقل کرده است، ولی «انما» در آن ندارد (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵/۴۰۶). بنابراین، تمسک به مفهوم حصر در این حدیث صحیح نیست.

اگر ادعای سیاق و تبادرنسبت به اختصاص صحیحه حلی فقط به عیوب موجود در زنان نباشد بلکه عام و شامل عیوب مردان نیز باشد، باید در مفاد حدیث دقت نمود؛ زیرا ظاهر عبارت «تَرَدَ النکاح» این است که ازدواج با همان عیبی که ادعای فسخ نسبت به آن شده، آغاز شده است و عیب باید پیش از عقد موجود باشد. بنابراین، این روایت نسبت به زمان حدوث عیب اطلاق ندارد. حداقل این است که این امر محتمل و کلام مبهم است و شامل عیوب حادث پس از عقد نمی‌شود. نگارنده مقاله حاضر بر این باور است که اثبات حق فسخ در هر موردی نیاز به دلیل دارد و ادله‌ایی که برای فرض زنا یا مرد گفته شده ناتمام است. درمقابل، روایت رفاعه و ابی بصیر که از نظر سندی و دلالتی استحکام ویژه‌ای دارند این حق را در مورد زنا یا مرد نفی می‌کنند.

نکته دیگر اینکه در روایتی آمده است: «الرجل لایرد من عیب» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵/۴۱۱) برخی این را مجهول خوانده‌اند و حدیث را دلیل بر عموم عدم رد گرفته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۷/۱۹۵؛ عاملی ترحینی، ۱۴۲۷ هـ.ق، ۶/۵۰۲). براین اساس، گفته شده است که ازدواج به دلیل عیب در مرد مگر در موارد قطعی مذکور در روایات، فسخ نمی‌شود، ولی به نظر نگارنده مقاله حاضر به این حدیث از نظر سندی و دلالتی اشکالات متعددی وارد است (عربشاهی، ۱۴۰۰ هـ.ش).

عالم‌ان قائل به عدم فسخ برای اثبات این مدعا به اصل نیز استناد کرده‌اند. صاحب ریاض می‌فرماید: «در روایات مستفیضه‌ای به تفریق بین زن و مرد به واسطه زنا یا مرد پس از عقد تصریح شده است مانند صحیح علی بن جعفر، ولی این روایت علاوه بر اینکه ظهوری در خیار فسخ ندارد بر لزوم تفریق دلالت دارد، اما قائلی برای آن وجود ندارد و با اصل نیز در تعارض است. در برابر آنها دو روایت صحیح تفریق را نفی می‌کند و اصحاب به آنها عمل کرده‌اند». (طباطبایی، ۱۴۱۸ ه.ق، ۱۱/۴۵۶)

اگرچه صاحب ریاض مراد خود از اصل را بیان نکرد، ولی به نظر می‌رسد مراد او اصل لزوم یا استصحاب بقای لزوم عقد است، البته روشن است رتبه استصحاب و سایر اصول عملیه پس از ادله اجتهادی و در صورت نبود روایت است و باتوجه به وجود روایت در مسئله مورد بحث تمسک به اصل جایگاهی ندارد.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

برخی از فقها معتقدند که زنا یا مرد موجب حق فسخ برای زن می‌شود و برای این امر به روایات، قاعده لاضرر و ادله خیار تخلف از شرط، استناد کرده‌اند. در مقابل، روایاتی بر عدم فسخ وجود دارد و ارتکاز ذهنی و سیره متشرعه بر این است که بدون طلاق نمی‌توان ازدواج را از بین برد و حق فسخ نیز فقط در موارد معدودی آن هم فقط نسبت به عیوب مطرح در روایات وجود دارد. فقهای امامیه تمسک به قاعده لاضرر و ادله خیار تخلف شرط را در این مورد ناتمام دانسته و راه‌های متعددی برای حل تعارض میان روایات مطرح کرده‌اند. برخی تعارض میان آنها را مستقر دیده و حکم به تساقط کرده‌اند.

از نظر نویسندگان مقاله حاضر، باتوجه به مؤیدات و قرائن مذکور بهترین راه برای جمع میان روایات، حمل وجوب تفریق بر استحباب طلاق است؛ یعنی مستحب مؤکد این است که حاکم شرع یا مردم به زوج بگویند که زنش را طلاق دهد. در صورت عدم پذیرش این حمل، نوبت به تساقط روایات و مراجعه به عمومات یا استصحاب لزوم نکاح می‌رسد. بنابراین، باتوجه به اعراض بسیاری از علمای امامیه از احادیث فسخ نکاح به دلیل زنا یا زوج، نداشتن الفاظ صریح در فسخ، ذکر پرداخت مهریه در این احادیث، سیره متشرعه و عموم اوفوا بالعقود باید گفت که زنا یا زوج در هیچ صورتی برای زن حق فسخ نمی‌آورد، البته زن

می‌تواند پیش از عقد، عفت و عدم زناى همسرش را مطرح کند و از شوهرش وکالت در طلاق بگیرد تا با این اقدام در صورت کشف زناى پیشین یا پس از عقد بتواند از همسرش جدا شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن داود، حسن بن علی (۱۳۸۳). رجال ابن داود. تهران: دانشگاه تهران.
۲. ابن قدامه مقدسی، عبدالرحمن (۱۴۱۵ ه.ق). الشرح الكبير. قاهره: هجر.
۳. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (بی تا). المحلی بالآثار. بیروت: دار الفکر.
۴. ابن قولویه قمی، جعفر (۱۳۵۶). کامل الزیارات. نجف: دار المرتضویه.
۵. اراکی، محمد علی (۱۳۷۷). کتاب النکاح. قم: نورنگار.
۶. اشعری قمی، احمد (۱۴۰۸ ه.ق). النوادر. قم: مدرسه الامام المهدی (علیه السلام).
۷. آل عصفور بحرانی، حسین بن محمد (بی تا). الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع. قم: مجمع البحوث العلمیه.
۸. بحرانی، یوسف (۱۳۶۳). حقائق الناضره. قم: جامعه المدرسین.
۹. بروجردی، حسین (۱۳۷۳). جامع احادیث الشیعہ. قم: مهر.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). وسائل الشیعہ. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۱۱. حکیم طباطبایی، سید محمد سعید (۱۴۲۵ ه.ق). مصباح المنهاج کتاب الصوم. بیروت: دار الهملا.
۱۲. خوانساری، سید احمد (۱۳۵۵). جامع المدارک. تهران: مکتبه الصدوق.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال. بی جا: بی نا.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ ه.ق). موسوعه الامام الخویی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۱۵. داداشی نیاکی، محمدرضا (۱۴۰۰ ه.ش). نقش خیانت زوج در انحلال نکاح. نشریه پژوهش های حقوقی، ۲۰(۲)، ۲۲۰-۲۳۷.
۱۶. روحانی، سید صادق (۱۴۳۵ ه.ق). فقه الصادق. قم: آیین دانش.
۱۷. سبحانی، جعفر (۱۴۱۶ ه.ق). نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغراء. قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
۱۸. سبزواری، محمد باقر (۱۳۸۱). کفایه الفقه. قم: جامعه المدرسین.
۱۹. سند، محمد (۱۴۲۹ ه.ق). سند العروه الوثقی کتاب النکاح. قم: باقیات.
۲۰. سیفی، علی اکبر (بی تا). دلیل الوسیله کتاب النکاح. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام).
۲۱. شبیری زنجانی، سید موسی (بی تا). نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۲۲. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۳۰ ه.ق). موسوعه الشهد الاول. قم: دفتر تبلیغات.
۲۳. شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۰ ه.ق). مکاسب مع حواشی الکلائتر. قم: دار الکتب.
۲۴. شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ ه.ق). کتاب الطهاره. قم: المؤتمر العالمی.
۲۵. شیرازی حسینی، سید محمد (۱۴۰۷ ه.ق). الفقه. قم: مؤسسه الفكر الاسلامی.
۲۶. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۵ ه.ق). المقنع. قم: پیام امام هادی (علیه السلام).
۲۸. صدوق، محمد بن علی (بی تا). علل الشرائع. قم: مکتبه الداوری.
۲۹. طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸ ه.ق). ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ه.ق). الخلاف. قم: جامعه المدرسین.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ه.ق). تهذیب الاحکام. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ ه.ق). الفهرست. قم: مکتبه المحقق الطباطبایی.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ ه.ق). رجال. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. عاملی ترحینی، سید محمد حسین (۱۴۲۷ ه.ق). الزبده الفقهیه. قم: دار الفقه.
۳۵. عاملی، سید جواد (بی تا). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. بیروت: دار احیاء التراث.
۳۶. عربشاهی، محمد (۱۳۹۴). کفویت در ازدواج. مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۳۷. عربشاهی، محمد (۱۳۹۸). امکان سنجی فسخ نکاح به دلیل زناى زوجه از دیدگاه فقه امامیه، نشریه فقه، ۲۶(۳)، ۵۱-۲۹.

۳۸. عربشاهی، محمد (۱۴۰۰ ه.ش). امکان سنجی فسخ نکاح به دلیل برص زوج از دیدگاه فقه امامیه. نشریه فقه و حقوق خانواده، ۷۵ (۲۶)، ۸۱-۱۰۳.
۳۹. علامه حلی (۱۳۸۱). ترتیب خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۴۰. علامه حلی (۱۴۱۳ ه.ق). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۱. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۹۰). آیین کیفری اسلام. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
 ۴۲. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ ه.ق). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله- نکاح. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
 ۴۳. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ه.ق). کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام. قم: جامعه مدرسین.
 ۴۴. فیض کاشانی، محمد (۱۴۰۶ ه.ق). الوافی. اصفهان: مکتبه امام امیرالمؤمنین (ع).
 ۴۵. قمی طباطبائی، سید حسن (۱۴۱۵ ه.ق). کتاب الحج. بی جا: باقری.
 ۴۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ه.ق). تفسیر. قم: دارالکتاب.
 ۴۷. کشی، محمد بن عمر (بی تا). رجال الکشی. قم: بی نا.
 ۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۴۹. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۴ ه.ق). الدر المنضود فی احکام الحدود. قم: دارالقرآن الکریم.
 ۵۰. مجلسی اول، محمد تقی (۱۴۰۶ ه.ق). روضه المتقین. قم: کوشانپور.
 ۵۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۶ ه.ق). ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۵۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۰ ه.ق). الوجیزه فی علم الرجال. تهران: همایش بزرگداشت علامه مجلسی.
 ۵۳. محقق ثانی (عاملی کرکی، علی) (۱۴۱۴ ه.ق). جامع المقاصد. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
 ۵۴. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ ه.ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
 ۵۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ ه.ق). کتاب النکاح. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
 ۵۶. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۷ ه.ق). فقه الحدود و التعزیرات. قم: جامعه المفید.
 ۵۷. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۶). البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
 ۵۸. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۲). استفتانات. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
 ۵۹. مؤمن، محمد (۱۳۸۹). مبانی تحریر الوسیله کتاب الحدود. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
 ۶۰. نایینی غروی، میرزا محمد حسین (۱۳۷۳). منیه الطالب فی حاشیه المکاسب. تهران: مکتبه المحدثیه.
 ۶۱. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ ه.ق). رجال نجاشی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۶۲. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ه.ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

The Islamic Journal of Women and the Family
Quarterly Journal

11st Year / no.32 / Autumn 2023

ISSN: 2538-4085

EISSN: 2717-6190

Proprietor: Al-Mustafa International University

Published: BintulHoda Higher Education Complex

Chief Director: Seyed Mahmod Kaveyani

Editor-in-Chief: Ali NaqiFaqihi

Members of the Editorial Board (in alphabetical order)

Hamid Parsania / Associate Professor of Philosophy, Faculty Member of University of Qom

Masoud Janbozorgi, Professor of Psychology, Faculty Member of Research Institute of Hawzah and University

Farah Ramin / Professor of Philosophy and Islamic Theology, Faculty Member of University of Qom

Adel Sarikhani, Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty Member of University of Qom

Mohammad Mahdi Safouraei Parizi, Associate Professor of Educational Psychology, Faculty Member of Al-Mustafa International University

Jamileh Alamolhoda, Associate Professor of Educational Sciences and Psychology, Faculty Member of Shahid Beheshti University

Mohammad Faker Meibodi, Professor of Quranic Interpretation and Sciences, Faculty Member of Al-Mustafa International University

Ali Naghi Faghihi, Associate Professor of Educational Psychology, Faculty Member of University of Qom

Hussein Ghamari Givi, Professor of Counseling, Faculty Member of University of Mohaghegh Ardabili

Mohammad Mahdi Gorjian Arabi, Professor of Islamic Mysticism and Quranic Sciences, Faculty Member of Baqir al-Olum University

Mohsen Malek Afzali, Professor of Jurisprudence and Principles of Law, Faculty Member of Al-Mustafa International University

Mohammad Narimani, Professor of Psychology, Faculty Member of University of Mohaghegh Ardabili

Director Editor: Sara Shafe'i

Editor: Zahra Shafe'i

Translators of Abstracts: Kamal BarzegarBafroie

Technical Advisor & Layout: Sahar Printing & Graphic House

"The Islamic Journal of Women and the Family" is accessible online on the following websites:

- | | |
|--|---|
| 1. Islamic World Science Citation Center (ISC) | www.isc.gov.ir |
| 2. Noor Journals Website | www.noormags.ir |
| 3. Iran Magazine Data Bank | www.magiran.com |
| 4. Scientific Information Database | www.SID.ir |
| The Journal Webpage | http://pzj.journals.miu.ac.ir |

Email: iswf.mags@miu.ac.ir

Address: Bent al-Hoda University, The Beginning of Imamate Boulevard, Pardisan, Qom

Office Telephone: 00982537183284 Postal code: 37166-64462